

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۴۷، پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۳ - ۲۳ مه ۲۰۱۴

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

* بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران...ص ۲

* گزارش تصویری از شرکت فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در همایش روز جهانی کارگر در کلن، مونیخ، بروکسل و واشنگتن...ص ۵

* "تدبیر"های حکومت و "توقعات" جامعه - منصور امان...ص ۷

* افزایش بیکاری جوانان و سیاستهای «جمعیتی» ولی فقیه - زینت میرهاشمی...ص ۱۰

* جهان در آینه مرور، ویژه روز جهانی کارگر - لیلا جدیدی...ص ۱۲

* شکاف در راس قدرت، شکست مذاکرات اتمی - جعفر پویه...ص ۱۹

* نمایش انتخابات پارلمانی عراق - آناهیتا اردوان...ص ۲۳

* چالشهای معلمان در اردیبهشت ماه - فرنگیس بایقره...ص ۲۷

* برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۳ - زینت میرهاشمی...ص ۳۲

* زنان در مسیر رهایی - آناهیتا اردوان...ص ۴۲

* رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۴۶

* شهادت نوزدهمین مجاهد خلق در اثر محاصره ضد انسانی پزشکی و عدم دسترسی به بیمارستان در لیبرتی...ص ۵۰

* شهادت فدایی در خرداد ماه...ص ۵۸

* انتشارات تصویری سازمان...ص ۵۹

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد آزادی»

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران



اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به تمامی نیروهای کار در جهان به ویژه به همه نیروهای کار یدی و فکری (کارگران صنعتی، کشاورزی، معلمان، پرستاران و کارگران بخش خدمات و ...) ایران تبریک می گوئیم و برای جنبش کارگری در سراسر جهان در مبارزه علیه استثمار، بردگی، استبداد و عقب ماندگی، موفقیت‌های بزرگ آرزو می کنیم.

در سالی که پشت سر گذاشتیم، در بسیاری از نقاط جهان اعتراض‌های گسترده علیه فقر، بیکاری، تبعیض و بی عدالتی و علیه تهاجم انحصارات امپریالیستی به سطح زندگی و معیشت مردم زحمتکش جریان داشت. در کشورهای تحت حاکمیت رژیم‌های دیکتاتوری به ویژه این مبارزه برای به رسمیت شناختن حق تشکلهای کارگری، حق کار و دریافت حداقل دستمزد

بر اساس نرخ تورم، حق اعتصاب، حق برخورداری از بیمه های اجتماعی، پایین آمدن ساعات کار و برخورداری زنان از حقوق مساوی در ازای کار مساوی همچنان ادامه یافت.

طی سال گذشته نیروهای کار یدی و فکری (کارگران، مزدبگیران، معلمان و پرستاران) ایران شرایط سخت و دشواری داشتند. ادامه طرح حذف یارانه ها، فقر و سیه روزی میلیونها ایرانی را افزایش داد و زندگی کارگران و خانواده هایشان را به تباهی کشاند. کارگران ایران از یک طرف تحت ستم و سرکوب استبداد مذهبی قرار دارند و از طرف دیگر باید هزینه سیاستهای رژیم برای پیوستن به اردوی جهانی سازی نو - لیبرال را بپردازند. در حالی که خامنه ای مزورانه از «استقلال» و دفاع از «منافع مردم» لاف می زند، دستورات نهادهای جهانی تحت سلطه نظام نو - لیبرال را مو به مو و گام به گام اجرا می کند. به موازات آن، رژیم با افزایش هزینه هایی که به امنیت آن مربوط می شود، زندگی کارگران، و زحمتکشان و در یک کلام اکثریت قاطع مردم ایران را به فلاکت هر چه سیاه تری می کشاند.

در سال گذشته فعالان کارگری بارها اعلام کردند که حداقل دستمزد تعیین شده توسط شورای کار منجر به فلاکت بیشتر نیروهای کار می شود. در سوم آذر سال گذشته تعدادی از کارگران و کوشندگان کارگری در اعتراض به تعیین ناعادلانه حداقل دستمزد، در وزارت کار دست به تجمع زده و خواسته های خود را در یک قطعنامه اعلام کردند. کارگران معترض نوشتند: «ما دیگر نمی توانیم شرایط مشقت باری از قبیل کار ۱۲ ساعته و ۱۶ ساعته و یا کوچک کردن سفره هایمان را برای گذران زندگی تحمل کنیم و مصرانه بر افزایش چندین برابری حداقل مزد کارگران شاغل و بازنشسته پای می فشاریم.»

آنها همچنین خواستار عمل کردن تامین اجتماعی به تعهدات خود در برابر کارگران و توقف غارت آنها زیر عنوان «بیمه های تکمیلی» شدند. کارگران معترض خواهان لغو «طرح استاد - شاگردی»، جریمه کارفرمایانی که از پرداخت به موقع دستمزد شانه خالی می کنند، توقف کلیه تغییرات ضد کارگری در قانون کار، برچیده شدن شرکتهای پیمانکاری و اجرای بی نقص بیمه کارگران ساختمانی گردیدند.

همچنین در شهریور ماه سال گذشته سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در نامه ای با امضای بیش از دو هزار تن از کارگران خطاب به حسن روحانی نوشت: «یکی از دروغهای بزرگی که ضرر و زیان آن مستقیماً متوجه کارگران شده و گذران زندگی سخت روزمره آنان را سخت تر کرده است، تعیین رقم جعلی ۲۵ درصد تورم اسفند ماه ۱۳۹۱ برای محاسبه حداقل دستمزد سال ۱۳۹۲ بوده است که رقم واقعی تورم در آن تاریخ به تایید جنابعالی بیش از ۴۰ درصد می باشد. در اعتراض به این تصمیم نا عادلانه و خلاف ماده ۴۱ قانون کار که دست پخت شورای عالی کار دولت دهم علیه کارگران بوده است، به پیوست نامه، درخواست افزون بر دو هزار امضایی کارگران شرکت واحد که بازتاب دهنده خواسته میلیونها کارگر ایرانی جهت پرداخت مابه التفاوت این رقم تا رقم واقعی تورم است، تقدیم می گردد. کارگران خواهان آند دولتی که با شعار امید و راستگویی در انتخابات به پیروزی رسیده است، این درخواستها را پذیرفته و آنها را انجام دهد.»

«مازیار گیلانی نژاد»، از فعالان سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک در روز شنبه ۲۱ دی سال گذشته در باره بهانه دولت برای عدم افزایش حداقل دستمزد با توجیه سبد کالایی به «ایلنا» گفت: «این که برخی مسوولان دولت از هم اکنون زمینه مسکوت ماندن دستمزدها را مطرح می کنند، اقدام درستی نیست و با وعده های قبل از انتخابات و روزهای نخست دولت منافات دارد... دولت هر چقدر هم که با توزیع سبد کالایی به افزایش قدرت خرید کارگران کمک کند، باز هم کارگران زیادی به دلیل آماده نبودن شبکه های شناسایی و توزیع از این مزایا محروم خواهند شد... دولت بهتر است طبق وظایف نظارتی خود، حضور حمایتی اش در بازار کار را تقویت کند و بدین ترتیب علاوه بر ایجاد امکان پرداخت دستمزدهای واقعی از سوی کارفرما، بر پرداخت شدن قانونی آن به همه کارگران نظارت کند.»

با این همه، وزارت کار بر خلاف قولهای حسن روحانی در روز جمعه ۲۳ اسفند میزان حداقل دستمزد را نه بر اساس نرخ تورم ۴۰ درصد که با محاسبه نرخ تورم ۲۵ درصد تعیین کرد. شورای عالی کار دولت به اصطلاح «تدبیر و امید» بدون حضور نمایندگان انتخابی کارگران و با نادیده گرفتن نرخ واقعی تورم، حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۹۳ را ۶۰۸ هزار و ۹۰۰ تومان تعیین کرد و بدین ترتیب اکثریت قاطع خانواده های ایرانی را به فلاکت، فقر مطلق و بی خانمانی محکوم کرد.

در حالی که کارگران ایران خواستار برخورداری از حق کار، حق اعتصاب، حق تشکلهای مستقل کارگری و حق برخورداری از بیمه های اجتماعی و به طور کلی خواهان یک زندگی انسانی هستند، کارفرمایان با حمایت رژیم، هر روز کارگران بیشتری را اخراج می کنند و به گونه گسترده ای با سرکوب و زندان به خواسته های کارگران معترض واکنش نشان داده می شود

کارگران و زحمتکشان ایران در مقابل سیاستهای ضد کارگری سرمایه داران و حکومت مدافع آنها سکوت نکرده و به اشکال مختلف دست به مبارزه زده اند.

حرکتهای اعتراضی کارگران در سال گذشته از نظر کمی گسترش بی سابقه ای پیدا کرد و در اشکال گوناگون نمود یافت؛ نامه نگاری به گردانندگان رژیم، تجمع اعتراضی، اعتصاب، تحصن، بستن جاده ها، راهپیمایی و... شیوه هایی بود که کارگران در مبارزه خود از آن استفاده کردند.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بیان حرکتهای اعتراضی نیروهای کار در سال ۱۳۹۲ را منتشر کرده است. بر اساس این بیان، در سال گذشته ۵۵۶ حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار صورت گرفته است. یادآوری می کنیم که در سال ۱۳۹۱ تعداد اعتراضات کارگران ۴۴۶ حرکت بود.

نیروهای سرکوبگر رژیم بارها به حرکتهای مسالمت آمیز کارگران یورش بردند و کارگران محروم و بی دفاع را سرکوب و بازداشت کردند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آستانه اول ماه مه یکبار دیگر همبستگی خود را با مبارزه نیروهای کار اعلام می کند و به تمامی کارگران، مزدبگیران و کوشندگان کارگری که به خاطر مبارزه برای حقوق انسانی خود به زندان افتاده و

زیر شکنجه های مزدوران رژیم مقاومت می کنند، درود می فرستد. ما ضمن محکوم کردن آزار و شکنجه نیروهای کار، خواستار آزادی فوری آنها و همه ی کسانی که به خاطر اعتراض به وضع فلاکتبار خود زندانی شده اند، هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از خواسته های فوری و پایه ای کارگران و مزد بگیران که در زیر آمده حمایت کرده و همبستگی خود را با جنبش نیروهای کار اعلام می کند.

*حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری برای نیروهای کار یدی و فکری (کارگران صنعتی، کشاورزی، معلمان، پرستاران و کارگران بخش خدمات و ...)

*لغو و رفع هرگونه تبعیض بین زن و مرد در حقوق کار و در تمامی شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و پذیرش کنوانسیون جهانی منع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان

*به رسمیت شناختن حق اعتصاب، تجمع و تظاهرات به عنوان حقوق پایه ای نیروهای کار

*آزادی کلیه زندانیان سیاسی به شمول فعالان کارگری

*تامین امنیت شغلی برای همه کارگران، لغو قراردادهای موقت و قراردادهای شرکتی پیمانکاری و سفید امضا و پرداخت فوری دستمزدهای معوقه به طور کامل

*به رسمیت شناختن حداکثر ۸ ساعت کار در روز، دو روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه با حقوق

*تعیین حداقل دستمزد با مشارکت نمایندگان واقعی کارگران و تشکلهای مستقل کارگری، متناسب با افزایش نرخ واقعی تورم. محاسبه حداقل حقوق بر اساس تامین نیازهای زندگی شرافتمندانه و انسانی یک خانوار چهار نفره

*توقف کامل اخراجها و بیکارسازی و ایجاد سیستم بیمه اجتماعی برای تمامی نیروهای کار

*لغو کامل کار کودکان

*تامین حقوق بازنشستگان برای زندگی بدون دغدغه اقتصادی

*تعطیل رسمی و همگانی اول ماه مه و لغو هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم روز جهانی کارگران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آستانه اول ماه مه کارگران سراسر جهان و اتحادیه ها و سندیکاهای کارگران و مزدبگیران جهان را به یاری رسانی به کارگران ایران در مبارزه برای رهایی کشور از چنگ نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه فرا می خواند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه کوشندگان جنبشهای اجتماعی ایران را به اتحاد و همبستگی برای برچیدن بساط استبداد مذهبی ولایت فقیه و تحقق آزادی و عدالت دعوت می کند.

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دو شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ (۲۸ آوریل ۲۰۱۴)

* بیلان ۵۵۶ حرکت اعتراضی کارگران در سال ۱۳۹۱ در آدرس زیر

<http://www.iran-nabard.com/etelayeha/1392%20bilan%20jonbesh%20kargari.pdf>

*برای اطلاع از اخبار روزانه کارگری به سایت جنگ خبر در آدرس زیر مراجعه کنید.

<http://www.jonge-khabar.com>

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

گزارش تصویری از شرکت فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
در همایش روز جهانی کارگر در کلن، مونیخ، بروکسل و واشنگتن





"تدبیر" های حکومت و "توقعات" جامعه

منصور امان

آیا وظیفه توسعه دموکراسی در کشور و گشودن بندهایی که حکومت برای جلوگیری از تحرک و حیات موثر جامعه مدنی به پای آن بسته است را می توان به بخشهایی از خود حکومت در راس یا بدنه که از موقعیت گنونی خویش ناراضی به نظر می رسند، سپرد؟

در حالی که نظم حاکم در مجموع و به دلایل کاملاً روشنی که از تمایل آن به استمرار انحصار قدرت و یکه تازی بدون رقیب در این میدان سرچشمه گرفته بی درنگ به این پرسش جواب مثبت می دهد و به آن تشویق می کند، اما جامعه که موقعیت واقعی خویش را با تجربه روزانه و مشاهده و لمس تغییراتی که در جهت بهبود یا وخامت آن در جریان است می سنجد، می تواند پاسخهای متفاوتی برای سوال مزبور داشته باشد.

در ماه گذشته (اردیبهشت) بخشهای گوناگونی از جامعه مدنی، پاسخ ویژه خود به سوال بالا را دادند؛ خانواده زندانیان سیاسی با حرکتها و فعالیتهای اعتراضی خویش، کارگران پیشرو در روز جهانی کارگر در تهران و سنندج و دانشجویان دانشگاه های امیرکبیر، فردوسی مشهد و یاسوج با اعتراضهای متشکل.

مضمون جدال

اختلاف بین جناحهای اصلی حکومت یک واقعیت سیاسی و طبقاتی است و از همین رو توضیح جدال در گرفته زیر "خیمه نظام" با فرضیه هایی همچون دسیسه ی نقش آفرینان یا جنگ زرگری، در بهترین حالت ساده کردن چالش و دور زدن آن برای گریز از وظایف پیچیده ای است که در برابر کنشگران قرار می دهد.

از سوی دیگر، در برخورد به صف بندی دسته بندیهای درونی حکومت علیه یکدیگر نمی توان ماهیت این جدالها و هدفهایی که آنها پی می گیرند را نیز از نظر دور داشت. در هیچ دوره ای در تاریخ کشمکشهای داخلی دستگاه قدرت جمهوری اسلامی، مضمون اختلافها را خواستها و سمتگیری دموکراتیک یا عدالت خواهانه تشکیل نمی داده است. توجه به سرچشمه اختلافهای مزبور، ماهیت آن را نیز روشن می کند. یک نگاه سطحی نیز برای تشخیص دو فاکتور اصلی در این معادله کافی است. نخست منشا درونی درگیریها که بر سر منافع ویژه عناصر درگیر شکل می گیرد و سپس ریشه بیرونی آن که از دل تضاد بین جامعه و استبداد و بحران ناشی از آن بیرون آمده است و درگیری در "بالا" را اجتناب ناپذیر می کند.

عامل درونی نزاع در ارگان قدرت، چالش بر سر موقعیت هر یک از باندها در صورت بندی سیاسی و اقتصادی موجود، یعنی نظام استبدادی - مذهبی حاکم است. بخشهایی از حکومت با منشا طبقاتی بورژوازی دولتی انگل و رانت خوار تلاش می کنند از زیر فشار و تحمیل باند حاکم با همین پایه طبقاتی رهایی یابند، قدرت یکه تازانه آن را محدود و مشروط سازند و به این وسیله وزنه سنگین تری در کفه ترازوی قدرت و ثروت به دست آورند. در مقابل، بخش غالب کوشش می کند، رقیبان خود را یا به گلی از میدان بیرون براند، یا دستکم اهمیت سیاسی آنها را به سطحی که برای داشته هایش بی ضرر و بی خطر باشد، کاهش دهد.

عامل بیرونی شکاف در "بالا"، تضاد حل نشدنی بین استبداد مذهبی و دولت دینی با نیازها و خواستههای جامعه رو به توسعه بورژوایی است که از نظر سیاسی پرچم مطالبات دموکراتیک را در دست دارد و رژیم ولایت فقیه همچون سنگی گران بر پای، مانع پیشرفت آن است.

شرایط جدید

بنابراین، علت تمایلات "اصلاح طلبانه" یا خواست تغییر روش را نیز می توان تصادم رشد یابنده منافع در دو حوزه مزبور به گونه ای که از گنجایش چارچوبها و امکانات موجود فراتر رود، دانست. بحران هسته ای و در پی آن شکست اقتصادی و

سیاسی رژیم ولایت فقیه که پایه های قُدرت آن را به گونه جدی به خطر انداخته، یکی از سرفصلهایی است که به بیرون آمدن گرایش مزبور از زیر فشار خفقان آور باند حاکم مُنجر شده است. این امر بیش از آن که به توان یا اعتلای اصلاح طلبی حُکومتی ربط داشته باشد، به ضعف باند حاکم و ناتوانی آن در حفظ قُدرت با سیاستها و ابزارهای پیشین است.

بنابراین - همانگونه که مشاهده می شود - صحنه نمایش زیر "خیمه نظام" شاهد نقش آفرینی دو نیرو شده است که یکی در حال تلاش برای برآمدن و مشروط ساختن دایره عمل حریف و دیگری در حال کوشش برای گریز از مخمصه است. جناح میانه ی حُکومت در پی آن است که با استفاده از شرایط وخیم باند ولی فقیه، از آن امتیازاتی برای خود بگیرد و موقعیتش را برای سهیم شدن در منافع قُدرت بهبود بخشد. جناح رقیب در مقابل سعی دارد امتیازاتی که واگذار می کند، ناچیز و برگشت پذیر باشد و از طرف دیگر، با اهرمهایی که به عنوان قُدرت واقعی همچنان در اختیار دارد، هماورانش را مهار و تحرک آنها را فقط سازگار با حوزه منافع خود محدود سازد.

آنچه که به اجرایی شدن و پیشرفت چنین سیاستی یاری می رساند، استراتژی جناح میانه برای ورود به کانون مرکزی قُدرت از میان بُر حل یا تخفیف موثر بحران خارجی "نظام" است. تاکتیک جناح میانه در همان حال که تضادهای اصلی خود با باند رقیب را به پهنه خارجی مُنتقل می کند و امکانات اعمال قُدرت و تولید اُتوریت قهری آن را از حوزه کشمکش کنار می گذارد، همزمان به کارگزار مُفید آقای خامنه ای و همدستانش برای نجات و بیرون آمدن از بُن بستی که در آن گرفتار شده، تبدیل می شود.

تاکتیک جناح مزبور برای برکشیدن خود در هیرارشی قُدرت، ایفای نقش ناجی "نظام" از بُحرانهای خارجی و داخلی است که در آن گرفتار آمده. اینان که نزد طرفهای خارجی نظام گاهی "مُدِره" و در دوره ای "پراگماتیست" به حساب می آیند، آمیوارند که با بندوبست خارجی و روی پیشخوان بردن مُعامله از فراز سر جامعه، هم خود را از پیکره "نظام" حذف و جراحی ناپذیر کرده و شراکت خویش در قُدرت و ثروت را بیمه کنند و هم از سوی دیگر با محدود نگه داشتن تغییرات به پهنه سیاست خارجی و جابجایی نرم در آرگانهای قُدرت، نوشیدن "جام زهر" هسته ای را برای باند حاکم تحمّل پذیر سازند.

معنای عملی این سیاست در حوزه داخلی را می توان در کارنامه "دولت تدبیر و اُمید" به خوبی مشاهده کرد. هیچیک از وعده های سُست و نیم بند انتخاباتی حُجت الاسلام روحانی پیرامون اصلی ترین آثار و نموده های "فضای امنیتی" که او قول "باز کردن" اش را داد، جامه عمل نپوشیده است زیرا جناح میانه حُکومت برآوردن تعهُدات خویش را مشروط به موفقیت در خارج و نه عقب راندن استبداد در داخل و تضعیف واقعی آن کرده است. به سختی می توان چنین پارادوکسی را به عنوان برنامه عمل در جهت "باز کردن فضای امنیتی حاکم بر جامعه" جدی به حساب آورد چرا که راهکار مزبور از پیش هر گونه گشایشی را دست و پا بسته به گروگان تامین منافع آقای خامنه ای و شُرکا در بُحران هسته ای درآورده است.

نتیجه تاکتیکی

شرایط کنونی در مُعادله "بالا" و "پایین"، از نظر تاکتیکی دو رویکرد در هر دو سمت را شکل می دهد؛ نَخست سیاست دوگانه جناح میانه حُکومت مبنی بر جوش دادن مُعامله با باند حاکم بدون نازل شدن شر جامعه بر سر "نظام"، به مفهوم بی نیازی آنها از "پایین" نیست. برعکس، آنها به هر اندازه که با موانع بُلند تر باند رقیب بر سر راه شان مُواجه می شوند، به هر اندازه که بیشتر و دردناک تر با نتایج سیاست ناهمگون و چاپلوسانه خویش روبرو می شوند، به همان میزان نیز به فشار از "پایین" و اهرم فشار اجتماعی بیشتر نیازمند می گردند. آنها با کشاندن درگیری به این پهنه، تلاش می کنند ابزارهای اعمال قُدرت باند حاکم که آنان را به گونه بی واسطه از کانون قُدرت دور نگه می دارد را در مُهمترین میدان حضورشان، عرصه اجتماعی، به عقب برانند. سیاست مزبور همزمان بدان معناست که آنها به طور ناگزیر باید دست به اقداماتی برای "باز کردن فضای امنیتی" بزنند و بندهایی که جامعه را مهار کرده را شُل کنند.

همه هنر یک "اصلاح طلب" حکومتی در این نهفته است که راه ها و امکاناتی را بیابد که نیروی آزاد شده را به سیاهی لشکر خود بدل کرده و بدون آنکه به طور واقعی گامی در جهت برآوردن و پاسخ به خواسته ها و نیازهای آن به پیش بگذارد و دستی برای رفع و برچیدن مشکلاتی که با آن روبرو است برآورده باشد، "پایین" را به حمایت یکجانبه از خویش برانگیزد و در نقطه ای که به تولید فشار نیاز دارد، به خدمت بگیرد.

این سیاست ریاکارانه ای است که چکیده آن در توصیه مکرر "اصلاح طلبان" حکومتی به نداشتن "توقعات بی جا از دولت جدید" و هشدار نسبت به "خطر بالا بردن سطح توقعات مردم"، بازتاب یافته است. این یعنی سازگار کردن توقعات و مطالبات با منافع مشخص حکومت و حرکت به طور انحصاری فقط در محدوده ای که تعیین می کند و به حال خود مفید تشخیص می دهد.

از سوی دیگر، برای جامعه و نیروهای فعال آن نیز شکافهای ایجاد شده در سیستم یا پتانسیل ایجاد و ژرفش آنها بی اهمیت نیست. مهم پاسخ به این سووال پایه ای است که آیا طبقات و اقشار ناراضی و معترض، از اختلافهای درون حکومت سود می برند یا خیر و آیا این کشمکش، تغییری به سود بهبود وضعیت آنها ایجاد می کند؟ درگیری جناح میانه حکومت با باند ولی فقیه به خودی خود هیچ امتیازی برای جامعه به همراه ندارد، مگر آنکه در شکل اصلاحات حقیقی و تغییرات حتی جزئی اما لمس پذیر در حوزه های اصلی چالش و تضادهای موجود عینی شود.

در لحظه ای که قدرت حاکم در تنگنا و زیر سخت ترین فشارها به سر می برد، مناسب ترین زمان برای افزایش ضریب مداخله گری در رویدادها و حرکت در جهت مبارزه مستقیم برای آزادی فرا رسیده است. بهترین نشانه درغلتیدن حاکمان به این شرایط، در کوشش آنها برای کمک گرفتن از نیروی اجتماعی و وارد کردن کنترل و مدیریت شده آن به میدان نبرد خود آشکار می شود. در این هنگام، به همانگونه که استفاده از موقعیت ایجاد شده برای تحرک و تجدید تنفس جنبشهای اجتماعی ضروری و چشم پوشی ناپذیر است، همانطور نیز وارد شدن در رابطه ای یکطرفه با بخش مغلوب و جویای قدرت حکومت، مخرب برای همبستگی و سازمان یافتگی درونی جنبشها و زیان آور به حال مطالبات آنها است.

برآمد

عملی ترین راه حل برای استفاده از تضادهای درونی حکومت از یک سو، و فعال شدن جنبشهای اجتماعی و بسیج نیرو از سوی دیگر، طرح مستمر، پیگیرانه و صریح مطالبات (توقعات) و مبارزه و ایجاد فشار برای به واقعیت تبدیل کردن آنها است. بازی در میدانهایی که جناح میانه حکومت برای افزایش قدرت چانه زنی خود در "بالا" در اختیار "پایین" می گذارد، جز به انفعال نیروی فعال اجتماعی و تثبیت رُل تماشاگر برای بخش غیرفعال آن نمی انجامد. در برابر امکاناتی که تضاد در دستگاه قدرت خلق می کند، سر تعظیم نباید فرود آورد، باید آنها را مصادره کرد و خلاقانه گسترش داد. هر اندازه که جنبشهای اجتماعی مستقل تر و از آماجهای روشن و عمیق تری برخوردار باشند، هر اندازه که توهم کمتری به "اصلاحات" و "تدبیر"های این یا آن جناح حکومت داشته باشند، توانایی بیشتری نیز برای بهره برداری از تضادهای درونی "نظام" خواهند داشت.

از یاد نباید برد که در طولانی مدت، موفقیت در این پهنه به میزان سازمان یافتگی جنبشهای اعتراضی کارورزان، دانشجویان، زنان و جوانان و نیروی واقعی که می توانند به میدان بیاورند، بستگی دارد. برای برآوردن این پیش شرط از هم اکنون باید مبارزه کرد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

افزایش بیکاری جوانان و سیاستهای «جمعیتی» ولی فقیه

زینت میرهاشمی

علیرغم اعمال فشار برای افزایش جمعیت از طریق کاهش امکانات ضد باروری برای زنان، این راهبرد ضد انسانی ولی فقیه تا کنون نتیجه نداشته است. توصیه های مکرر خامنه ای و پیشنهادهای دایناسورهای حوزه های جهل و خرافات و فقههای حکومتی شاهدی بر این موضوع است.

در پی بی ثمر بودن سیاست افزایش نرخ رشد جمعیت که از زمان احمدی نژاد آغاز شد، سرانجام خامنه ای روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت، ابلاغیه ای در این مورد خطاب به روسای سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرد که در آن ۱۴ حکم اجرایی برای افزایش جمعیت ردیف شده است. حکم ولی فقیه «در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سالهای گذشته» است و مهمترین راهبرد آن خانه نشین کردن زنان و حذف آنها از بازار کار همراه با وعده های پوچ است که در اقتصاد بحرانی و غیر فعال ایران تضمین جدی ندارد.

در ابلاغیه خامنه ای «رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوجهای جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه های زندگی» همراه با «تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزشهای عمومی در باره اصالت کانون خانواده و فرزند پروری» جای مهمی دارد. خامنه ای از «تأمین هزینه های زندگی» برای جوانان دم می زند و به روی خود نمی آورد که با این اقتصاد به شدت بحرانی چگونه می خواهد زندگی میلیونها انسان در مانده، بدون کار و فاقد چشم انداز را تأمین کند.

خبرگزاری حکومتی مهر در تاریخ ۲۹ اردیبهشت، داده های آماری وزارت کار از بیکاری جوانان را درج کرده است. بر اساس گزارش وزارت کار، «تأمین هزینه های زندگی و معیشت در ایران نسبت به بسیاری از کشورها دشوارتر شده و ایران جزو ۶ کشور اول دارای نرخ بالای بیکاری است.»

بر طبق آخرین داده های آماری وزارت کار، «نرخ بیکاری جوانان نسبت به متوسط کشوری ۲ برابر است». (همین منبع) در حالی که تک نرخی کردن نرخ بیکاری از وعده های پایوران رژیم است، گزارش وزارت کار چشم اندازی برای تک نرخی کردن رقم بیکاری ارائه نمی دهد. بر طبق این گزارش رتبه ایران از نظر نرخ بیکاری در منطقه ۲۱ است.

موضوع دیگر که وزارت کار به آن اشاره دارد رابطه «تکفُل» با کاهش سطح رفاه است. سیاست افزایش جمعیت بدون رشد تولید و کار، تعداد جمعیت مصرف کننده را افزایش داده و در نتیجه فقر و تنگدستی را بیشتر می کند.

بر اساس گزارش مهر، وضعیت «بار تکفُل» یعنی نسبت جمعیت افراد غیر شاغل به افراد شاغل مناسب نیست. به عنوان مثال «با وجود این که هر خانوار به صورت متوسط ۳.۵۵ نفر جمعیت داشته اما تنها ۱.۱ نفر از آن شاغل بودند». (وبگاه مهر ۲۹ اردیبهشت)

بنا به داده های آماری و نظر کارشناسان، وضعیت نیروی کار و بهره وری نیروی کار در ایران بحرانی است. دستمزد نیروی کار بخش بسیار ناچیزی از هزینه تولید در ایران را در بر می گیرد. از سویی دیگر سهم بهره وری در ایران کمتر از ۱۰ درصد است.

رئیس انجمن بهره وری، اعلام کرد که اقتصاد ایران بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بر اثر عدم بهره وری نیروی کار ضرر می بیند. (خبرآنلاین) وی میزان بهره وری نیروی کار در تولید ناخالص داخلی را ۵ تا ۶ درصد دانسته که باید به ۳۳ درصد افزایش یابد.

آمار جمعیت غیر فعال ایران افشاگر سیاست ضد انسانی و به خصوص ضد نسل جوان است. خبرگزاری حکومتی مهر در روز ۱۹ اردیبهشت امسال گزارش کرد که: «۶.۵ میلیون نفر از جمعیت کشور در فاصله سالهای ۸۴ تا ۹۲ بر تعداد افراد غیرفعال کشور افزوده شد و در حال حاضر ۳۹.۵ میلیون نفر از جمعیت کشور نه شاغلند و نه بیکار و با اینکه در سن کار قرار دارند اما در توسعه کشور نقشی ندارند و صرفا مصرف کننده هستند.» به بیان دیگر از جمعیت حدود ۷۴ میلیونی ایران

فقط ۲۴ میلیون فعال هستند. می توان تصور کرد که اگر احکام خامنه ای و «تمدن نوین اسلامی» او تحقق پذیرد چه فاجعه در انتظار مردم ایران خواهد بود. جامعه ای با گسترده ترین و عمیق ترین ابعاد فقر و بیکاری.

گسترش فقر و شعارهای توخالی سران حکومت

گذری بر رویدادها، طرحها و شعارهای داده شده از طرف پایوران رژیم در باره فقر زدایی، ایجاد اشتغال و کار که این روزها صفحات روزنامه ها و پایگاههای اینترنتی را آذین کرده، می توان به میزان فقر، آسیبهای ناشی از آن و وضعیت نابسامان کار و تولید پی برد. موضوع شورش گرسنگان علیه وضعیت موجود را می توان در شعارهای سران حکومت دید. هرچند که این شعارها و وعده ها در «قایق» شکسته شده حکومت و با سرنشینان فاسد آن امکان اجرایی شدن ندارد.

علی ربیعی روز شنبه ۱۲ اردیبهشت، وعده داد «برای هر خانواده ایرانی یک شغل ساماندهی» کند. لابد وعده علی ربیعی زنان خانواده را در بر نمی گیرد، زیرا بر اساس قوانین تبعیض آمیز رژیم، ساماندهی کار برای مرد خانواده خواهد بود. ربیعی همچنین وعده اجرای یک سری طرحهایی را داد که توسط وزارت اش کلید خورده است. طرح مسکن احمدی نژاد هنوز به جایی نرسیده که ربیعی وعده ایجاد خانه و مسکن برای کارگران و مستمری بگیران می دهد. در همین روز معاون وزیر تعاون، از اختصاص ۲۴۰۰ میلیارد تومان یارانه برای امنیت غذایی در قالب ۵ نوبت سبد کالا بین کسانی که زیر پوشش بهزیستی هستند خبر داد.

یکی از مجلس نشینان، و از اعضای کمیته های تحقیق و تفحص مجلس در رابطه با فساد دوران احمدی نژاد و بخور بخورهای کلان در تامین اجتماعی می گوید «فساد آنقدر بزرگ است که می ترسیم باعث شوک جامعه شود.» به همین دلیل وی برای جلوگیری از «ایجاد ضربه های اجتماعی به جامعه» با «اکراه» در مورد علنی شدن فسادهای مالی صحبت می کند.

روحانی در مصاحبه تلویزیونی خود از همقطاران اش که در زیر یک «سقف» و در یک «قایقی» به طور مشترک هستند، خواست که «اخلاق جامعه صدمه نبیند» و هرگز نخواست که کارگران زندانی آزاد شوند. وی اخلاق جامعه را تا جایی می بیند که به منافع و جایگاه خودش در نظام صدمه وارد نشود. اقدام او و دولت اش در روز کارگر، یک دشمنی آشکار با نیروی کار است. احمدی نژاد هم همین کار را انجام می داد. روحانی در سخنرانی خود گفت: «دولتها نباید در تشکلهای دخالت کنند» و «زمینه های تشکلهای مدنی، مردمی و انجمنهای خاص در میان کارگران آزاد و بدون مشکل باشد». در همین روز، فعالان کارگری برای برگزاری جشن روز جهانی کارگران مورد یورش قرار گرفته و دستگیر شدند. اگر منظور روحانی تشکلهای دولت ساخته «خانه کارگر» و «شوراهای اسلامی کار» و یا هر نهادی که به اسم تشکل کارگری بند نافش به حکومتیها و اطرافیان آن بند است باشد، هیچ مشکلی از کارگران را حل نخواهد کرد. اولین گام برای راست آزمایی شعارهای توخالی حسن روحانی در مورد تشکل کارگری، آزاد کردن همه فعالان کارگری از زندان است. وعده ها، شعارها و جدال حکومتی که بحران در قدرت را نمایان می کند، واکنشی در برابر کنشگران اجتماعی و به سطح آمدن نارضایتی مردم در ابعادی وسیع است.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

جهان در آینه مرور، ویژه روز جهانی کارگر

لیلا جدیدی

جنبش جهانی کارگری، از انترناسیونال دوم تا کنون

۱۲۵ سال از ۱۴ ژوئیه ۱۸۸۹ و تاسیس انترناسیونال دوم در پاریس می گذرد. در این کنگره، احزاب کارگری کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا حضور داشتند. در همین هنگام، روز اول ماه مه به عنوان تنها روز جهانی همبستگی کارگری در جهان اعلام شد. این روز در واقع ریشه در اعتراضات کارگری در آمریکا دارد. در سال ۱۸۸۶ کارگران معترض در شیکاگو به خاطر خواست ۸ ساعت کار در روز، توسط پلیس به خاک و خون کشیده شده بودند.

فریدریش انگلس به مدت شش سال فعالیت این سازمان را با الهام از آموزشهای مارکس رهبری کرد. در این مدت انترناسیونال دوم در پیشبرد اندیشه های سوسیالیسم و تحکیم احزاب کارگری آنچنان کمک کرد که آنها به تدریج به نیروی سیاسی مهمی در بیشتر کشورهای اروپایی تبدیل شدند. اما با درگذشت این فیلسوف و مبارز بزرگ، رهبری انترناسیونال دوم به دست رفرمیستها افتاد و اندیشه و روشهای بورژوازی به درون جنبش کارگری راه یافت. اگر چه بسیاری نیز همواره به آموزشهای مارکسیسم وفادار ماندند و با تمام توان علیه روشهای رفرمیستی رهبران این سازمان مبارزه کردند، اما اکثر رهبران انترناسیونال دوم پس از شروع جنگ جهانی دوم در ۱۹۱۴ به مواضع ناسیونالیستی بورژوازی کشورهای خود در غلتیدند و اصل همبستگی کارگران همه کشورها را زیر پا گذاشتند. از این نقطه بود که در درون انترناسیونال دوم جناحهای راست (سوسیال شونیستها)، جناح میانه و انترناسیونالیستها یا جناح چپ ایجاد شد.

شعارهای اپورتونیستها پیش به سوی رفرم و "به سوی به تکامل رساندن سرمایه داری" بود. این ادعاها در نیمه دوم قرن بیستم به اوج رسید تا آنجا که حتی ادعا می شد حقوق کارگران به دست هیچکس مگر سرمایه داری تامین نمی شود. اما آنچه که تاریخ شاهد آن بود عکس این ادعا را به ثبوت رساند. در کشورهای اروپایی سیاستهای خانمان سوز اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول نتایج اسفباری را به دنبال داشت. طبقه حاکمه از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ بهره برداری کرده و هر آنچه طبقه کارگر طی سالها با تلاشها و مبارزات خود به دست آورده بود را باز پس گرفته است. اکنون میلیونها تن دچار فقر و بیکاری شده اند و به موازات آن از حقوق و آزادیهای خود محروم گشته اند. طبق آمار رسمی، ۱۲۰ میلیون اروپایی در فقر و یا مرز خط فقر قرار دارند و ۲۶ میلیون تن بیکار هستند.

۳۰ سال پیش "مارگارت تاچر" اعلام کرد که چیزی به نام جامعه وجود ندارد. وی گفت: "هر کس مشکل مسکن دارد فکر می کند که دولت باید به او خانه بدهد. آنها مشکل خود را روی دوش جامعه می اندازند. اما این "جامعه" واقعا کیست؟ یک چنین چیزی تحت عنوان "جامعه" وجود خارجی ندارد. آنچه که وجود دارد، تک تک افراد، زن یا مرد و خانواده ها هستند و هیچ حکومتی نمی تواند کاری بکند مگر از طریق همین مردم و مردم نیز در درجه اول برای حل مشکلات باید به خود متکی باشند".

سیاستهای تاچر به سراسر کشورهای اروپایی دیکته شد و تا حد خودکشی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش رفت. بهترین نمونه آن کشور یونان است. بیکاری در این کشور بیداد می کند، به ویژه در میان جوانان که به رقم ۶۰ درصد می رسد. این در حالیست که کارورزان این کشور طی سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳، ۴۰ درصد از حقوق شان کاسته شده است. شمار افرادی که فاقد بیمه های اجتماعی هستند، هر روز بیشتر می شود و نتایج آن فجایع بی شمار انسانی است. در این میان زنان تیره روزترین قربانیان شرایط موجود هستند.

بی جهت نیست که خانم مرکل در سفر اخیرش به این کشور با پنج هزار پلیس ضد شورش محافظت شد. از یونان به مثابه آزمایشگاهی برای سراسر اروپا استفاده شد و پس از آن نوبت به اسپانیا رسید. در بیش از نیم قرن گذشته، طبقه کارگر چنین سقوطی در میزان دستمزد و سطح زندگی خود را شاهد نبوده است. میلیونها تن در فقر کامل زندگی می کنند. بنیاد بشر دوستانه "اکسفم" پیش بینی می کند که این میزان ۴۰ درصد کل جامعه بشری را در بر خواهد گرفت. در پرتغال و ایتالیا فاصله طبقاتی ۵ برابر شده است. در فرانسه، دولت "فرانسوا اولاند"، "مانوئل والس" را به عنوان نخست

وزیر انتخاب کرد که نشان از چرخش به سمت سیاستهای راست دارد. البته این تنها فرانسه نیست که از چنین جهتگیری متأثر می شود، بلکه تمام اروپا با حذف نزدیک به ۵۰ میلیارد یورو خدمات و امکانات دولتی در بودجه روبرو خواهد بود که رنج و بار آن به دوش طبقه کارگر گذاشته خواهد شد. در بریتانیا سالانه از دستمزدهای رسمی ۱۶۰۰ پوند کم شده است که بیشترین سقوط دستمزد در اروپا است. برای اولین بار، اکثر خانواده های شاغل، از خانواده های غیرشاغل فقیر تر شده اند.

از سوی دیگر، میلیونها تن از مردم کشورهای اروپای شرقی که ۱۰ سال پیش وارد اتحادیه اروپا شدند، مانند لهستان و مجارستان برای پیدا کردن کار مهاجرت کرده اند. در بلغارستان، رومانی و اوکراین حداقل درآمد ماهیانه به ۹۱ یورو کاهش یافته است.

یکی از مشخصه های بارز بحران سرمایه داری، وضعیت بسیار ناهنجار میلیونها جوان در سراسر جهان است؛ نسلی که برای خود آینده روشنی در چشم انداز نمی بیند. بی مناسبت نیست که جوانان در روز اول ماه مه نقش موثری در اعتراضات و حتی سازماندهی آنها ایفا می کنند.

وضعیت ناهنجار جوانان مربوط به همه کشورها از آمریکا، اروپا، امریکای لاتین تا آسیا و خاورمیانه است. آنها با بیکاری، فقر، بدهکاری و عدم آزادی و حقوق دمکراتیک خود روبرو هستند. بنا بر آمارهای جهانی، از هر ۴ جوان در جهان، یک تن نه شاغل است و نه در حال تحصیل.

نکته جالب توجه این است که جوانان در کشورهای غربی با موقعیت متفاوتی روبرو هستند. آنها درمی یابند که وضعیت اقتصادی و شغلی شان بدتر از نسل پیشین و پدران و مادران خود است. اگر چه سیستم سرمایه داری آینده روشنی را پیش روی آنان نگذاشته است، اما در واقع این آینده را می توان ساخت. جوانان باید بیاموزند و باور کنند که راه دیگری نیز هست و آنها در مبارزه در راه سوسیالیسم جستجو کنند. از همین رو کارگران و جوانان منافعی همگون دارند و در این مبارزه باید در کنار هم باشند. اساسی ترین و حیاتی ترین موضوع برای کارگران و زحمتکشان آگاهی سیاسی و ساختن جنبشی غیر وابسته و رادیکال و در عین حال در همبستگی جهانی با دیگر کارگران و زحمتکشان است. هرگز نباید از مبارزه برای برنامه های سوسیالیستی در کشور خود و یا در جهان کوتاه آمد.

برای کارگران و زحمتکشان و جوانان در ایران نیز کادر سازی دائمی، متمرکز و پایدار برای پیشبرد مبارزه جهت برنامه های سوسیالیستی و رهایی از بردگی اقتصادی امری مهم است. هدف، افق و چشم انداز باید همین مسیر باشد و در این راه از هر تحولی تنها برای پیشبرد این اهداف بهره داری شود.

روز جهانی کارگر امسال چگونه گذشت؟

از همان ابتدای تعیین اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر تاکنون، برگزاری آن با افت خیزهای متعدد و بزرگی روبرو بوده است. با این همه، این روز همواره در سراسر جهان گرمی داشته شده است. همزمان در برخی از کشورها، تظاهرات کارگری با یورش نیروی قهر دولتی به صحنه خشونت بار و خونینی تبدیل می شود.

امسال، میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان و حامیان آنان در سراسر کره زمین در روز اول ماه مه برای ابراز همبستگی جهانی به خیابانها آمدند.

روزنامه "مورنینگ استار" در این باره می نویسد: "در هر کشور تمرکز روی مطالبات و موضوعات مختلفی بود، اما موضوع حقوق و آزادی کارگران مخرج مشترک تمامی آنان است".

اما "ژولی هایلند (Julie Hyland)"، یک تحلیل گر چپ، اکثر تظاهراتی که در این روز برگزار می شود را نمایشی توصیف می کند و معتقد است بسیاری از تظاهرات از جانب احزاب کارگری زرد و یا احزاب سوسیال دمکرات به یاری اتحادیه ها صورت می گیرد. وی می گوید: "آنها تظاهراتی فرمایشی و نمایشی را ترتیب می دهند تا نقش خودشان را برجسته کنند. از سال ۲۰۱۰ تا کنون ۳۶ اعتصاب عمومی در یونان صورت گرفته. در اسپانیا، تنها در سال ۲۰۱۲، ۱۳۰۰

بار اعتصاب شده ولی حتی یکی از آنها خواستار تغییر دولتی که علیه اش به اعتراض برخاسته اند، نشده است. "فدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا" یک انگشت هم به نشانه همبستگی با کارگران یونانی تکان نداده است".
 هایلند می افزاید: سوسیال دمکراتها و اتحادیه های زرد از سوی چپ نماها حمایت می شوند. سازمانهایی مانند "سیریزا" در یونان خودشان را چپ نشان می دهند، اما جز غرولند کاری نمی کنند که بورژوازی را به زحمت بیندازد و یا زندگی مرفه آنان را زیر سوال ببرد. از همین رو راستهای افراطی از این فرصت در انتخابات استفاده می کنند".
 حال که صحبت از تظاهرات نمایشی رفت، به برجسته ترین نمونه آن که در ایران و تحت حاکمیت ولی فقیه و دولت روحانی در این روز صورت گرفت، اشاره کنیم.

*ایران: رژیم جمهوری اسلامی از روزها پیش تدارک برخوردهای خشونت آمیز علیه کارگران را چیده بود. دولت روحانی در یک حرکت ریاکارانه تجمعی نمایشی در یک سالن ورزشی را ترتیب داد تا از اعتراضها و تجمعات مستقل کارگری جلوگیری کند. در عین حال، نیروهای سرکوبگر خود را نیز در هر گوشه و کنار کشور بسیج کرده بود. با این حال این رفتار خود به شاهد گویای دیگری از وضعیت اسفبار کارگران و زحمتکشان ایرانی که هم از زندگی راحت محروم هستند و هم از آزادی بیان، تبدیل شد و آن را بیشتر به چشم آورد.

*ترکیه: دولت

اردوغان چهل هزار نیروی پلیس را اجیر کرده بود تا از تجمع در "میدان تقسیم" جلوگیری کنند. اما باوجود ممنوعیت و این بسیج، اتحادیه ها و احزاب مخالف برای برگزاری تجمع در این میدان گرد هم آمدند و خیابانهای استانبول به صحنه جنگ نابرابر خیابانی تبدیل شد.



پس از خیزشهای تابستان گذشته، روز کارگر امسال زمین نبرد و مبارزه بین نیروهای دولتی در یکسو و پیشگامان کارگران و زحمتکشان و نیروهای چپ در سوی دیگر میدان تقسیم در استانبول بود. حکومت، تجمع در میدان تقسیم را ممنوع کرده بود اما معترضان زیر بار ممنوعیت نرفتند. این میدان سالهاست که محل تجمع کارگران و نیروهای چپ و سوسیالیستهاست. پیشتر در سال ۱۹۸۰، در دوران دیکتاتوری نظامی، میدان تقسیم به روی معترضان چپ بسته بود، درحالی که رویدادها و جشنهای دولتی و نیز جشنهای ورزشی در آنجا برگزار می شد.

*یونان: کارگران فولاد با کلاخود و جلیقه های رنگی در کنار فعالان کرد راهپیمایی کردند. آنها به طور متحد به نزدیک به ۲۰ هزار معترض دیگر به سیاستهای ریاضت اقتصادی پیوستند. راهپیمایان می گفتند دولت وعده های دروغ می دهد و چیزی جز آینده سیاه تر در انتظار ما نیست.

*بنگلادش: در داکا، پایتخت بنگلادش نیز انبوه شرکت کنندگان در مراسم اول ماه مه ضمن گرامیداشت یاد هزار کارگر کشته شده در حادثه فروریختن یک کارگاه پارچه بافی، از دولت خواستند به قربانیان این حادثه غرامت پرداخته شده و عدالت را اجرا کند.

*لبنان: در بیروت هزاران تن که شامل اعضای اتحادیه ها و احزاب و کارگران می شدند، در تظاهرات روز اول ماه مه خواستار بهبود شرایط کار و دستمزد و حمایت از بخشهای اقتصادی به ویژه بخش کشاورزی شدند. "خالد حداده"، دبیرکل حزب کمونیست لبنان، خواستار اجرای خواسته های هیات هماهنگی سندیکاها شد. این هیات خواستار تصویب نظام جدید حقوق کارکنان بخش دولتی و بخشهای خصوصی است.



*روسیه: بنا به سنت دوران اتحاد جماهیر شوروی، راهپیماییهایی توسط اتحادیه ها سازماندهی شده بود که کارگران را مورد احترام و ستایش قرار می داد. صد هزار تن در میدان سرخ برای اولین بار از سال ۱۹۹۱ تجمع کردند. با این حال، مراسم روز جهانی کارگر در روسیه بیشتر رنگ و بوی میهن پرستی روسی داشت.

یک خبرنگار در روسیه گفت: "برای اولین بار از سال ۱۹۹۱، تظاهرات کنندگان

توانستند با عبور از کنار دیوار کاخ کرملین، خود را به "میدان سرخ" برسانند. بدون تردید بسیاری از تظاهرات کنندگان دغدغه حقوق بالاتر و شرایط کاری بهتری را داشتند، اما این تنها بعد قضیه نبود، زیرا در راهپیمایی امروز نوشته های را می دیدم که بر روی آن از الحاق کریمه به روسیه استقبال شده بود. شعارهایی زیادی نیز در حمایت از ولادیمیر پوتین سر داده می شد. افرادی زیادی هم علیه مسوولان کی یف و تهدیدهای آنان علیه روس زبانهای شرق اوکراین شعار سر می دادند."

این خبرنگار افزود: "تجمع امروز به شدت سیاسی بود. بسیاری از طرفداران حزب حاکم یعنی "روسیه متحد" نیز در راهپیمایی شرکت داشتند. همچنین، مدافعان حقوق همجنس گرایان در این روز در سنت پترزبورگ با بنرهای "عشق قوی تر از جنگ است"، تجمع کردند.



*آمریکا: هزاران تن در شهرهای مختلف در سراسر آمریکا، روز اول ماه مه در گرامیداشت روز همبستگی بین المللی کارگران به خیابانها آمدند.

در "سیاتل" که روحیه مبارزاتی و تجربه سازماندهی اعتراضات بیشتر از دیگر نقاط آمریکا وجود دارد، برخی از تظاهرکنندگان به نشانه حمایت از حقوق مهاجران، لباسهای سرخپوستی پوشیده بودند. همچنین افزایش حداقل دستمزد کارگران از مطالبات آنان بود. آنها

دستمزدهای کنونی بسیاری از کارگران را در حد "فقر" می دانستند. یکی از معترضان به زبان اسپانیایی شعار ویژه جنبش اشغال وال ستریت را فریاد می زد: "مردم متحد شکست ناپذیرند". در این تظاهرات فعالان اشغال وال ستریت شرکت کرده بودند.

در نیویورک تظاهرکنندگان پیراهن - نوشته هایی حاوی اعتراض به دستگاه قضایی آمریکا، آرای اشتباهی و حکم اعدام و زندانها طولانی مدت پوشیده بودند.

تظاهرکنندگان در نیویورک با شعار " عدالت"، "ما یک تن یا صد تن نیستیم، بلکه میلیونها تنیم"، "بله، ما می توانیم"، "حقوق مساوی برای همه کارگران" و "به یورشها و اخراج کارگران مهاجر پایان دهید" به خیابان آمده بودند. در لس آنجلس میان نیروهای پلیس با معترضین ضدسرمایه داری درگیریهای شدیدی رخ داد. فعالان در آمریکا همچنین روز طبیعت را با روز کارگر پیوند دادند و طی ۱۰ روز این دو موضوع را مطرح و آموزش دادند.

*انگلستان: در لندن هزاران تن از فعالان در تظاهراتی شرکت کردند و ضمن اعتراض به سیاستهای نو - لیبرالیستی دولت این کشور و بیان خواسته های خود، یاد و نام "باب کرا" رهبر اتحادیه راه آهن و "تونی بن" از جناح چپ حزب کار را که هر دو در ماه مارس جاری فوت کردند، گرامی داشتند.



*اوکراین: در اودسا تظاهرات اول ماه مه به تظاهرات علیه دولت تبدیل شد. پلیس و نیروهای ضد شورش با تظاهر کنندگان درگیر شدند و تلاش کردند مانع طرح و نمایش شعارهای آنها در دفاع و پافشاری بر حقوق مزدبگیران شوند.

*کامبوج: در "پنوم پنه"، پایتخت این کشور، کارگران نزدیک به هزار کارخانه و هواداران اپوزیسیون "حزب نجات ملی کامبوج" در "پارک

آزادی" که در خارج شهر قرار دارد، تجمع کردند. این پارک با سیم خاردار و صدها پلیس بسته شده بود. معترضان گرد آمده در پارک آزادی با یورش ماموران باتوم به دست حکومت و نیروهای امنیتی روبرو شدند.



*مراکش: در این روز موافقت دولت با ۱۰ درصد افزایش حقوق اعلام شد. این اقدام در پی یکسال جدال بین اتحادیه های کارگری و دولت صورت گرفت. در ۶ آوریل امسال (۱۷ فروردین) هزاران تن در پایتخت این کشور در اعتراض به سیاستهای ریاضت اقتصادی دولت به خیابانها آمده بودند.

*کره جنوبی: هزاران تن در این روز در تظاهرات شرکت کردند. کارگران در

تظاهرات خود لباس ویژه مراسم سوگواری بر تن کرده بودند.



*مالزی: کوالالامپور، پایتخت مالزی بزرگترین تظاهرات را از سال ۱۹۴۷، زمانی که مقامهای بریتانیایی به طرز وحشتناکی جنبشهای کارگری را سرکوب کردند، شاهد بود.

هزاران تن در تظاهرات روز جهانی کارگر به طرح جدید مالیات بر داراییها و خدمات اعتراض کردند. پلیس اجازه تظاهرات علیه بالا رفتن قیمتها را داده بود. اپوزیسیون که نخست مخالف بود، با این امر موافقت کرده بود.

"ارول"، دبیر کل "حزب سوسیالیست

مالزی" که سخنگوی کمیته برگزارکنندگان تظاهرات بود می گوید: "تظاهرات اول ماه مه را ما بر پایه مخالفت با مالیاتهای جدید گذاشتیم. ما تدارک مراسم این روز را بر پایه این مطالبه مشخص از سال گذشته آغاز کردیم. پیشتر تظاهرات روز کارگر زیر فشار نیروهای سرکوبگر پلیس بسیار کوچک و در پشت درهای بسته برگزاری می شد. حتی همین مراسم محدود نیز در سال ۱۹۸۷، پس از آنکه حکومت دست به بازداشت و دستگیری و زندانی بدون محاکمه فعالان کارگری و سیاسی زد، متوقف شد. اما ما طی ۲۰ سال گذشته به تلاش خود ادامه دادیم تا آنجا که حتی یک اتحادیه کارگری جرات پیوستن به ما را کرد".

*اندونزی: دو میلیون کارگر خواهان شرایط کاری بهتر شدند.

*هنگ کنگ: اتحادیه های کارگری برای خواست ساعت کار انسانی تر راهپیمایی کردند.

*فیلیپین: هزاران تن در اعتراض به مزد پایین به خیابانها آمدند.



*کوبا: در هاوانا، ۶۰۰ هزار تن در تظاهراتی با عنوان "نمایش حمایت از انقلاب و رهبران تاریخی ما" روز اول ماه مه را گرامی



داشتند. میلیونها تن دیگر در سراسر این جزیره راهپیمایی کردند. "گیلارته" (Guilarte)، دبیرکل "فدراسیون کارگران کوبایی"، از انقلاب ونزوئلا در برابر راستها که این انقلاب را تهدید می کنند، حمایت کرد.

*ونزوئلا: "نیکلاس مادورو"، رئیس جمهور ونزوئلا، در این روز افزایش خدمات اجتماعی را اعلام کرد. این شامل افزودن به پس اندازهای بازنشستگی نیز می شود. اینترنت مجانی در پارکها و نقاط دور افتاده نیز از دیگر قولهای وی بود. مادورو به کارگران برای راهپیمایی علیه کاپیتالیسم تبریک گفت.



اکنون در سراسر جهان ما نه تنها در روز اول ماه مه، بلکه هر روزه شاهد ناآرامیها و خیزشهای مردمی علیه دولتهای ارتجاعی، سیاستهای نو - لیبرالیستی، ریاضت اقتصادی و میلیتاریسم امپریالیستی هستیم. مبارزه کارگران و زحمتکشان با سازماندهی انقلابی علیه آنها و اتحاد و همبستگی جهانی برای پیمودن راه رسیدن به سوسیالیسم ممکن است. ضروری است که طبقه کارگر جهت ایجاد راه حلهای انقلابی تلاش کند.

شکاف در راس قدرت، شکست مذاکرات اتمی

جعفر پویه

هر چقدر مذاکرات اتمی در رسیدن به یک توافق نزدیک تر می شود، درگیری باندهای قدرت رژیم ولایت فقیه شدت گرفته و بیشتر خودنمایی می کند. کشاکش باندهای قدرت به دو دلیل عمده رخ نموده است؛ اول اینکه صورت حساب بدمستی سالها عربده کشی و کاغذ پاره دانستن تحریمها دارد به روی میز گذاشته می شود. آنکس که مجبور به پرداخت این صوت حساب است، نمی تواند ترسش را پنهان کند و به همین دلیل پیشاپیش بنا را بر داد و قال گذاشته است.

دوم آنکه که منافع پس از توافق به جیب چه کسی سرازیر شود و یا سهم هرکس چه اندازه باشد، موضوعی است که بر سر آن جنجال برپاست. ترس و وحشت بعضیها از روزهای بعد از توافق و موقعیت لرزانی که در هرم قدرت خواهند یافت و یا شکستن کاسه کوزههای بدقلقیهای نظام بر سر آنان، باعث شده تا دست به کار شوند و واقعه را قبل از وقوع چاره کنند.

اما در این میانه آنچه بیش از همه رخ می نماید و خود را به چشم می کشد، منافع چرب و پر و پیمان تحریم است که پس از توافق از میان می رود. صاحبان و سودبران این رانتهای بی حساب و کتاب حکومتی نعره های خود را بلند کرده اند و چماقهای تکفیر را بر سر دست می چرخاند که: "برخی دولتها ممکن است بعضی از ارزشها و اعتقادات را با نگاه خود در تعارض دیده و صرفا هدفهای سیاسی را دنبال کنند که در این باره نیز ممکن است سپاه تذکراتی را ارایه و نقش آفرینی خود را بر اساس ماموریتش به منظور حفظ ارزشها و فرهنگ داشته باشد."

این حرفهای فرمانده سپاه پاسداران، محمد علی جعفری در یک نشست خبری است. او در پاسخ به پرسشی که انتقاد شما از دولت به چه دلیل است می گوید: "گله ما از دولت این بود که با توجه به تاکیدات مقام معظم رهبری به نگاه به درون و ظرفیتهای داخلی برای مقابله با جنگ اقتصادی دشمنان می توان از ظرفیت و توان عظیم سپاه و بسیج استفاده کرد ... دولت تا کنون درخواستی از ما نکرده و امیدواریم در آینده از این توان عظیم سپاه و بسیج استفاده شود."

رییس کارتل نظامی - اقتصادی سپاه که نگران منافع بی حد و حساب زیر مجموعه خود است، شمشیر را از رو بسته و به خوبی مشخص است که به چیزی کمتر از آنچه سالها رستم قاسمی، فرمانده قرارگاه خاتم الانبیا در مقام وزارت نفت برای آنها فراهم کرده بود، راضی نیست. بجز آن، غنایم دیگر سپاه شامل کارخانه ها و موسسات مالی و تجاری، اسکله ها و پایانه های تجاری، واردات بدون بازرسی و گمرک مخصوص، مخابرات و ... نیز می شود، یعنی هزاردستانی که پنجه های آهنین خود را بر گلوگاههای حیاتی کشور می فشارد. حال پرسش اینجاست که علی خامنه ای، رهبر و ولی فقیه رژیم زیر مجموعه این کارتل نظامی - اقتصادی است یا این هزاردستان قدرتمند که به گفته فرمانده آن "پاسدار انقلاب اسلامی در داخل و خارج کشور است و به داخل ایران محدود نمی شود" ولی فقیه را راس هرم قدرت می داند که بر بدنه ی قدرتمند آن استوار است.

با این حساب دولت حسن روحانی گرچه از یک سو "نرمش قهرمانانه" رهبر را سرلوحه عمل خود می داند، از سوی دیگر با بیرقی بر افراشته روبرو است که خامنه ای در آخرین گفته خود توصیه می کند "راهی دیگر برای حل موضوع تحریم پیدا کنند".

به زبان دیگر، دست کشیدن از منافع بی حد و حساب دور زدن تحریم آنقدر سخت است که او به هزار زبان، منتقد بودن و باور نداشتن خود به مذاکره را تکرار می کند.

نگران از پاسخگویی

دولتی که به ظاهر برآمده از توافق باندهای قدرت برای حل و فصل مشکل به ظاهر لاینحل رژیم در کلاف بحرانهای رنگ و وارنگ است، اکنون به صخره "دلواپسان"ی برخورد کرده که نگرانند اگر توافقی حاصل شود، پیامد آن برای طرفهای این ماجرا چه و چگونه خواهد بود.

از یکسو دلواپسانی که نیم نگاهی نیز به بیت رهبر دارند، به واقع دلواپس هستند که گریبان شان گرفته شود و مجبور شوند پاسخ دهند که حالا این قطعنامه دان چه کسی است که پاره شده است؟ هزینه آن "کاغذ پاره" ها آنچنان است که

کابوس ولی فقیه اندکی کاهش نمی یابد و رژیم را در گردابی انداخته که هرچه شدید تر دست و پا می زند، بیشتر فرو می رود.

به این دلیل است که دلوپسپهایی که نگران پاسخگویی هستند (هر چند این اتفاقی نادر در سطح گردانندگان و مسوولان جمهوری اسلامی است) و یا از حذف از قدرت برای همیشه و همراه با سرشکستگی را در پیش رو می بینند، دست به کار می شوند شاید راه نجاتی پیدا شود. اینجاست که علی خامنه ای که خود را یکی از سوژه های چنین اتفاقی می داند، در پس اندک خاکریز دلوپسپه سنگر می گیرد و کلماتی به زبان می آورد که معلوم نیست آیا از سر هشیاری بیان شده یا زبان بازی می کند تا در بازی سیاسی اندکی در مورد نرخ معامله به چانه زنی بپردازد. اکنون که آلم و کُتل و حجابا به میدان می آید و چهره های آشنای قدیمی زنگار بسته از پستو به روی صحنه کشیده می شوند، گمانها اندکی راه به جایی می برد که نکند در زیر این نیم کاسه، خبری باشد؟ که پر بیراه هم نیست.

در چنین هنگامه و غوغایی است که حسن روحانی رودر بایستی را کنار نهاده و بی پرده می گوید: "کسانی در پس شعار مبارزه با ابرقدرتها جیب مردم ایران را می زنند و اموال شان را غارت می کنند." این درحالی است که پیش از این روحانی معاون اولش را مامور کرده بود تا فهرست کسانی که از محل تحریمها سودهای افسانه ای کسب کرده و ۸۲ هزار میلیارد تومان پول بانکها را به نام وام بالا کشیده اند، تهیه و به قوه قضاییه تحویل دهد. اما نه تهدیدهای روحانی کار ساز است و نه بحران سازیهای رقیب و چوب لای چرخ دولت گذاشتن می تواند مشکلی از دردهای بی درمان رژیم را حل کند. چشم دو طرف این ماجرا به مذاکراتی است که باید تا ماه ژوئیه به نتیجه برسد و گر نه اوضاع رژیم و ولایت علی خامنه ای از آنچه هست بدتر خواهد شد. به همین دلیل تعدادی از فرماندهان سابق سپاه و سیاستمداران نظامی کار به روی صحنه می آیند تا بند بازیهای رهبر در بازی با کلمات را هویت بخشند و دهان عده ای را ببندند.

محسن رضایی و قالیباف با اندکی تفاوت در گفتار می گویند، مذاکرات جدید زیر نظر و هدایت شخص رهبر جمهوری اسلامی صورت می گیرد. این حرفها بارها توسط افراد مختلف و در زمانهای متفاوت بیان شده است. اما فرق بیان آن در زمان حال با گذشته در این است که علی خامنه ای با دو دوزه بازی و زیر و رو کشیدن نمی تواند شانه از زیر بار مسوولیت خالی کرده و وانمود نماید که نقشی در مذاکرات ندارد. به بیان دیگر، ولی فقیه رژیم مسوول شکست یا موفقیت این مذاکرات و نتایج آن است. پنهان شدن پشت خاکریز ناچیز دلوپسپه نمی تواند او را از عواقب این ماجرا خلاص کند و او نخواهد توانست با ایز گم کردن با به زبان آوردن "راهی دیگر برای حل موضوع تحریم پیدا کنید" این جام زهر را به لبان دیگری آشنا کند و برای سرکشیدن آن فردی انتحاری پیدا نماید. برای چنین کاری بسیار دیر شده است و از آن بدتر، عواقب آن گریبان خود او را خواهد گرفت.

باج نفتی

اما مذاکراتی که همه به آن چشم دوخته اند در چنین وضعیتی راه به جایی نخواهد برد. پس باید با سرعت سهم هرکس از این ماجرا مشخص شود. شاید به همین دلیل باشد که بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت دولت روحانی و معروف به شیخ الوزرا، در مراسم افتتاحیه نوزدهمین نمایشگاه نفت و گاز تهران که با حضور ۱۲۰۰ شرکت داخلی و ۶۰۰ شرکت خارجی برگزار شد، به تعریف و تمجید از اقتصاد مقاومتی پرداخت و ادعا کرد رژیم به یاری توان نیروها و شرکتهای داخلی اش چرخ صنایع نفت و گاز، یعنی شاهرگ اقتصاد ایران را به راه خواهد انداخت. ناگفته پیداست که شرکتهای دست اندر کار نفت و گاز همگی وابسته به سپاه و بسیج بوده و این آنها هستند که در این عرصه جولان می دهند و آنرا ملک طلق خود می دانند. این شرکتهای در دولت احمدی نژاد و وزارت رستم قاسمی، کلیه قراردادهای بزرگ را در زمینه های استخراج، انتقال و فروش نفت و گاز با دولت امضا کردند بی آنکه دیناری از جیب خود در این طرحها سرمایه گذاری کنند. اینان همان کسانی هستند که جعفری، فرمانده سپاه به آنان می نازد و آنها را مطیع رهبر برای اجرای دستور "اقتصاد مقاومتی با

مدیریت جهادی" معرفی می کند. بعید نیست که هدف زنگنه از بزرگنمایی این شرکتها، تطهیر آنان باشد که مدعی می شود "کشور در زمینه بهره برداری از منابع نفتی خودکفاست و تحریمهای بین المللی اثری بر این خودکفایی نگذاشته است". این باد کردن شرکتهای دزد و کلاهبردار وابسته به سپاه و بسیج که تا کنون بیشترین خسارت را به صنعت نفت و گاز کشور وارد کرده اند، با این گفته زنگنه تکمیل می شود که می گوید: "در صورت برچیده شدن تحریمهای بین المللی، شرکتهای خارجی نقشی جانبی در صنعت نفت و گاز ایران خواهند داشت."

این یعنی اینکه از این به بعد چیزی به نام مناقصه بین المللی در صنعت نفت و گاز ایران وجود ندارد و به زبان دیگر، دولت و وزارت نفت کاره ای نیستند و سپاه همچون تیولداری به رتق و فتق امور نفت و گاز کشور مشغول خواهد شد. در صورتی که شرکتهای خارجی بخواهند و یا علاقمند باشند که در صنعت نفت و گاز ایران فعالیت کنند، همچون پیمانکاران دست دوم زیر نظر و به ظاهر برای پیمانکار دست اول و در اصل مالک نفت و گاز ایران یعنی سپاه کار خواهند کرد. با این حساب اگر این گفته زنگنه واقعیت داشته و جدی باشد، به معنی این است که دولت در عمل از خود خلع ید کرده و ثروت ملی مردم ایران را دو دستی به سپاه واگذار نموده تا مزاحمتی در کشاکش بین المللی و داخلی برای او نداشته باشد. یعنی در واقع صد رحمت به احمدی نژاد که دستکم آش را با جاش یکجا به سپاه تقدیم نکرد!

باج دادن دولت روحانی به سپاه تا جایی است که وقتی خبرنگاران از زنگنه در مورد قرارداد پارس جنوبی و تاخیر قرارگاه خاتم الانبیا در اجرای پروژه های آن سووال می کنند می گوید: "ما روابط خوبی با قرارگاه خاتم الانبیا داریم و به همکاری با پیمانکارهایمان متعهد هستیم و تلاش می کنیم روند توسعه پروژه ها تسریع یابد."

این درحالی است که قرارگاه خاتم الانبیا متعهد شده است که طی سه سال سه مرحله از میدان گازی پارس جنوبی را به بهره برداری برساند و در ازای آن ۴۶ میلیارد دلار نیز دریافت کرده است. با این حال در پایان مهلت تعیین شده کوچکترین پیشرفتی در طرح صورت نگرفته و سرنوشت آن همچنان نامعلوم است. وزیر "دولت تدبیر و امید" نه تنها از پیمانکار خاطی بازخواست نمی کند و نمی پرسد بر سر ۴۶ میلیارد دلار پرداختی چه آمده، بلکه خود را متعهد به همکاری با آنان می داند. او با تعریف و تمجید از چنین دزدهایی تلاش دارد تا آنها را آرام کند که مزاحم تدبیر دولت نشوند. حال به کسانی که به چنین دولت و وزیرش امید بسته اند و انتظار بهبود شرایط دارند، چه باید گفت؟

در چنین وضعیتی آیا باز باید گفت کارتل نظامی - اقتصادی سپاه زیر نظر رهبر و بیت او قرار دارند یا برعکس شده و خامنه ای برای حفظ موقعیت لرزان خود به زیر سایه نظامیان چپاولگر سپاه خزیده است؟ هر کدام باشد، برای مردم ایران فرقی نخواهد کرد، زیرا چنین قدرتی است که دولت به ظاهر میانه رو را مقهور کرده و واداشته تا او را جایگزین کارچاق کن قبلی و پورسانت بگیر قهاری همچون خانواده رفسنجانی کند و نه فقط درآمد ناشی از لفت و لیس، بلکه همه دار و ندار را یکجا بالا بکشد. حالا می شود فهمید که وقتی رفسنجانی داد و فغانش بلند می شود و می گوید "سپاه نبض اقتصاد، سیاست خارجه و داخله را در دست گرفته و به کمتر از کل کشور راضی نیست"، موضوع از چه قرار است.

اکنون این دولتی که - چه واقعی و چه غیر واقعی - به نظر بسیاری بیشترین نزدیکی را به رفسنجانی دارد و او را پدر خوانده دولت روحانی می شناسند، کل نفت و گاز کشور را دو دستی تقدیم سپاه می کند. اینکه چنین فاجعه ای را چگونه می شود توضیح داد و یا تفسیر کرد، باید منتظر ماند تا واقعیت بیشتر روشن شود و امیدوار بود که حرف زنگنه قول و وعده ای باشد که در آن چون و چرا ی زیادی وجود داشته باشد.

چه این حرف عملی شود یا نشود، باید کار دولت به مشکلی بزرگی برخورد کرده باشد که شیخ الوزاریش چنین قولی می دهد. به زبان دیگر، سپاه پاسداران در همدستی با بیت رهبر و ولی فقیه آن سرنوشت کشوری را به گروگان گرفته اند و در ازای آن باجی به بزرگی کل ذخایر نفت و گاز آنرا می خواهند تا در راه توافقهایی اتمی برای حل بحران همه جانبه کشور سنگ اندازی نکنند و مزاحم نشوند. اینگونه گروگانگیری و کشاندن کشور به سرازیری سقوط و تهدید کردن آن تنها از

موجوداتی نظیر علی خامنه ای و دار و دسته او در سپاه و بسیج بر می آید. احمدی نژاد که هشت سال معادل کل درآمد صد ساله کشور از محل نفت را در جیبهای گشاد این رجاله ها غیب کرد، جنس مرغوب آنان بود. به نظر می رسد در صفوف این اوباش، موجوداتی خفته اند که رجاله هایی همچون گردان و قاضی مرتضوی و احمدی نژاد در برابرشان پیامبرزاده اند.

حال پرسشی که بعد از همه این ماجرا به ذهن می رسد این است که اگر به گفته محسن رضایی و قالیباف و ... مذاکرات اتمی زیر نظر رهبر انجام می شود، این سهم خواهی سپاه و گربه رقصاندن و گروگان گیری یک طرفه است یا اینکه در نهان زد و بندی با بیت رهبر و خود او وجود دارد؟ اینکه ممکن است خامنه ای دو سره بار کند، یعنی هم با چوپان گریه کند و هم با گرگ دُنبه بخورد، یک طرف؛ اما اگر به غیر از این باشد، یعنی فرماندهان سپاه در عمل راهی می روند که به پاکستان ضیاءالحق ختم می شود یا فکر دیگری دارند و ماجرای دیگری است؟

مانع توافق

هشت سال دفاع یکطرفه خامنه ای از دولت احمدی نژاد که بیشترین خدمت را به سپاه نمود و حسابهایش را از دلارهای نفتی انباشت و بسیاری از شرکتهای سود ده و در راس آنها مخابرات کشور را به سپاه واگذار کرد. باعث صدمات جبران ناپذیری بر اقتصاد کشور و بروز بحران شدیدی شد که همچنان ادامه دارد. بدیهی است که عملکرد دولت احمدی نژاد به حساب علی خامنه ای نوشته می شود. این اوست که مسبب همه خسارات و مشکلاتی است که کشور با آن روبروست. این اوست که اقتصاد کشور را به خاک سیاه نشانده و کمر اکثریت مردم ایران را در زیر بار فقر و نداری خم کرده است. حضور رفسنجانی در سایه دولت روحانی که پیه دولت احمدی نژاد به تن او هم مالیده شده است نیز باعث افزودن به این وحشت می شود که حال موقع حسابرسی است و آنکه نظرش به نظر احمدی نژاد نزدیک تر بوده، در نوبت نمد مالی قرار دارد. آیا همه این برآوردها باعث نمی شود که خامنه ای هرچه بیشتر به سپاه و نهادهای نظامی و امنیتی نزدیک شود تا با واگذاری سودهای کلان به آنان اندکی به عمر ولایت خود بیفزاید تا شاید که اتفاقی افتاده و معجزه ای صورت بگیرد و او را از گردابی که در آن گرفتار شده نجات دهد؟

اما واقعیت این است که بدون توافق با شش قدرت جهانی و در راس آنها آمریکا برای رفع تحریمهای فلج کننده ای که دامنگیر اقتصاد کشور شده، امکان هیچ گونه بهبودی در اوضاع نابسامان کنونی کشور وجود ندارد. این توافق نیز نیازمند یکدستی قدرت در داخل کشور یا هماهنگی باندهای آن با یکدیگر است. آنچه این روزها از داخل کشور به گوش می رسد نشان می دهد که توافق اولیه و یا سکوتی که تا کنون بین باندها حاکم بود، به پایان رسیده و از شکاف عمیق در قدرت رونمایی شده است. مانورهای گوناگون باندها در سالنها و خیابانهای کشور آغازگر علنی شدن این شکاف است. سر و صدایی که در مجلس بالا گرفته، برگزاری نشستهای پی در پی، شروع مانورهای خیابانی و بر افراشتن علم و کتلهای رنگارنگ گویای وضعیتی است که در درون رژیم وجود دارد.

به همین دلیل است که نشست روز جمعه ۲۶ اردیبهشت در وین بدون نتیجه پایان یافت و حتا خانم کاترین اشتون و ظریف کنفرانس مطبوعاتی نیز برگزار نکردند تا توضیح دهند که به چه دلیل این اتفاق افتاده است. اینجاست که می توان گفت کشاکش داخلی و زدوخوردهای آنها تاثیر خود را بر این مذاکرات گذاشت و به ترمزی برای آن تبدیل شد. قدرتهای جهانی می دانند که در صورتی که توافقی بین باندهای رژیم وجود نداشته باشد، هر قرار و مداری با دولت می تواند روز بعد توسط یکی از آنها کن لم یکن اعلام شده و بی خاصیت شود.

در انتها

واقعیت این است که رژیم ولایت فقیه و در راس آن علی خامنه ای خواهان توافق با قدرتهای جهانی نیست. رژیم ولایت فقیه پروژه اتمی را برای ساخت بمب اتمی آغاز کرده و تا کنون خسارت زیادی به کشور وارد کرده است. توافق با قدرتها به

معنی دست برداشتن از ساخت بمب اتمی است که بر خلاف خواسته همه این سالهای رژیم است. هرچند اوضاع اقتصادی کشور در وضعیت بسیار بدی قرار دارد و بیکاری و گرانی همان حداقلها را نیز از سفره تهیدستان ربوده است، اما اینها برای علی خامنه ای و کاربدستان رژیم او اهمیتی ندارد. هدف، حفظ و بیمه کردن رژیم ضد انسانی ای است که هیچگونه مشروعیتی نزد مردم ایران ندارد. ترس علی خامنه ای و باندهای درون قدرت از مردم بیش از دیگر گزینه ها است. اما اکنون شکاف در قدرت سیاسی رونمایی شده و دولت حسن روحانی در مذاکرات اتمی یک دور شکست را تجربه می کند. به نظر می رسد وعده های دولت به باندهای قدرت کارساز نشده و باندها نتوانسته اند به توافقی بین خود دست یابند. بدون چنین توافقی موفقیت در مذاکرات اتمی بعید است. از آن بعید تر، توافق و دوستی بین گرگهایی است که برای دریدن یکدیگر دندان نیز کرده اند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

نمایش انتخابات پارلمانی عراق

آناهیتا اردوان

انتخابات عراق در تاریخ ۱۰ اسفند ماه سال جاری در شرایطی انجام شد که جامعه عراق شاهد افزایش خشونت سیستماتیک و مرگ شهروندان به دلیل انفجار خودروهای بمب گذاری شده کنار جاده ای و ترور است. ساکنان استان "الانبار"؛ شهرهای "فلوجه" و "رمادی"، به واسطه اعتراض و مخالفت با سیاستهای سکتاریستی "حزب الدعوه" به رهبری



نوری مالکی تحت شدیدترین و وحشیانه ترین بمباران قرار دارند. بسیاری از آنان به خصوص زنان، سالمندان و کودکان خردسال، توسط شبه نظامیان موسوم به "دولت اسلامی عراق و شام" (داعش - دست پرورده جمهوری اسلامی)، "سوات" و ... قتل عام، مجروح و یا آواره شده اند. همزمان با برپایی حوزه های نمایش انتخاباتی و بوق و کرنای تبلیغاتی به

ویژه از سوی "ائتلاف دولت قانون"، روند پاکسازی قومی تحت لوای پروژه آمریکا ساخته "مبارزه با تروریسم" به وسیله مالکی تداوم یافت. نیروی سرکوبی، مخالفان را در هر کوی و برزن سرزمین عراق، دستگیر یا به رگبار گلوله می بندد. تعداد بیشماری از مدافعان کثرت گرایی، متشکل از روزنامه نگاران، نمایندگان مجلس، حقوقدانان و ... اعم از شیعه و سنی تحت وحشیانه ترین شکنجه ها در زندانها محبوسند. اعدام، شکنجه، زندان، فقر، بیکاری و فقدان امکانات و نیازهای اولیه باوجود صدور نفت (که در بالاترین میزان خود در طول سی سال اخیر گزارش شده)، حیات اکثریت مردم عراق را به ورطه نابودی و تباهی کشانده است. این، برآمد تاخت و تاز، رانت خواری و فساد سیستمی ست که نوری مالکی آن را رهبری می کند و در کمین تصاحب قدرت سیاسی و پست نخست وزیری برای بار سوم است.

شرایط قبل از انتخابات و حمایتهای خارجی

رژیم ولایت فقیه نیز به مثابه ساختاری فاشیستی و براساس خصلت توسعه طلبانه که تضمین حیات ننگین خود را در جهان گشایی و بحران آفرینی در منطقه جستجو می کند، بدون هیچ شک و شبهه ای، همگام با انتخابات پارلمانی عراق، به تمام شیوه های مخرب برای قدرت گیری مجدد نوری مالکی متوسل شد. کمک رژیم به اقتدار نیروهای ارتجاعی حامی برنامه و سیاستهایش در منطقه و به ویژه عراق، به دلیل موقعیت حساس ژئوپولیتیکی و منابع سرشار گاز و نفت، یکی از مهمترین دلایل وضعیت بغرنج و دشواری می باشد که جامعه عراق درگیر آن است. نقش بازوی سیاسی- نظامی ولایت فقیه، سپاه قدس، در آتشباری بر روی فلوجه و سرکوب قیام استان الانبار که از ناحیه شمال غربی با سوریه هم مرز است و تلاش بی وقفه آن در رعب و وحشت پراکنی و تهدید رای دهندگان برای بیرون برکشیدن ائتلاف دولت قانون از صندوقهای رای، انکار ناپذیر است.

شبکه ای عریض و طویل از رسانه های داخلی- خارجی به همراه تحلیلگران، نخبگان و تیوریسینهای دولتی طی نمایش انتخاباتی، نقش آکروبات بازهای مکار سیرکی را بازی کردند که نه تنها در دوران دو نمایش انتخاباتی سابق، بلکه سالها قبل با وعده پوشالی "صدور دموکراسی"، عراق را طعمه آمریکا گردانند. اینان اکنون مسوولیت تبلیغات برای مضحکه انتخاباتی را عهده دار گشته اند که بر پایه نسل کشی ددمنشانه و تمام عیار توسط نوری مالکی بر پا گردیده است.

تکمیل اقتصادی اشغال، علت حمایت آمریکا از مالکی

ریشه رویکرد دولتهای سرمایه داری در راس آن، امپریالیسم آمریکا، به همراه خبرگزاریهای مطبوعشان در رابطه با انتخابات عراق و تروریست نامیدن مردم به پاخاسته و پیشبرد سیاستهای نو - لیبرالیسم اقتصادی در گفته پل برمر، حکمران انتصابی آمریکا برای عراق پس از اشغال این کشور، مورخ نوزده سپتامبر ۲۰۰۳ نهفته است. او در پاسخ به این سووال که "بنابراین، مردم عراق این اسب آزادی را که با زور اسلحه به آنان هدیه شده باید به کدام مقصد برانند؟" گفت: "خصوصی سازی کامل شرکتهای دولتی، حقوق کامل تملک شرکتهای عراقی توسط شرکتهای خارجی، حق خارج کردن تمام سود از عراق توسط شرکتهای خارجی، باز کردن بانکهای عراق به روی کنترل خارجیان، رفتار یکسان با شرکتهای خارجی ... برداشتن تمام موانع تجاری" (۱)

یکی از مهمترین دلایل حمایت امپریالیسم آمریکا از نوری مالکی به اضطراب آنان در تصویب قانون نفت و گاز توسط پارلمان عراق برمی گردد؛ موضوعی که بعد از گذشت سالها حمله و اشغال کشور مزبور هنوز اجرایی نگردیده است. حمله و اشغال عراق توسط آمریکا و نیروهای ائتلاف را می توان در دو فاز بررسی کرد؛ فاز اول حمله و اشغال خاک عراق که کامل گشته ولی فاز دوم آن برای سلطه تمام عیار بر همگی منابع و امتیازات نفت و گاز هنوز کامل نشده است. چرایی کامل نشدن این فاز، به عدم تصویب قانونی برای واگذاری صددرصد منابع به کنسرسیومهای نفتی برمی گردد که باوجود تاکید و تلاش آمریکا از سال ۲۰۰۷، تاکنون مجلس در این باره اتفاق نظر نداشته و تصویب آن به تعویق افتاده است. عدم تصویب چنین قانونی یکی از اصلی ترین اهداف امپریالیسم در راستای تشکیل خاورمیانه بزرگ و کنترل تولید و قیمت نفت در بازار جهانی را دچار اختلال می کند. دو رویکرد نسبت به تدوین و تصویب چنین قانونی وجود دارد: موضع دسته ای از احزاب سیاسی که خواستار حفظ مالکیت نفت و گاز می باشند و تمایلی به خصوصی سازی صنایع نفت و گاز عراق ندارند و رویکرد دسته ای دیگر که در برابر آنان قد علم کرده اند تا سیاست نو - لیبرالیسم اقتصادی را با تصویب قانون نفت و گاز مطلوب امپریالیسم به سرعت پیش ببرند. در سال ۲۰۰۷، جرج دبلیو بوش تایید صلاحیت نوری المالکی برای تداوم آستان بوسی امپریالیسم جهانی را منوط به تصویب چنین قانونی کرده بود.

در نوامبر ۲۰۰۲، چهار ماه قبل از حمله به عراق، ایالات متحده استراتژی در اختیار قرار دادن بازسازی زیربنای نفتی عراق به شرکت "هالیبرتون" را در دستور کار قرار داد که به معنای اخذ قراردادهای طولانی مدت با شرکتهای نفتی فراملیتی بود. چنین رویکردی به آنها اجازه می داد تا هر زمان که می خواهند، قیمت محصولات نفتی را در سطح جهانی افزایش و یا کاهش دهند. در راستای چنین هدفی، سیاست گذاری پیرامون نفت می بایست از اختیار دولت آینده عراق

خارج می شد. در این راستا تخریب زیربناهای نفتی عراق و روی کار آوردن یک دولت متبوع، مطلوب ترین نتیجه را برای آنها داشت.

اولین دولت رسمی عراقی به ریاست نوری مالکی در ماه می سال ۲۰۰۶ شکل گرفت. دولت‌های آمریکا و انگلیس به وی کاملاً فهمانده بودند که اولویت با تصویب قانونی است که کنترل منابع نفتی کشور را به شرکتها، کارتلها و تراستهای نفتی واگذار کند. در طول چند هفته، پیش نویس چنین قانونی تهیه گردید تا به تصویب برسد، اما تصویب آن در مجلس عراق کار ساده ای برای واشنگتن نبود. قانون مزبور، بنیان باورهای نمایندگان ملی و مردمی مبنی بر تعلق نفت به مردم و کشور را لگد مال می کرد. بدین ترتیب، موضوع تصویب قانون مزبور در مجلس به سرعت بین توده مردم، متخصصان و کارگران صنعتی نفت و اتحادیه های کارگری پخش شد. راهپیماییهای بزرگی در پایتخت کشور و دیگر شهرهای عراق در اعتراض به آن برگزار شد. رهبران اتحادیه های کارگری با برپایی نشستها و صدور بیانیه های متعدد یکصدا فریاد زدند که اجازه نمی دهند سارقان، منابع نفتی شان را غارت کنند و به طور تاریخی آنان را به عقب برگردانند. بدین ترتیب، بیشترین اعضای پارلمان با طرحی که نوری مالکی مامور تصویب رساندن آن بود، مخالفت کردند و قانون به تصویب نرسید. این یک پیروزی بزرگ برای اتحادیه های کارگری، به ویژه کارگران صنعت نفت عراق به شمار می آمد.

این قانون امروز هم هنوز به تصویب نرسیده، اما با قدرت گیری مجدد نوری مالکی در سال ۲۰۰۹، اشتیاق چپاول سود هنگفت از منابع نفتی عراق دوباره دهان گشود، این بار اما در شکل عقد قراردادهای مخفی و غیرقانونی میان نوری مالکی و شرکتهای نفتی و در فقدان یک قانون مصوب. اما این پایان کار نبود. حمله به اتحادیه ها و درهم شکستن تشکلهای کارگری به مثابه رسالتی بر دوش نوری مالکی جهت آسودگی خاطر غولهای نفتی مانند "شل"، "اکسن موبیل" و "توتال" می بایست اجرایی می گردید. در حال حاضر، تولید نفت عراق به بیش از سه میلیون بشکه در روز رسیده است. چهل درصد از ذخایر نفتی این کشور بر اساس قراردادی به امضای وزیر نفت در ماه ژوئن ۲۰۰۹، بطور کلی در اختیار کمپانیهای نفتی خارجی قرار گرفت. (۲)

امر خصوصی سازی صنایع نفت و گاز عراق و اجرای مبانی دیکته شده توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با لازم الاجرا شدن چنین قانونی تسهیل و میسر شده و نوری المالکی، مامور و گزینه پیشبرد آن است. در این صورت، کنسرسیومهای نفتی بر چرخه تولید و فروش محصولات صنایع نفت و گاز تسلط کامل یافته و سود حاصله از آن را صددرصد نصیب خود خواهند ساخت.

تقلبات کلان، اعلان نتایج و شرایط بعد از انتخابات

هشدار از پیش برخی از جریانهای ملی، سکولار و برخی ارگانهای بین المللی مدافع حقوق بشر پیرامون تلاش رهبر "حزب الدعوه" جهت تقلب گسترده در انتخابات، پدیده ای دور از انتظار نبود. زیرا مالکی به عنوان فرمانده کل قوا، تمام نهادهای نیروهای نظامی را بدون هیچگونه نظارت قانونی تحت کنترل دارد. وی مسوولیت وزارت کشور، وزارت دفاع، امنیت، سرویس مخابرات و دیگر نهادهای تصمیم گیری و کلیدی را شخصاً به عهده دارد یا به مدافعانش واگذار کرده است. افزون بر این، مالکی با نقض توافق نشست اربیل، از تمام اهرمهای قدرت جهت ایجاد، تثبیت و حفظ یک حکومت خودکامه همجنس استبداد فردی ولایت فقیهیه سوواستفاده کرد تا جایی که قوه قضاییه را نیز به طور کامل به زیر کنترل خود درآورد. او توسط همین ابزار، قانون مجلس مبنی بر محدودیت اشغال پست نخست وزیری توسط یک نفر به دو دوره چهار ساله را به سادگی خلاف قانون اساسی اعلام نمود و ملغی ساخت. اندر سفسطه گری مالکی جهت نگه داشتن مسند نخست وزیری برای بار سوم همین بس که قانون اساسی عراق برای قوه قضاییه چنین اختیاری قایل نشده است.

وبگاه سازمان مجاهدین خلق ایران به نقل از "تلویزیون الرافدین" پیرامون تقلب گسترده حزب الدعوه گزارش داد که شبه نظامیان سوات اقدام به انتقال صندوقهای آرای منطقه شهرک صدر به محل نامعلومی کردند. به نقل از همین وبگاه، "تلویزیون بغداد" در یک گزارش از دخالت نیروهای امنیتی در کار برخی از مراکز اخذ آرا در بغداد و اخراج ناظران فراکسیونها پرده برداشت.

سرانجام، بعد از کش و قوسهای فراوان، نتایج پارلمانی عراق از سوی کمیسیون عالی انتخابات اعلام گردید. بر اساس گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، ۲۸ اردیبهشت، ائتلاف دولت قانون به ریاست نوری مالکی با ۹۲ کرسی از ۳۲۸، اکثریت آرا را از آن خود ساخت. "فراکسیون شهروند" به رهبری عمار حکیم با ۲۹ کرسی، "فراکسیون الاحرار" وابسته به جریان صدر با ۳۲ کرسی، "فهرست متحدون" به رهبری "اسامه نجیفی" با ۲۳ کرسی، "ائتلاف الوطنیه" به رهبری "ایاد علاوی" با ۲۱ کرسی، "حزب دموکرات کردستان" به رهبری بارزانی با ۱۹ کرسی و "اتحادیه میهنی کردستان" به رهبری طالبانی با ۱۹ کرسی آرا بعد از ائتلاف دولت قانون قرار دارند.

بنا به اعلام کمیسیون عالی مستقل انتخابات، از میان ۲۲ میلیون عراقی واجد شرایط، ۶۲ درصد در انتخابات شرکت کردند.

برآمد

انتخابات پارلمانی عراق از بسیاری جوانب مانند شرایط قبل و زمان انتخابات، عدم صلاحیت و فساد ساز و کار ناظران انتخابات، تقلبات کلان، دخالت نیروی سرکوبی دولتی و نفوذ و دخالت دولتهای سرمایه داری و در راس آن آمریکا و رژیم ولایت فقیه، فاقد پیش شرطهای بنیادی یک انتخابات دموکراتیک بود. از این روی، تبیین میزان مشارک و تجلی اراده مردم در تعیین نقش آفرینان سیاسی در چارچوب چنین انتخابات و برآمد آن، ادعایی خلاف حقیقت، کذب و سخنی گزاف است. با این حال، ۹۲ کرسی به دست آمده، آنها را با دغل کاری و تقلب و حمایتهای خارجی، هنوز قادر به تضمین دور سوم نخست وزیری نوری مالکی نیست. نوری مالکی برای تشکیل دولت و کسب مسند نخست وزیری نیاز به ائتلاف با گروهها و احزاب سیاسی دیگر دارد. شرایط قبل از انتخابات و پس از اعلام نتیجه آن، مبین چالشها و موانع فراروی مالکی برای ایفای نقش خودکامه خویش است. شرایط نسبت به چهار سال پیش با توجه به گستردگی و ژرفش تضاد بین ائتلاف دولت قانون با دیگر نیروهای سیاسی، متفاوت است. اکثریت قریب به اتفاق ائتلافهای سیاسی بر ادامه نیافتن ریاست نوری مالکی، به جهت ماهیت خودکامه و انحصارطلب وی همچنان پای می فشارند. صف بندی سیاسی برابر نوری مالکی اگرچه می بایست با در نظر گرفتن منافع طبقاتی، مواضع، پیشینه سیاسی و ... هر حزب و گروه، برای تشخیص هدف غایی ایشان مورد تجزیه تحلیل و ارزیابی قرار بگیرد، ولیکن بیش از هر چیز این امر مدیون فشار از سوی گردانهای اجتماعی به ویژه شش استان سنی نشین عراق می باشد که با بهره جستن از تاکتیک مبارزه مسلحانه و مسالمت آمیز، عرصه را بر ساختار قدرت تنگ کرده اند.

کنفرانس مطبوعاتی لیست "شهروند" به رهبری عمار حکیم (ائتلافی که بعد از ائتلاف دولت قانون بیشترین کرسیهای مجلس را به خود اختصاص داده) در اعتراض به تقلب در انتخابات، دیدار مسعود بارزانی با ایاد علاوی در مورد ائتلاف سیاسی برای تشکیل دولت آینده و توافق بر سر نپذیرفتن نخست وزیری نوری مالکی، بیانیه ائتلاف متحدون به رهبری اسامه النجیفی در رد نتایج انتخابات عراق و فراخوان به تحقیق بین المللی و موضع گیری جریان صدر علیه دور سوم نخست وزیری مبنی بر عدم شرکت در دولت در صورت رسیدن مالکی به مسند نخست وزیری برای بار سوم بعد از گذشت چند روز از اعلام نتیجه انتخابات، نشان از تشدید و بسط بحران سیاسی بر بستر انحصار طلبی مالکی دارد. این می تواند با هر چه گسترده ترین اعتراضات مردمی به بن بست سیاسی بدل گردد.

پانویس

1- A.Juhusz, Ambitions of Empire: The Bush Administration Economic plan for Iraq (and Beyond), Left Turn Magazine, 12 (Feb/Mar.2004), 27-32

2- A Summary Of Greg Muttitt, Fuel on the Fire: Oil and Politics in Occupied Iraq (New York: New Press, 2012), 398 page

چالشهای معلمان در اردیبهشت ماه

فرنگیس بایقره

محل هزینه وام ۱۶ میلیارد تومانی تعاونی مصرف فرهنگیان معلوم نیست

ایلنا، ۱ اردیبهشت - عضو هیات مدیره تعاونی مصرف فرهنگیان استان تهران با اعلام بدهی ۲۰ میلیاردی این تعاونی به بانک ملی گفت: "هنوز مشخص نیست ۱۶ میلیارد وامی که این تعاونی در سال ۸۴ دریافت کرده، کجا هزینه شده است".
مجتبی قریشیان در مورد این بدهی ۲۰ میلیاردی گفت: "سال ۸۴ تعاونی مصرف فرهنگیان استان تهران ۱۶ میلیارد تومان وام از بانک ملی دریافت کرد که ۸ میلیارد از این وام پرداخت نشد و با جریمه دیرکرد، این بدهی اکنون به بیش از ۲۰ میلیارد تومان رسیده است".

وی در پاسخ به این سوال که آیا تاکنون هیات مدیره وقت در این مورد که این پول را کجا هزینه کرده اند توضیحی داده اند، گفت: "تا این لحظه جوابهای متناقضی داده اند و هیات مدیره فعلی قانع نشده اند. ادعای آنها این است که سوومدیریت و نه سوواستفاده باعث به وجود آمدن این خسارت و حیف و میل وام شده است".
وی با اشاره به اینکه فعلاً درگیر قضیه حقوقی این مساله هستیم، وعده داد: "بعد از حل جنبه حقوقی موضوع، به مراجع قضایی مراجعه خواهیم کرد تا مسببان این وضعیت در صورت تشخیص قانون مجازات شوند".

بخشی از بیانیه کانون صنفی معلمان ایران به مناسبت هفته معلم

حقوق معلم، ۱۰ اردیبهشت - اکنون نزدیک به ۱۰ ماه از آغاز به کار دولت یازدهم می گذرد. افراد واقع نگر می دانند این مدت برای دولتی که در خوشبینانه ترین حالت، وارث یکی از آشفته ترین و ناکارآمدترین دولت‌های دهه های اخیر کشور بوده (اقتصادی با رشد منفی ۸/۵ درصد، تورمی بالای ۴۰ درصد و نقدینگی بالای ۵۵۰ هزار میلیارد تومان) فرصت اندکی است برای بسامان نمودن اوضاع و انتظار چنین معجزه ای را هم از دولت کنونی ندارند. لیکن ده ماه می تواند زمان نسبتاً مناسبی باشد برای در اختیار گرفتن سررشته ی امور و انتخاب رویکردهای همسو با وعده های داده شده و بسترسازی برای اقدامهای عملی آینده و جلوگیری از خطاهای گذشته. در حالی که متأسفانه نشانه هایی دیده می شود که به برخی نگرانیها دامن می زند. از آن جمله:

1. به نظر می رسد یا عمدی در کار است تا جلوی هرگونه اعتراض به ناچیز بودن حق التدریس، تاخیر طولانی در پرداخت آن و ... گرفته شود یا ناشی از ناکارآمدی در مدیریتهاست. این که وزیر محترم اعلام می دارد در صورت تامین اعتبار حق التدریسها را می پردازیم از دید فرهنگیان تاسف بار است. آنان انتظار پافشاری و ابتکار عمل بیشتری از وزیر خود برای احقاق حقوقشان دارند و البته در این حالت پشتیبان او نیز خواهند بود.

2. مورد مهم و قابل اصلاح دیگر معلمانی هستند که از تخلفات اداری، به دلایل مختلف - عموماً مربوط به فعالیتهای صنفی - حکم انفصال از خدمت، تبعید، کسر گروه و ... دریافت کرده اند. مسوولان مربوط در وزارتخانه به دستور وزیر محترم، مدارک مربوط به پرونده های این گروه از معلمان را دریافت نموده و قول رسیدگی و لغو احکام را داده اند. اما در چند ماه گذشته، علاوه بر تغییر نیافتن این احکام، مواردی از احکام تبعیدی، بر خلاف قول رفع آن، اجرا شده است. اگر حل مساله معلمان زندانی را خارج از حوزه اختیارات وزیر آموزش و پرورش بدانیم، در مورد تخلفات اداری چه توجیهی وجود دارد؟

3. اگر اصل سی ام قانون اساسی ناظر بر کیفیت آموزش نیز هست، پس چگونه است که اولاً حد نصاب دانش آموزان در کلاس درس برای سراسر کشور از دورترین روستا تا شهرهایی مانند تهران با تراکم بسیار بالای جمعیت، یکسان تعیین می شود؟ آیا به راستی این خود نوعی راندن دانش آموزان اندکی توانمندتر به سوی مدارس غیردولتی و آموزشگاههای خصوصی و کالا نمودن آموزش و لاجرم طبقاتی کردن آن نیست؟

4. بایسته است نگرانی خود را از برخوردهای اخیر مجلس با وزیر محترم آموزش و پرورش بیان نماییم. انتظار ما این است که نمایندگان مجلس، کارشناسانه، آموزشی و دلسوزانه به آموزش و پرورش بنگرند .

یادی از فرزاد کمانگر



فرزاد کمانگر متولد ۱۳۵۴ فعال حقوق بشر، فعال محیط زیست، روزنامه نگار و فعال صنفی و معلم دلسوزی بود که به اتهام عضویت و همکاری با "پژاک" به اعدام محکوم گردید و روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹، به همراه فرهاد و کیلی، شیرین علم هولی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان در زندان اوین به دار آویخته شد.

فرزاد به صورت افتخاری گزارشگر ویژه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران هم بود. او دبیر هنرستان کار و دانش شهرستان کامیاران در جنوب استان کردستان و عضو

انجمن صنفی فرهنگیان و انجمن زیست محیطی ناسک یعنی "آهو" نیز بود و با اسم مستعار "سیامند" در ماهنامه فرهنگی آموزشی "رویان" که به اداره آموزش و پرورش کامیاران تعلق دارد، می نوشت. فرزاد در زمینه حقوق قومی و مسایل زنان نیز فعالیت می کرد.

فرزاد کمانگر معلم آموزش و پرورش شهرستان کامیاران با ۱۲ سال سابقه تدریس بود. وی که برای پیگیری مساله درمان برادرش به تهران آمده بود، در مرداد ماه ۱۳۸۵ به اتهام عضویت در پژاک و مشارکت در عملیات بمب گذاری دستگیر شد. او را در ابتدای بازداشت در بند ۲۰۹ زندان اوین و بازداشتگاه اطلاعات سنندج و کرمانشاه شکنجه کردند.

فرزاد در طول دوره ۳۳ ماهه زندان ماهها در سلولهای انفرادی و در زندانهای اوین و رجایی شهر و سنندج مورد آزار و اذیت قرار گرفت، در حالی که هیچ مدرک مستند و قابل استنادی در پرونده وی وجود نداشت.

فرزاد کمانگر سرانجام در اسفند ماه ۱۳۸۶ به جرم عضویت در "پ ک ک" از طرف شعبه ۳۰ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی حکم اعدام گرفت. انتشار خبر اعدام او و چهار زندانی سیاسی دیگر موجب واکنشها و اعتراضهای زیادی در داخل و خارج از ایران شد.

"شب، شعر و شکنجه" نامه ای از فرزاد کمانگر

شکنجه بربریت و توحش است، شکنجه به سخره گرفتن همه قواعد و قوانین و عرف جهانی است، شکنجه پایمال کردن همه ارزشهای انسانی است، زمستان ۸۵ در انفرادی تنگ و تاریکی در کرمانشاه، بدون هیچ اتهامی، به مدت سه ماه حبس وحشتناکی را تحمل کردم، سه ماهی که بعد از سه سال، هنوز جسم و روح و روانم را می آزارد. این مطلب را به یاد حقیرترین سلول دنیا نوشته و به همه قربانیان شکنجه تقدیم می کنم.

"دیری است.

مثل ستاره ها چمدانم را

از شوق ماهیان و تنهایی خودم

پر کرده ام، ولی

مهلت نمی دهند که مثل کبوتری

در شرم صبح پر بگشایم

با یک سبد ترانه و لبخند
خود را به کاروان برسانم.
اما،

من عاقبت از اینجا خواهم رفت.
پروانه ای که با شب می رفت،
این فال را برای دلم دید."

شب بود، نه از آن شبها که "گلاویژ" (۱) خود را در آیین "سراب نیلوفر" (۲) به نظاره نشسته باشد.

نه از آن شبها که فرهاد در کنار بیستون به خواب شیرین رفته باشد.

شب بود، نه از آن شبها که "پرتو" (۳) به دنبال ساقی ارمنی شعرهایش از "سرتپه و سید فاطمه" (۴) آواره کوچه و خیابانهای کرمانشاه شده باشد.

نه از آن شبها که بیستون با صدای تنبور به وجد سماع افتاده باشد. از آن شبهایی بود که زخمه تار "اسماعیل مسقطی" هوس پریشان کردن گیسوان مینای آوازه‌هایش را نداشت.

از آن شبهایی بود که طاق بستان آواز "گل و نوشه باغان، لر نژاد" را در کرمانشاه انعکاس نمی داد .

شب بود، نه ماه بود، نه ستاره، نه آسمان، نه ابر، فقط دیوار بود.

تاریک شبی بود و اتاقکی تنگ و تاریک و نمور با دری کوچک که از سویی به آینده و از سویی دیگر به گذشته باز می شد

و من شعری را با دیوارها زمزمه می کردم. "در من زندان ستمگری بود که هرگز به آوای زنجیره اش خو نکرد"

تق و تق در، آشفته کرد رویای شبانه ام را و به هم ریخت قافیه لالاییهای نانوشته مادرم را که زمزمه می کردم،

...چشم بند بزن

دستها جلو، دستبند! ... راه بیفت

از سلول کوچکم کشان کشان بیرونم آوردند، راهم را بلد بودم، بهتر از نگهبانهای پیری که مثل در سلولها فرسوده شده

بودند. بهتر از بازجوهایم تعداد پله های زیر زمین زیر هواخوری را می دانستم. انگار سالها بود این زندان را زیسته بودم.

حتی می توانستم جای پاهای زندانیان قبل از خودم را ببینم. هنگام پایین آمدن از پله ها از زیر چشم بند تعداد پاهای

حاضران را می شمردم، یک ... دو ... سه ... چهار ... پنج ... شش ...

آمده بودند تا قدرت خود را روی یک انسان نمایش دهند و آنگاه که می ایستادم شعری مرا زمزمه می کرد، "خدایا من

کجای زمین ایستاده ام" ...

و با اولین ضربه ناتمام می ماند شعر و می بستتم به تخت ... چقدر می ترسیدم ... نه از درد شلاق، از اینکه در قرن ۲۱ در

قرن گفتگو، در دهکده جهانی هنوز کسانی با شلاق، فاتحانه بر بدن انسان رنجوری بکوبند و بخندند.

چقدر می لرزیدم ... نه به خاطر درد ضربات و مشت و لگد، ترسم از پایمال شدن ارزشهای انسانی بود در سرزمینی که

منشور اخلاق برای جهانیان می نویسد.

چقدر وحشت برم می داشت ... نه از درد شوک الکتریکی، از پزشکی که معاینه ام می کرد و با نوک خودکارش بر سرم می

کوبید که خفه شو ... خفه شو ... آنهم در حالی که قرنهای سوگند نامه بقراط گذشته بود.

با صدای شلاق شان که آنرا "ذوالفقار" می نامیدند به گوشه ای دیگر از دنیا می رفتم، آنجا که دغدغه فکری انسانهایش

نجات سوسمارهای آفریقا و مارهای استرالیا است، آنجا که حتی به فکر مارمولکهای فلان جهنم دره در ناکجا آباد دنیا

هستند. اما این جا ... این جا ... وای ... وای

با هر ضربه "ذوالفقار" سالها به عقب بر می گشتم، به عهد قاجار به مناره ای از سر و گوش و چشم، به دهه هیتلر به عصر

تاتار و مغول و بربر و ... باز می زدند تا به ابتدای تاریخی که خوانده و نخوانده بودم می رسیدم اما باز درد تمامی نداشت.

بیهوش می شدم و ساعتی بعد در سلولم دوباره به دنیا می آمدم و چون نوزادی شروع به دست و پا زدن می کردم و

شعری مرا به خود می خواند. "تولد نوزادی را دیده ام/ برای همین می دانم جیغ کشیدن و دست و پا زدن/ اولین نشانه های زندگی و زادن است."

فردا شب باز صدای درد و باز...

یکی می زد به خاطر افکارم، دیگری می زد به خاطر زبانم، سومی می پنداشت که امنیت ملی را به خطر انداخته ام، چهارمی می زد تا ببیند صدایم به کجای دنیا می رسد.

حال باز شب است، از آن شبها مدتها گذشته ولی به هم می ریزد هر صدایی رویا و خواب شبانه ام را و نیمه شب آوایی در گوشم نجوا می کند، "بخواب ای گل، نه اینکه وقت خوابه، بخواب چونم که بیداری عذابه"

فرزاد کمانگر

زندان اوین - دی ماه ۱۳۸۸

1- گلاویژ: ستاره سهیل و نامی دخترانه

2- سراب نیلوفر: اسم دریاچه ای در کرمانشاه

3- پرتو: نام شاعری در کرمانشاه

۴- نام محلاتی در کرمانشاه

شعر ابتدای نامه از شفיעی کدکنی است.

منبع: هرانا

کلاسهای درس در خرابه ها

ایرنا، ۱۴ اردیبهشت - به گزارش ایرنا، واگذار شدن یک مدرسه روستایی به بخش خصوصی برای درآمدزایی در بخش "تلنگ" از توابع شهرستان "قصر قند" در جنوب سیستان و بلوچستان باعث شده است کلاسهای درس دانش آموزان در خرابه ها تشکیل شود.

بخشدار تلنگ روز شنبه در این رابطه خبر داد، این فضای آموزشی که از آن به عنوان مدرسه راهنمایی دخترانه استفاده می شده است، از اردیبهشت سال ۱۳۹۱ به یک شرکت ساختمانی و تاسیساتی اجاره داده شد که در نتیجه شماری از دانش آموزان روستای "کوچو" ترک تحصیل کرده و یا در مکانهای غیر استاندارد از جمله اصطبل و یا زیر سایه درخت تحصیل می کنند.

وی با بیان اینکه سه هزار و ۲۳۰ دانش آموز بخش تلنگ در فضاهای آموزشی غیر استاندارد مشغول تحصیل هستند، گفت: "از مجموع ۵۷ مدرسه منطقه، ۳۰ مورد فاقد برق و ۴۳ مدرسه فاقد آب آشامیدنی است. همچنین از مجموع این ۵۷ مدرسه، دستکم ۴۰ مورد فاقد ساختمان استاندارد است، به طوری که اغلب آنها خشت و گلی و یا کپری هستند. در نتیجه برخی کلاسها در اصطبل حیوانات یا زیر سایه درختان تشکیل می شود".

شهرستان قصر قند به فاصله ۶۰۰ کیلومتری جنوب زاهدان در حوزه آبریز رود کاجو، قطب کشاورزی واقع شده است و با وجود جاذبه های گردشگری، کمتر معرفی و شناخته شده است. بخش تلنگ با مرکز شهرستان قصر قند ۳۰ کیلومتر فاصله دارد.

فانی خبر داد: قول کلی وزیر اطلاعات برای بررسی آزادی برخی معلمان زندانی

ایسنا، ۱۵ اردیبهشت - وزیر آموزش و پرورش از قول مساعد وزیر اطلاعات برای ملاقات با نماینده تشکلهای فرهنگیان در خصوص بحث و بررسی آزادی برخی معلمان زندانی خبر داد.

علی اصغر فانی درباره آخرین وضعیت معلمان زندانی که پیش از این قول پیگیری مشکلات آنها را داده بود گفت: "قول کلی را از وزیر اطلاعات گرفته ام تا ملاقات با نماینده تشکلهای فرهنگیان با ایشان انجام شود و هر زمان که این هماهنگی صورت بگیرد، وزیر اطلاعات آماده این دیدار است".

معلمی که عصرها پادوی آژانس مسکن است

حقوق معلم، ۱۸ اردیبهشت - محمد رضا نیک نژاد، عضو کانون صنفی معلمان می گوید: "در حال حاضر معلمان رسمی حدود ۸۰۰ تا یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان حقوق می گیرند و این در حالی است که هر ماه از حقوق شان مبلغی هم برای حق بیمه، بیمه طلابی و بیمه عمر کم می شود و مثلاً در حال حاضر حقوق من در حکم، یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان آمده ولی دریافتی ام یک میلیون تومان در ماه است .

بنابر این می توان گفت که اگر خط فقر را یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان هم در نظر بگیریم، حتی بیش از سه چهارم معلمان زیر خط فقرند، برای همین هم هست که در حال حاضر کمتر معلمی را داریم که یک شغله باشد. این موضوعی است که مستقیماً روی کیفیت آموزشی مدارس تاثیر می گذارد. مثلاً در حال حاضر ما معلمانی را داریم که صبحها سر کلاس درسند و ظهر به بعد کاری می کنند که هیچ ارتباطی با معلمی ندارد. من دبیر ادبیات مدرسه ای را می شناسم که صبحها در مدرسه ادبیات درس می دهد و عصرها به آژانس مسکن می رود و پادوی آنهاست .

ما همکارانی داریم که چون حقوق شان مکفی نیست، دانش آموز را به چشم مشتری می بینند، یعنی وقتی وارد کلاس می شوند، دنبال این هستند که دانش آموزان را برای کلاسهای خصوصی جذب کنند تا خرج زندگی شان در بیاید.

از طرف دیگر، حقوق معلمان ایرانی به هیچ وجه متناسب با شرایط میانگین جهانی نیست. همین چند وقت پیش بود که مدیر مدرسه ما از طرف آموزش و پرورش به ترکیه رفته بود تا به مدارس آنجا سرکشی کند و می گفت معلمان موظفند ۱۵ ساعت در مدرسه باشند و ۱۲۰۰ یورو حقوق می گیرند، در حالی که یکی از باسابقه ترین افراد هیات ایرانی که مدیر بوده و بیشترین حقوق را می گرفته، ۶۰۰ دلار در ماه درآمد دارد.

تجمع اعتراضی فرهنگیان شهرستان زیرکوه در مقابل فرمانداری

فرهنگیان زیرکوه با امضای طوماری خواستار برقراری حق نوار مرزی هستند. به گزارش ۱۰ اردیبهشت خاورستان، طبق قرار قبلی فرهنگیان زیرکوه امروز ظهر با حضور در خیابان معلم و امضای طومار خواستار برقراری این حق برای فرهنگیان این شهرستان مرزی هستند. لازم به ذکر است بیش از دو سوم فرهنگیان شهرستان زیرکوه غیر بومی هستند و اکثراً از شهرهای بیرجند - فردوس - سراپان - قاین - مشهد و... در این شهرستان مرزی مشغول به خدمت می باشند. قرار است طومارهای امضا شده به دفتر وزارت آموزش و پرورش و دفتر استاندار خراسان جنوبی ارسال گردد. این طومار به امضای بیش از ۲۰۰ نفر از فرهنگیان رسیده است.

تجمع بازنشستگان فرهنگی دشتستان

روز شنبه ۱۳ اردیبهشت جمعی از بازنشستگان فرهنگی دشتستان در تجمعی اعتراضی در محل کانون فاطمیه برازجان خواستار پیگیری حق و حقوقشان شدند.

به گزارش اتحاد جنوب، اعتراض این بازنشستگان از زمانی آغاز شد که تعدادی از فرهنگیان بازنشسته جهت شرکت در انتخابات کانون بازنشستگان فرهنگی شرکت کردند و با درهای بسته روبرو شدند.

جهت پیگیری مطالبات فرهنگیان کانونی تحت عنوان کانون بازنشستگان فرهنگی تشکیل و سعی در برطرف سازی مشکلات فرهنگیان می کند. این کانون از طریق انتخاباتی که بین بازنشستگان فرهنگی برگزار می شود، تشکیل می گردد و افراد برگزیده تحت مدیریت یک فرد به عنوان مدیر این کانون، مطالبات فرهنگیان را پیگیری می کنند.

آخرین انتخابات در تاریخ ۱۲ اسفند ۸۹ صورت گرفت و افرادی به عنوان هیات مدیره کانون انتخاب شدند. بر اساس قوانین انتخابات بعدی باید سه سال بعد یعنی ۱۲ اسفند ۹۲ برگزار می شد و حدود سه ماه پیش از برگزاری انتخابات، یعنی حدوداً آبان ماه ۹۲، اطلاع رسانی دقیقی به صورت آگهی در نشریات صورت می گرفت و از بازنشستگان فرهنگی جهت شرکت در این انتخابات دعوت می شد. اما نه تنها این امر صورت نگرفت بلکه بعد از روزها تغییر در زمان برگزاری این انتخابات، اطلاع رسانی به صورت آگهی هایی در برگه A4 و با فونت ۱۲ و آن هم در چند محل محدود و حدود یک هفته پیش صورت گرفت که طی آن ۱۳ اردیبهشت را به عنوان زمان برگزاری انتخابات معرفی کردند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۳

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

فروردین، ۲۸ حرکت اعتراضی

روز چهارشنبه ۶ فروردین کارخانه نیرو محرکه قزوین ۳۰ تن از کارگران اعتصابی را از کار اخراج کرد ولی این اخراجها نتوانست باعث شکستن اعتصاب کارگران شود. به گزارش ایران کارگر، در پی پرداخت نشدن حقوق معوقه کارکنان این کارخانه، کارگران از روز اول کاری در سال جدید سرکار خود حاضر نشدند.

روز شنبه ۱۶ فروردین کارگران فولاد زاگرس در اعتراض به انحلال این کارخانه از سوی کارفرما در مقابل اداره کار رژیم در قروه واقع در استان کردستان دست به تجمع کردند. به گزارش ایلنا؛ تجمع کارگران در اعتراض به تصمیم مالکان کارخانه مبنی بر انحلال این واحد تولید فولاد صورت گرفته و انحلال این کارخانه در حالی صورت گرفته که ۴ ماه از حقوق کارگران پرداخت نشده است.

روز شنبه ۱۶ فروردین دهها تن از کارگران پیمانی اداره آب و فاضلاب اهواز در اعتراض به عدم پرداخت پنج ماه حقوق و دستمزدهای خود در میدان کارگر این شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که دارای سوابق کاری ۴ تا ۱۵ ساله هستند در ماههای آبان، آذر، دی، بهمن و اسفند سال ۹۲ هیچ حقوقی دریافت نکردند.

کارگران صندوق نسوز خرم در تهران روز شنبه ۱۶ فروردین در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات عقب افتاده و همچنین بلا تکلیفی شغلی، در مقابل دادگاه ارتجاع در وحیدیه تجمع کردند. به گزارش همبستگی ملی هر کدام از این کارگران بین ۱۰ تا ۲۵ میلیون تومان حقوق و مزایا طلب دارند.

پرسنل گروه صنعتی فلات کوه‌رنگ در شهر کرد روز شنبه ۱۶ فروردین در مقابل استانداری رژیم در چهارمحال و بختیاری تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار مطالبات خود شدند. به گزارش همبستگی ملی؛ این شرکت سه ماه حقوق عقب افتاده و عیدی کارگران را پرداخت نکرده و از تیرماه سال گذشته تا ۲۱ آبان که تعطیلی کارخانه بوده حق بیمه پرداخت نشده است.

از ظهر روز جمعه ۱۵ فروردین تا روز یکشنبه ۱۷ فروردین کشاورزان منطقه شرق اصفهان برای چهارمین بار دست به تجمع زدند و دو شب پیاپی را در چادرهایی که بر اعتراض بنا شد به سر بردند. به گزارش فردا، کشاورزان خواستار نظارت بر توزیع آب در جلسات و تصمیم‌گیریهای شرکت آب منطقه‌ای شدند.

روز دوشنبه ۱۸ فروردین، کارگران اخراجی معدن طلای «زره شوران» تکاب در اعتراض به تصمیم کارفرمایان مبنی بر اخراج آنان، راه اصلی این معدن را مسدود نمودند. به گزارش پیام، تجمع این کارگران که خواستار بازگشت به کار هستند مورد حمله ماموران نیروی انتظامی رژیم در شهر تکاب قرار گرفت.

روز سه شنبه ۱۹ فروردین، کارگران پلی اکریل اصفهان در اعتراض به حضور قائم مقام مدیر عامل در کارخانه برای شرکت در جلسه مدیران نواحی پلی اکریل، دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، خلع ید قائم مقام مدیر عامل به عنوان یکی از خواسته‌های ده گانه کارگران پلی اکریل اصفهان است.

روز چهارشنبه ۲۰ فروردین، کارگران شرکت ذوب آهن فولاد زاگرس برای سومین بار در یک هفته در اعتراض به انحلال این واحد تولیدی و بیکاری ۲۷۴ کارگر در مقابل دفتر این واحد تولیدی در شهرستان قروه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، طی روزهای قبل دو تجمع از جانب کارگران؛ یکی روز شنبه ۱۶ فروردین در مقابل اداره کار شهرستان قروه و دیگری یکشنبه ۱۷ فروردین در مقابل استانداری در شهر سنندج صورت گرفته است. کارگران کارخانه فولاد زاگرس اصرار دارند تا گرفتن پاسخ قاطعانه از مسئولان دولتی و کارخانه به تجمعات اعتراضی خود ادامه دهند.

جمعی از کارگران شرکت لاستیک سازی ایران تیر در قزوین روز چهارشنبه ۲۰ فروردین به اخراج همکاران خود اعتراض کردند و در مقابل دفتر بنیاد مستضعفان تجمع کردند. بنا به گزارشهای دریافتی این ارگان در عرض سه ماه گذشته و در آستانه سال جدید، ۳۰۰ تن از کارگران محروم را از کار اخراج کرده است.

حدود ۳۰۰ تن از بازرسان سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان سراسر کشور در اعتراض به تصمیم اخیر وزارت صنعت معدن و تجارت در خصوص تغییر تبدیل وضعیت استخدامی شان از قرارداد مستقیم به شرکتی روز یکشنبه ۲۴ فروردین در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، وزارت صنعت معدن و تجارت برای نظارت بر قیمتها و تنظیم بازار کشور بیش از ۳ هزار نیروی قرار داد مستقیم در سراسر کشور دارد که در تاریخ ۱۱ فروردین سال جاری این وزارت خانه در نامه ای به سازمان حمایت از مصرف کنندگان دستور داد وضعیت استخدامی همه این بازرسان به حالت شرکتی بازگرداند.

این کارکنان وزارت صنعت، معدن و تجارت برای دومین روز متوالی در روز دوشنبه ۲۵ فروردین در مقابل درب شمال مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

روز یکشنبه ۲۴ فروردین، تعدادی از فرهنگیان بازنشسته استان کهگیلویه و بویراحمد برای دریافت پاداش مناطق محروم خود از سال ۷۴ تا ۸۵، در محل اداره کل آموزش و پرورش دست به تجمع اعتراضی زدند.

به گزارش ایسنا، تجمع کنندگان از مسئولان آموزش و پرورش کهگیلویه و بویراحمد خواستار پاسخ در مورد مبنای پرداخت، به روز نبودن پاداشها و همچنین دلیل پرداخت نشدن به سه شهر یاسوج، گچساران و دهدشت شدند.

جمعی از کارگران کارخانه سیمان لوشان رشت روز یکشنبه ۲۴ فروردین در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش بهار ایران؛ کارگران در این تجمع خواستار آزادی دو تن از کارگران دستگیر شده در بهمن ماه سال گذشته شدند.

تعدادی از کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست استان کردستان صبح روز دوشنبه ۲۵ فروردین در اعتراض به آنچه ناعادلانه بودن حقوق و مزایا در محوطه محل کار خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست استان کردستان از سال ۸۷ تا به امروز نزدیک به ۱۷۶ میلیون تومان حقوق و مزایای معوقه دارند.

بازرسان سازمان حمایت از مصرف کنندگان روز سه شنبه ۲۶ فروردین در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری مجلس، در سال ۱۳۹۰ بر اساس مصوبه هیات دولت مبنی بر حذف شرکتهای پیمانکاری، تمامی پرسنل در قالب قرار داد کار معین تبدیل وضعیت شدند، اما در روزهای گذشته معاونت توسعه منابع انسانی ریاست جمهوری با نامه نگاریهای که با کلیه ی سازمانهای زیربست استانی داشته مانع از تمدید قراردادهای آنها شد و خواهان بازگرداندن مجدد شرکتهای واسطه ی پیمانکاری جهت عقد قرار دادهای شرکتی شد.

روز سه شنبه ۲۶ فروردین، کارگران خدمات شهری رشت در مقابل ساختمان شورای شهر واقع در میدان شهرداری تجمع کردند. به گزارش افق روشن، این کارگران از شرکتهای خدماتی مختلف؛ شهر باران، سبز زیو، سیمین و... و نواحی و مناطق مختلف به نمایندگی از ۴۰۰ کارگر با سابقه تجمع کردند. خواست این کارگران در مرحله اول تحت پوشش شرکت تعاونی شهرداری قرار گرفتن است. در مرحله بعد لغو قراردادهای موقت اسارت بار و افزایش حداقل دستمزد است.

کارگران شهرداری شادگان در اعتراض به عدم دریافت حقوق و عیدی سال ۹۲ و ۹۳ در روز سه شنبه ۲۶ فروردین دست به اعتراض زدند. به گزارش فارس در تجمع کارگران شهرداری شادگان حدود ۵۰ تن از مجموعه شهرداری به نمایندگی از سایر کارگران، حضور پیدا کردند.

در پی تخریب پوشش جنگلی اطراف شهر سردشت توسط نهادهای نظامی - امنیتی، شماری از جوانان در روز چهارشنبه ۲۷ فروردین دست به اعتراض زدند. به گزارش گُردپا، این تظاهرات مسالمت آمیز در مقابل اداره منابع طبیعی و آبخیزداری این شهرستان برگزار گردید. براساس این گزارش، جنگلهای طبیعی اطراف سردشت به منظور ساخت و ساز به افراد سپاهی و بسیجیان واگذار گردیده و از اواخر سال گذشته تاکنون حدود ۶۰ هکتار را به زمینهای مسکونی تفکیک کرده‌اند.

جمعی از کارکنان رسمی صنعت نفت شاغل در پتروشیمی اصفهان، صبح روز چهارشنبه ۲۷ فروردین با سفر به تهران در اعتراض به آنچه بلا تکلیفی در قراردادهای کاریشان عنوان می‌کنند در مقابل ساختمان وزارت نفت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مشکلات کارکنان پتروشیمی اصفهان از سال ۸۲ و زمانی که دولت وقت این واحد صنعتی را بابت پرداخت بخشی از بدهیهای مالی اش به سازمان تامین اجتماعی واگذار کرد آغاز شد.

روز چهارشنبه ۲۷ فروردین اعتصاب کارگران کارخانه آجرسازی ارومیه وارد پنجمین روز شد. به گزارش همبستگی ملی؛ صدها تن از کارگران این کارخانه از روز شنبه ۲۳ فروردین در اعتراض به پایین بودن دستمزد و افزایش هزینه های سرسام آور زندگی اعتصاب کردند.

روز پنجشنبه ۲۸ فروردین مردم مهرشهر کرج به نشانه اعتراض به قطع ۲۰۰۰ اصله درختان مثمر باغ سیب مهرشهر توسط مسئولان این باغ در مقابل آن اجتماع کردند. به گزارش تیتریک، در این تجمع طرفداران محیط زیست و دوستداران طبیعت، با در دست داشتن پلاکارهای با عناوین «باغ سیب را دریابیم، باغ سیب را احیا کنید، باغ سیب باید ملی گردد و...» درخواست رسیدگی کردند.

تعدادی از کارگران شرکت نگین سبز خاورمیانه به دلیل مشکل پرداخت حقوق، روز شنبه ۳۰ فروردین مقابل درب استانداری تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران شرکت نگین سبز خاورمیانه در خصوص عقب افتادگی پرداخت حقوق کارگران این شرکت اظهار کرد؛ ۱۸ ماه است که کارگران شرکت نگین سبز خاورمیانه حقوق ثابتی دریافت نکرده اند. کار شرکت نگین سبز خاورمیانه، لایروبی است و زیر نظر اداره کل بنادر و دریانوردی خوزستان فعالیت می کند.

روز یکشنبه ۳۱ فروردین، جمعی از کارکنان سازمان صنایع و معادن در اعتراض به تغییر قراردادهای خود از قراردادی به شرکتی در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری مجلس، این تعداد از کارکنان سازمان صنایع و معادن به نمایندگی از تمامی کارکنان صنایع و معادن سراسر کشور در مقابل مجلس تجمع و نسبت به قراردادهای خود اعتراض کردند.

به گزارش اترک، روز یکشنبه ۳۱ فروردین تعدادی از کارکنان مخابرات استان گلستان در ساختمان اصلی مخابرات در سه راه گلشهر گرگان به خاطر معوق ماندن حقوق ۵ ماهه خود تجمع کردند.

اردیبهشت، ۶۶ حرکت اعتراضی

روز دوشنبه ۱ اردیبهشت، کارگران پیمانکاری اداره آب و فاضلاب اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه خود در مقابل اداره کل بازرسی استان خوزستان واقع در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بیش از ۱۰۰ کارگر از مجموع ۳۰۰ کارگر شرکت آب و فاضلاب اهواز که به صورت قراردادی به عنوان موتورچی و پمپ چی آب در سطح شهر اهواز فعالیت می کنند در اعتراض به عدم دریافت حدود ۶ ماه از معوقات حقوقیشان که مربوط به سال گذشته (۹۲) و سال جاری است دست به تجمع زدند.

جمعی از کارگران با سابقه شرکت مهندسی آب و خاک کشور در واکنش به نحوه محاسبات بازرشیدی خدمت شان در جریان اصلاح ساختاری و خصوصی سازی این شرکت، روز سه شنبه ۲ اردیبهشت، مقابل ساختمان سازمان خصوصی سازی کشور تجمع کردند. به گزارش ایلنا، شرکت مهندسی آب و خاک قبل از خصوصی سازی اقدام به اصلاح ساختار نیروی انسانی خود مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی کرده به طوریکه در یک دوره زمانی تعداد ۱۵۰۰ تن از کارگران مازاد خود را با پرداخت سنوات سه ماه حقوق به ازای هر سال، خرید خدمت کرد.

روز سه شنبه ۲ اردیبهشت صدها کارگر کارخانه لوله سازی اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق و عیدی در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معوقات حقوقی کارگران مربوط به سه ماهه بهمن، اسفند سال گذشته و فروردین سال جاری است و کارفرمای این کارخانه همچنین عیدی و سایر مزایای پایان سال کارگران را پرداخت نمی کند.

بیش از ۱۲۰۰ تن از کارگران و بازنشستگان در تهران روز یکشنبه ۷ اردیبهشت در مقابل مجلس دست به تجمع زدند. به گزارش سازمان مجاهدین خلق این تجمع در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و همچنین به منظور اعتراض به واگذاری بیمه تامین اجتماعی به وزارت بهداشت و درمان و چپاول داراییهای کارگران صورت گرفت.

روز دوشنبه ۸ اردیبهشت کارگران مخابرات روستایی شرکت مخابرات استان خوزستان در مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا؛ کارگران مخابرات روستایی می‌خواهند شرکت مخابرات استان خوزستان با آنها به صورت تمام وقت، قرارداد کار منعقد کند.

بیش از ۲۰۰ کارگر خباز عصر روز دوشنبه ۸ اردیبهشت در مقابل فرمانداری سنندج در اعتراض به افزایش نیافتن مزدشان برای سومین سال متوالی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، فرماندار و رئیس اداره کار سنندج در جمع کارگران معترض حاضر شدند و به خواسته‌ها و مطالبات آنان گوش دادند اما توضیحات شان برای کارگران معترض قانع کننده نبود.

روز دوشنبه ۸ اردیبهشت، ۵۰ تن از کارگران کارخانه پارس قو در اعتراض به تشدید تلاش‌های کمیسیون سلامت شورای شهر برای تعطیلی این کارخانه، در مقابل ساختمان شورا تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تنها خواسته کارگران پیش از تعطیلی کارخانه، بازنشستگی تمامی کارگران است و معرفی کارگران به شرکتهای زیر مجموعه مورد پذیرش کارگران نیست.

کارگران شرکت صابون سازی خرمشهر روز سه شنبه ۹ اردیبهشت برای دومین روز متوالی در مقابل این شرکت تجمع کردند و به اخراج کارگران و پرداخت نشدن ۲۲ ماه حقوق عقب افتاده خود اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، از سال ۸۷ کارخانه صابون سازی خرمشهر با منفک شدن از سازمان بنیاد شهید کاملاً به بخش خصوصی واگذار شد. این واحد تولیدی حدود ۲۶ ماه است که به دلیل مشکلات مدیریتی تعطیل شده و کارگران در این مدت فقط توانستند بخشی از حقوق خود را با شکایت به مراجع قانونی با فروش داراییهای کارخانه دریافت کنند.

صابون سازی خرمشهر با نام تجاری صنایع بهداشتی یاس تولید کننده گلیسرین، انواع صابونهای جامد و سایر مواد شوینده، زیر مجموعه صنایع بهداشتی داروگر (کف) است.

به گزارش سولدوز خبر، کشاورزان روستای یادگارلو روز سه شنبه ۹ اردیبهشت در مقابل جهادکشاورزی و فرمانداری نقده تجمع کردند. کشاورزان ابتدا در مقابل جهادکشاورزی تجمع کردند اما پس آنکه رئیس این اداره توجهی به درخواستهای آنها نکرد به سمت فرمانداری حرکت کردند.

به گزارش آبادان نیوز، روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت برخی از کارگران اخراج شده ی سازمان منطقه آزاد اروند با تجمع در درب ورودی سازمان خواستار بازگشت به کار شدند. گفته می شود اغلب این کارگران متاهل بوده و ادامه این روند آینده ی مبهمی را برای خود و خانواده شان رقم خواهد زد.

روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت حدود ۴۰ تن از کارگران بازنشسته ایران کنف مقابل اداره مرکزی تأمین اجتماعی رشت واقع در خیابان گلزار تجمع کردند. به گزارش افق روشن، این کارگران که بیش از یکسال است که بازنشسته شده اند، خواستار دریافت مفاصا حساب حقی السعی خود هستند که به هر کارگر در حدود بیست میلیون تومان تعلق می گیرد.

صبح روز شنبه ۱۳ اردیبهشت تعدادی از کارمندان و بازنشستگان شرکت لوله سازی اهواز به منظور مطالبه حقوق خود در مقابل وزارت نفت تجمع کردند. به گزارش فارس، علت تجمع امروز مطالبه حقوق معوقه و طلب ۱۴۰ میلیارد تومانی بازنشستگان و همچنین تعیین تکلیف نیروهای قراردادی و رسمی این شرکت است.

کارگران اخراجی کارخانه سهند کاشی الوند همدان در روز شنبه ۱۳ اردیبهشت برای احقاق مطالبات شان اقدام به تجمع اعتراضی کردند. به گزارش فارس، این کارخانه تولیدی که در زمینه ساخت و تولید کاشی و سرامیک فعالیت دارد و با برند سهندالوند مشغول بوده و در شهرک صنعتی بهاران قرار داشته، بنا به دلایل نامشخصی از پرداخت حق بیمه کارگران خودداری کرده و به مرور به بهانه های مختلف تعدیل نیرو را در بخشهای مختلف خود داشته است.

تعدادی از اعضای تعاونی ۱۴ مسکن مهر قروه در روز شنبه ۱۳ اردیبهشت در مقابل اداره کار رفاه و تامین اجتماعی تجمع کرده و خواستار پیگیری وضعیت مسکن مهر در این شهرستان شدند. به گزارش سراب خبر، این تجمع در اعتراض به عدم واگذاری به موقع واحدهای مسکونی، دو برابر شدن سهم پرداختی اعضا، جلوگیری از ورود اعضا به واحد های خود و آگاهی از روند کار و... صورت گرفت.

روز شنبه ۱۳ اردیبهشت، کارکنان و بازنشستگان شرکت لوله سازی اهواز در مقابل وزارت نفت تجمع کردند. به گزارش پیام، علت تجمع کارمندان شرکت لوله سازی اهواز در مقابل وزارتخانه مطالبه دستمزد معوقه خود و مطالبات ۱۴۰ میلیارد تومانی بازنشستگان و همچنین تعیین تکلیف نیروهای قراردادی و رسمی این شرکت است.

به گزارش ایلنا، بیش از ۱۵۰ تن از بازرسان سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان سراسر کشور، روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت برای چهارمین بار در یک ماه جاری در اعتراض به تبدیل وضعیت استخدامی شان از قرار داد مستقیم به شرکتی، در مقابل ساختمان مجلس رژیم تجمع کردند.

صبح روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت جمعی از کارگران بازنشسته نساجی مازندران در اعتراض به ۴ سال مطالبات معوقه در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که تعداد آنها بیش از ۱۰۰ نفر بود در جریان این تجمع خواستار دیدار با نمایندگان مازندران شدند اما موفق به این دیدار نشدند.

کارگران شرکت مخابرات راه دور شیراز روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت در مقابل اداره صنایع و معادن واقع در بلوار چهل مقام شیراز تجمع کردند. به گزارش بهار ایران، کارگران خشمگین علیه کارگزاران رژیم شعار می دادند و پلاکاردهایی با خود حمل می کردند که روی آنها نوشته شده بود؛ حق و حقوق کارگر پرداخت باید گردد. نیروهای گارد ضدشورش در وحشت از گسترش این حرکت اعتراضی به محل اعزام شدند. کارگران معترض شعار می دادند؛ «حق و حقوق کارگر پرداخت باید گردد»، «زندگی، معیشت، حق مسلم ماست».

به گزارش ایسنا، کارگران کارخانه تبریز کف در روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات شان دست به تجمع در کارخانه زدند. این کارخانه چندین ماه است که حقوق کارگران خود را پرداخت نمی کند و در حال حاضر حقوق اسفند و فروردین ماه این کارگران هنوز پرداخت نشده است.

روز سه شنبه ۱۶ اردیبهشت، تعدادی از ناظران برنج جهادکشاورزی گیلان به منظور تعیین تکلیف وضعیت قراردادی خود مقابل استانداری این استان تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از ناظران به نمایندگی از دیگر همکاران خود دلیل این تجمع را پیگیری مطالبات و تعیین تکلیف وضعیت قراردادی ناظران عنوان کرد. وی اظهار کرد: از ابتدای امسال قرار بود حقوق ما از طریق استانداری گیلان پرداخت شود که تاکنون این اتفاق نیفتاده است.

شماری از رانندگان تاکسی در بیجار روز سه شنبه ۱۶ اردیبهشت در مقابل اتحادیه تاکسیرانی این شهر تجمع و خواستار افزایش نرخ کرایه تاکسی شدند. به گزارش ایرنا، رانندگان تاکسی شهر بیجار نسبت به نرخ فعلی کرایه تاکسی اعتراض داشتند و خواستار افزایش کرایه تاکسی در هر مسیر از سه هزار ریال به پنج هزار ریال شدند.

کارگران و کارکنان مخابرات استانی در روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت در اعتراض به حقوق معوقه و همچنین عدم انعقاد قرارداد در مقابل استانداری اردبیل تجمع کردند. به گزارش هرانا، تجمع کارگران و کارکنان مخابرات استانی به درگیری لفظی بین نیروی انتظامی و تجمع کنندگان منجر شد.

روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت، کارگران سنگ آهن مرکزی بافق در اعتراض به عدم شفاف سازی و پاسخگویی مسئولان درباره روند خصوصی سازی این مجموعه معدنی دست به اعتصاب و تجمع زدند. به گزارش یزدی نیوز، کارگران تجمع کننده با صحبت‌های رئیس شورای شهر بافق نیز که چند روز پیش نیز در جمع گروهی از آنان سخن گفته بود حاضر به برگشت به کار نشدند. به گزارش ماین نیوز، فرماندار شهرستان بافق ظهر روز شنبه ۲۰ اردیبهشت اعلام کرد که؛ باتوافقات صورت گرفته میان کارگران و مسئولان استان، اعتصاب کارگران سنگ آهن چغارت بافق پایان پذیرفت.

روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت، کارکنان مرکز تحقیقات جهاد کشاورزی کردستان عضو تعاونی مسکن جهاد کشاورزی به دلیل عدم واگذاری زمینهای شان در جلو اداره کل منابع طبیعی کردستان تجمع کردند. به گزارش فارس، تکلیف زمینهای هفت آسیاب پس از گذشت ۱۳ سال هنوز مشخص نشده و جدیداً اعلام کرده اند که این زمینها را واگذار نمی کنند.

روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت، کارگران شات دان (اورهال) شرکت فنی مهندسی پتروشیمی واقع در عسلویه متوجه شدند دو نفر از همکارانشان از سوی مدیریت اخراج شده اند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران بعد از مواجهه با این عمل مدیریت به یاری دوستان شان شتافتند و به نشانه اعتراض دست از کار کشیدند و جلوی دفتر مدیریت تجمع کردند. مدیریت شرکت در حالی که از اقدام کارگران غافلگیر شده بود بلافاصله با بازگشت به کار این دو کارگر موافقت کرد.

نمایندگان کارگران مخابرات روستایی چند استان کشور روز شنبه ۲۷ اردیبهشت در اعتراض به وضعیت قرارداد، بیمه و دستمزدشان در مقابل مرکز مخابرات ایران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، طبق بند ۶۲ ردیف ۸۶ قانون بودجه سال ۹۲، مخابرات ایران متعهد به استمرار بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران روستایی طبق شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار است. حدوداً ۱۰ هزار تن در مخابرات روستایی کشور مشغول به کارند که تاکنون قانون مصوب مجلس فقط در خصوص ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تن از این کارگران اجرا شده است. کارگران حاضر در این تجمع از استانهای لرستان، خوزستان، زنجان، آذربایجان غربی، خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی و کرمان به تهران آمدند تا به اجرا نشدن این بند قانونی اعتراض کنند.

روز شنبه ۲۷ اردیبهشت، تعدادی از کارکنان دفاتر خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) روستایی استان اصفهان در مقابل استانداری تجمع کرده و خواستار برقراری حق بیمه و تغییر وضعیت قرارداد خود شدند. به گزارش ایرنا، این تعداد با دردست داشتن بترهایی، خواهان رسیدگی به مشکلات شان از جمله استمرار حق بیمه و تغییر وضعیت قرارداد خود بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی شدند.

کارگران سنگ آهن مرکزی بافق در اعتراض به عدم شفاف سازی سهام آهن بافق در روز یکشنبه ۲۸ اردیبهشت اعتصاب کردند و خواستار رعایت دقیق اصل ۴۴ شدند. به گزارش تسنیم، اعتراض کنندگان روند فعلی واگذاری ۷۱ و نیم

درصد این مجموعه معدنی برای رد دیون دولت و واگذاری و فروش باقیمانده ۲۸ و نیم درصد این مجموعه معدنی از طریق فرابورس بدون لحاظ کردن حق و حقوق کارگران، مردم و مجموعه شهرستان را ناعادلانه می‌دانند.

این شرکت یکی از بزرگترین تولیدکننده‌های سنگ آهن کشور و یکی از صادرکننده‌های این محصول در ایران است. به گزارش فارس، اعتصاب کارگران معدن بافق در اعتراض به نحوه خصوصی‌سازی معادن این شهرستان در روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ادامه یافت.

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، روز شنبه ۲۷ اردیبهشت رانندگان تاکسی در مسیر حسن آباد به میدان آزادی شهر سننج نسبت به افزایش ناچیز کرایه تاکسی در این مسیر از ساعت ۹ صبح به مدت دو ساعت در ایستگاه دوم حسن آباد دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان رسیدگی به مشکلات خود شدند.

به گزارش بهار ایران، شماری از کارگران گروه صنعتی فلات کوه‌رنگ در فرخ‌شهر در چهار محال و بختاری روز شنبه ۲۷ اردیبهشت در مقابل ساختمان این شرکت تجمع کردند. کارگران معترض خواهان بازگشت به کار و پرداخت بیمه بیکاری شدند.

جمعی از کارگران کارخانه ذوب آهن کردستان روز یکشنبه ۲۸ اردیبهشت در حرکتی اعتراضی نسبت به عدم دریافت هفت ماهه حقوق و مزایای قانونی خود در مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کردستان تجمع کردند. به گزارش ایسنا، حدود ۲۵۰ نفر از کارگران کارخانه ذوب آهن قروه حدود یکسال است که از کار بیکار شده و هیچ کس پاسخگو نیست. طبق اطلاعات موجود قرار است کارخانه ذوب آهن کردستان منحل شده و به طور کامل تعطیل شود.

به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت تعداد کثیری از کارگران شرکت فولاد زاگرس کردستان با در دست داشتن پلاکاردی اعتراضی قدام به اعتراض و راه پیمایی در خیابانهای شهر سنندج کردند. در طی مسیر آنان با گذشتن از خیابانهای اصلی و مرکزی سنندج (خیابان فردوسی و خیابان شاهپور و خیابان استانداری) در مقابل استانداری تجمع کردند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۱۵۰ تن از کارگران اکیپهای اجرایی شرکت جیسون که یکی از زیرمجموعه های شرکت پترو پارس واقع در فاز ۱۲ پارس جنوبی است روزهای دوشنبه ۲۹ و سه شنبه ۳۰ اردیبهشت دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. این کارگران در چهار ماه گذشته تنها بخشی از حقوق بهمن ماه و بخشی از حقوق اسفند خود را دریافت کرده و مابقی حقوق این دوماه و ماههای فروردین و اردیبهشت آنان هنوز پرداخت نگردیده است.

صبح روز شنبه ۲۷ اردیبهشت جمعی از کارگران فصلی «مجتمع کشت صنعت کارون شوشتر» در واکنش به محقق نشدن مطالباتشان در مقابل ساختمان سازمان تامین اجتماعی واقع در خیابان آزادی تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر حدود ۲ هزار تن به صورت فصلی به حرفه نی بری مشغول به کار هستند.

چندین سال است که کارگران نی بر از کارفرما و مسئولان استانی خواستار پرداخت معوقات بیمه‌ای، اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور و طرح طبقه بندی مشاغل هستند که تا به امروز این خواسته آنها به طور کامل بر آورده نشده است. تجمع کارگران نی بر شوشتر برای دومین روز متوالی در روز یکشنبه ادامه یافت.

روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت تجمع اعتراضی کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر در مقابل ساختمان سازمان تامین اجتماعی وارد سومین روز شد. این تجمع اعتراضی در چهارمین روز خود در روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت با وعده های مسئولان دولتی خاتمه یافت.

کارگران سهامدار بازنشسته گروه صنعتی آردل صبح روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت در مقابل شرکت صنعتی آردل تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع کارگران خواستار پرداخت سهام معوق خود از ۲۰ سال گذشته تاکنون شدند.

کارگران کارخانه سیمان دشتستان از روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت به منظور پیگیری مطالبات صنفی خود از خوردن غذا در



کارخانه خودداری کردند. به گزارش ایلنا، مهم ترین خواسته کارگران این کارخانه موضوع تغییر عنوان شغلی در قرار دادهای کار است که باعث محرومیت کارگران از مزایای قانونی شده است. این اعتصاب در روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت وارد ۱۷ امین روز خود شد.

حرکتهای کارگری در اول ماه مه

روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت مصادف با روز جهانی کارگر دهها

تن از اعضای سندیکاها و فعالان کارگری که قرار بود از متروی آزادی تا مقابل وزارت کار راهپیمایی کنند بازداشت شدند. نیروی انتظامی، لباس شخصیها و مزدوران بسیجی در اطراف خیابان آزادی و حتی داخل کوچه ها را با زرهپوش و گاردهای موتوری کنترل می کردند.

نیروهای امنیتی مانع برگزاری وگردهمائی کارگران در محل وزارت کار شدند. کارگران و فعالان کارگری در گروههای چند نفره به صورت پراکنده در اطراف خیابان و کوچه های منتهی به وزارت کار منتظر فرصت بودند که از ساعت حدود ۱۰ صبح با ضرب و شتم نمودن آقای شاهپور احسانی راد از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران، هنگام بلند کردن پلاکارد و دستگیری ایشان، تحریکات بیشتری از طرف کارگران صورت گرفت که به بازداشت خانم پروین محمدی عضو دیگر هیات مدیره این اتحادیه و نیز تعدادی از امضاء کنندگان طومار ۴۰ هزار تن از کارگران، روند دستگیری کارگران، ابعاد بیشتری پیدا کرد.

در اهواز کارگران کارخانه لوله سازی اهواز برای تجمع در جلوی استانداری دست به راهپیمایی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در سنج کارگران و فعالان کارگری با راهپیمایی در طول خیابان گلشن، مراسم روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

در سنج کارگران اتحادیه کارخانجات پارچه بافی و اتحادیه نانوایان این شهر در خیابان سیروس دست به تجمع اعتراضی زدند و شعارهای ضدحکومتی سر دادند.

در خرم آباد کارگران با پلاکاردهایی که بر روی آن نوشته بود «ما حق زن و بچه هایمان را می خواهیم»، دست به تجمع زدند.

در ساوه کارگران کارخانه کاغذ سازی کاوه، در مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. در بانه مراسم روز جهانی کارگر با حضور شماری از زنان و مردان برابری طلب و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری برگزار گردید.

در پاره جمعی از فعالان کارگری این شهرستان با پخش شیرینی در میان کارگران سد داریان و قرنی اول ماه مه را گرامی داشتند.

به گزارش افق روشن، در رشت تعدادی از کارگران فولاد گیلان در شهر صنعتی رشت روز پنجشنبه اول ماه مه را تعطیل کرده و بر سر کار نرفتند.

در کرمانشاه جمع کثیری از کارگران کارخانه نوشابه سازی زمزم با حضور در محوطه این شرکت، روز جهانی کارگر را جشن گرفتند.

به گزارش سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک، روز جمعه ۱۲ اردیبهشت وقتی کارگران برای برگزاری مراسم گلگشت



کارگری به محل تعیین شده رسیدند حضور ماموران باعث جلوگیری مراسم شد و تعدادی از کارگران همچون آقای مازیار گیلانی نژاد مسئول روابط عمومی این سندیکا بازداشت شدند.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

راهپیمایی زنان مراکشی برای اجرایی شدن قانون برابری جنسیتی

دیلی استار، ۱۳ آوریل ۲۰۱۴ - یک گروه هشتصد نفری که بیشتر آنان را زنان تشکیل می دادند، جهت تضمین اجرای برابری جنسیتی مندرج در قانون اساسی در سراسر کشور، اقدام به برگزاری راهپیمایی کردند. راهپیمایی مزبور توسط ائتلاف مدنی "درخواست بند ۱۹ قانون اساسی" که بیش از پانصد سازمان غیردولتی زنان، حقوق دانان و وکیل و تشکلهای مدافع حقوق بشر و زنان را در بر می گیرد، برگزار شده و خواستار بازبینی وسیع تمامی قوانین تبعیض آمیز است. شرکت کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون "امنیت زنان در مراکز عمومی" و "برابری جنسیتی به مثابه یک حق و نه یک امتیاز"، بر مطالبات شان پای فشردند. بند نوزده قانون اساسی مراکش تصریح می کند که زن و مرد از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی برابر برخوردارند. اما قانون مزبور هنوز از سوی دولت مراکش که توسط حزب اسلامگرای "عدالت و توسعه" رهبری می شود، اجرا نگردیده است. راهپیمانان، دولت مراکش را به طفره رفتن از اجرای قانون مزبور متهم می کنند. مدیر "ائتلاف مدنی درخواست اجرای بند نوزده قانون اساسی" ابزار می دارد که دولت همچنان از اجرای قانون منع هرگونه تبعیض و اعمال خشونت علیه زنان طفره می رود. این ائتلاف، خواستار ارایه عریضه ای به نخست وزیر کشور جهت اجرای قوانین مدافع حقوق زنان شده است. براساس آمار رسمی، ۶۲ درصد از زنان مراکش بین سن ۱۸ تا ۶۴ سال در دوره ای در طول زندگی شان قربانی اعمال خشونت خانگی شده اند. سال گذشته مدافعان حقوق بشر خواستار اصلاح بند ۴۷۵ قانون کیفری کشور شدند که محکوم تجاوز جنسی را در صورت ازدواج با قربانی خویش، از مجازات به خاطر عمل شنیع خود معاف می کند.

زنان لبنانی در صف مقدم دو صحرایی جهت رفع تبعیض جنسیتی

خبرگزاری الجزیره، ۵ مه ۲۰۱۴ - برای دومین سال پیاپی، زنان لبنانی با برگزاری "کمپین دو صحرایی (ماراتون)" در بیروت، پایتخت کشور لبنان، بر خواست شان مبنی بر رفع تبعیض جنسیتی اصرار ورزیدند. زنان از هر گروه سنی با شرکت در این رویداد که هدفش پیشرفت و اصلاح حقوق و موقعیت زنان است، شرکت جستند. بخش قابل توجهی از مردان نیز با شرکت در کمپین مزبور در حالی که شعار می دادند "به پیش، برگشت به عقب ممکن نیست"، بر نگرش جنسیتی مهر باطل کوبیدند. یکی از مردان شرکت کننده به "خبرگزاری العربیه" ابراز داشت که مردان نیز خواهان رفع تبعیض جنسیتی هستند، زیرا موقعیت مردان نیز تحت تاثیر اصلاح شرایط زنان، تغییر و اصلاح می گردد. آنها خواهان خشنودی زنان هستند. "کمپین دو صحرایی" بخشی از فعالیت کنشگران جنبش برابری طلبانه در لبنان است که مترصدند تا با ابتکار و خلاقیت از شیوه های گوناگون جهت دستیابی به حقوق جنسیتی برابر بهره برند. در اوایل سال ۲۰۱۳ برخی از زنان لبنانی با رقصیدن مقابل پارلمان خواستار فوریت در تصویب قانون رفع خشونت خانگی علیه زنان شدند. حرکت مزبور تاثیر بسزایی در تصویب قانون مزبور توسط دولت داشت. بر اساس گزارش دیدبان حقوق بشر، تصویب قانون ضد خشونت خانگی در لبنان به اصلاح شرایط زنان در عرصه هایی مربوط به نظم و آرامش همگانی و دادگاه شد ولی در برخورد به تجاوز جنسی و اعمال آزار و اذیت در چارچوب خانواده و زناشویی، ناقص است. بدین جهت، دفاع از حقوق بنیادین زنان را در برنمی گیرد و امنیت شان را تامین نمی کند.

کارگران زن ویتنامی، نقش برجسته در اشتغال و کار خانگی

صدای آمریکا، شبکه خبری زنان، ۲۳ آوریل ۲۰۱۴ - در حالی که جامعه ویتنام با معضلاتی چون بیکاری و تبعیض جنسیتی درگیر است، ولی از نظر مشارکت زنان در عرصه اقتصاد، پیشرفت کرده است.

سخنگوی "فوروم زنان در اشتغال"، خانم "آنجلا" می گوید: "زنانی که در ویتنام دارای فرزند هستند و بیرون از خانه کار می کنند، از نظر سپردن فرزندان شان به مهدکودک در شرایط بهتری نسبت به زنان در اروپا قرار دارند. یکی از مهمترین دلیل این موضوع، وجود امکانات همگانی نگهداری فرزندان زنان کارگر با قیمت مناسب در کشور ویتنام است. اصلاح ساختار فرهنگی و عقب نشینی سنت و آداب و رسوم کهنه یکی دیگر از دلایل افزایش مشارکت زنان در عرصه تولیدی کشور عنوان شده است." بسیاری از مردان ویتنامی تحت تاثیر تغییر ساختار فرهنگی حاکم بر جامعه، بیشتر از پیش به همکاری و مشارکت در کار خانگی، از جمله نگهداری از فرزندان شان به هنگام اشتغال همسران خود می پردازند. این تغییر فرهنگ به مناسبات خانوادگی در چارچوب خانه منحصر نمی شود، بلکه شرکتهای کوچک و بزرگ تولیدی نیز به تغییر شکل و فرم استخدام جهت کارورزی بیشتر زنان مبادرت ورزیده اند.

براساس گزارش سازمان جهانی کار، ویتنام در سال ۲۰۱۲، جزو کشورهایی بود که نرخ تضاد جنسیتی در عرصه اشتغال آن برابر با سی درصد بود. میزان مشارکت زنان ویتنامی در نیروی کار، در سال ۲۰۱۲، ۷۳ درصد گزارش شده است. میزان مزبور در آمریکای جنوبی برابر با ۵۷ درصد و برای کشور چین، ۶۴ درصد از سوی بانک جهانی گزارش شده است. خانم آنجلا اضافه می کند که اهمیت، فوریت و ضرورت مشارکت زنان در تولید اقتصادی و اجتماعی جهت کاهش تضاد جنسیتی می بایست نه تنها به مردان تعلیم داده شود، بلکه زنان نیز می بایست بیاموزند که قادرند به اندازه مردان در توسعه و پیشرفت اقتصادی نقش آفرین و موثر باشند.



مشارکت زنان در نیروی کار مالزی

مالازیا دای جت، ۸ می ۲۰۱۴ - سهم زنان مالزی از نیروی کار کشور در سال ۲۰۱۳، ۵۲.۴ درصد گزارش شده است که برابر با ۵۲ زن در هر ۱۰۰ شهروند زن در این کشور است. در سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴، ۶۸ درصد از دانشجویان مراکز علمی و دانشگاهی، زن بودند. با این حال بر اساس گزارشهای دولتی، زنان تنها ۳.۲ و زنان با مدرک تحصیلی دانشگاهی، ۱۴.۸ درصد از مدیران شرکتهای

را تشکیل می دهند. وزیر امور خانوادگی، ارتباطات و توسعه مالزی با اشاره به آمار مزبور ابراز می دارد که با توجه به وجود زنان تحصیل کرده دارای مدارک دانشگاهی و متخصص، میزان شرکت آنان در حوزه مدیریتی بسیار ناچیز است.

تصویب قانون جهت جلوگیری از تشدید اعمال خشونت خانگی در اسکاتلند

بی بی سی، ۸ می ۲۰۱۴ - تصویب قانونی که به پلیس اجازه می دهد تا زنان را از سابقه دوست پسر و یا همسر آینده خود در حوزه اعمال خشونت آگاه سازد، در دستور کار دولت اسکاتلند قرار گرفته است. قانون مزبور برای یادآوری قتل خانم "کلیر وود"، سی و شش ساله که در سال ۲۰۰۹ توسط دوست پسر سابقش خفه و سپس سوزانده شد، نام وی را بر خود حمل می کند. طرح مزبور که از سوی رییس پلیس کل کشور به دولت پیشنهاد شده، مورد استقبال مدافعان و فعالان حقوق بشر و زنان قرار گرفته است. چنین قانونی، در برخی کشورها از جمله انگلستان به تصویب رسیده است. خانم "لیلی گرینان"، مدیر نهاد حمایت از زنان اسکاتلند در این رابطه ابراز می دارد که خشونت خانگی پدیده ای مجزا و انتزاعی نیست، بلکه به شیوه رفتار همسرانی ربط پیدا می کند که مترصدند تا دوست دختر و یا همسر خویش را در شرایط رعب و وحشت قرار دهند. مجرمان در روند حفظ و ثبت کنترل و اتوریته خویش تا سرحد آزار و اذیت فیزیکی، جسمی، جنسی و قتل پیش می روند. آمار رسمی نهادهای دولتی در اسکاتلند بیانگر رشد ۵۰ درصدی خشونت خانگی در ماه مارس ۲۰۱۴ در مقایسه با همین ماه در سال گذشته است.

قاجاق انسان شکل‌های گوناگونی دارد

شبکه خبری زنان، ۲۵ آوریل ۲۰۱۴ - قاچاقچیان در سراسر جهان به استثمار و بهره‌کشی جنسی و جسمی قربانیان شان می‌پردازند. بیش از صد هزار دختر جوان به شهرهای آمریکا، جهت بهره‌کشی جنسی قاچاق می‌شوند. در کشور غنا، قربانیان را ساعتهای طولانی در قایقهای فرسوده، زیر آفتاب داغ و سوزنده به ماهیگیری وادار می‌سازند. قاچاق انسان، به ویژه دختران و زنان، پدیده‌ای جهان شمول است که توسط سه عامل اصلی اجبار، کلاهبرداری و تهدید هویت می‌یابد. خانم "لورن"، مدیر "برابری اکنون" در نیویورک، در این رابطه تاکید دارد که حقایقی که قربانیان رها یافته عنوان می‌دارند، نه تنها از این بابت که موجب یکدلی در مبارزه با معضل قاچاق انسان می‌شود، بلکه از این نظر که قربانیان رها شده بهتر از دیگران قادرند رویکردهایی که در مبارزه علیه پدیده مزبور کارایی دارند را تشخیص دهند نیز قابل اهمیت و تعمق است. شرکت کنندگان در نشست حقوق زنان سازمان ملل امسال بر واکنش جدی علیه معضل قاچاق انسان در رفع ستم بر زنان تاکید کردند. یکی از فعالان حقوق زنان در نشست مذکور بر مجازات شدیدتر مجرمان در چارچوب قوانین کشورها اصرار ورزید. در این راستا، در کشورهای سوئد، نروژ و سوییس، "مدل نوردیک" که شامل تصویب قوانین کیفری شدیدتری برای قاچاقچیان انسان می‌شود، اجرایی گردیده است. بر پایه مدل مزبور، به شهروندان تعلیم داده می‌شود که خریداری آمیزش جنسی، امری زیان آور برای فرد و جامعه است. با این وجود، به گزارش نهادهای حقوق بشری، اجرای طرح مزبور هیچ تاثیری در کاهش قاچاق انسان در کشورهای اجرا کننده آن نداشته است.

تشویق به ازدواج مجدد، راه حل حکومتی برای بحران زنان سرپرست خانوار

خبرگزاری دولتی ایلنا مورخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۹۳، به جزییات طرح تشویق زنان سرپرست خانوار از سوی حسین انوری، سرپرست کمیته امداد خمینی پرداخته است. بر پایه این گزارش، فرد مزبور می‌گوید: "زنان سرپرست خانوار و فرزندان شان به غیر از مشکلات اقتصادی با مشکلات دیگری نیز روبرو هستند که با ازدواج مجدد می‌تواند بسیاری از آنها را مرتفع کند." قانون حمایت از زنان سرپرست خانوار بیش از سه دهه در دستور کار دولتهای مختلف ولایت فقیه قرار گرفته ولی هنوز اجرایی نگردیده است. کارگزاران رژیم به بهانه های گوناگون از جمله نداشتن بودجه کافی تاکنون از اجرای قانون مزبور سر باز زده اند. این در حالیست که ساختار استبدادی حاکم، از بدو قدرت گیری همواره بودجه نظامی را در راستای سرکوب داخلی، صدور تروریسم و حمایت از دولتهای خودکامه در منطقه افزایش داده است.

طرح تشویق زنان سرپرست خانوار به ازدواج مجدد با هدف برون رفت از بحران زنان سرپرست خانوار بار دیگر پرده از تفکر ارتجاعی و زن ستیزانه گردانندگان جمهوری اسلامی برمی‌دارد که نه تنها زنان را به عنوان شهروندان مستقل به شمار نمی‌آورد، بلکه پا را فراتر گذاشته و محروم ترین لایه جامعه (زنان سرپرست خانوار) را به قیومیت ازدواج برای رهایی از فلاکت معیشتی وادار می‌سازد. حکومتی که زنان را جنس دوم می‌داند، برای آنها هویت مستقل قایل نیست و نقش اصلی زنان در خانواده را انکار می‌کند، به این شیوه مبتذل در برابر زنان سرپرست خانوار از خود رفع تکلیف و مسوولیت می‌نماید. بهبود و اصلاح موقعیت زنان محروم سرپرست خانوار با راه حل و رویکردهای سرچشمه گرفته از فرهنگ پدرسالاری ممکن نیست. وضعیت ناگوار و بغرنج زنان سرپرست خانوار، به مانند دیگر اقشار و طبقات زحمتکش جامعه، برآمد سمت گیریها و برنامه های اقتصادی - سیاسی رژیم حاکم است. زنان سرپرست خانوار جهت رهایی از دهه ها تیرگی راهی به جز نبرد در دو جبهه اجتماعی و صنفی، تا افق فروپاشی نظام استبدادی حاکم ندارند.

"ترس" یکی از مهمترین دلایل مداخله نکردن زنان در مسایل سیاسی

شبکه خبری زنان، ۲۲ آوریل ۲۰۱۴ - موسسه معروف "آفروبارومتر" در یک سلسله تحقیقات بسیار وسیع و جامع پیرامون عدم شرکت زنان در مسایل سیاسی، به ویژه در کشورهای آفریقایی آشکار ساخت که در بین بیش از پنجاه هزار شهروند در ۳۴ کشور جهان، "وحشت آفرینی" یکی از عوامل شرکت نکردن زنان در فعالیتهای سیاسی کشورشان است. زیمبابوه، گینه و کنیا جزو کشورهایی هستند که در آنها مشارکت زنان در مسایل سیاسی و اجتماعی در کمترین میزان قرار دارد. شرایط کشورهای آفریقای شمالی، الجزایر، مصر، مراکش، سودان و تونس نیز از نقطه نظر مزبور مناسب نیست.

تحقیقات یاد شده اضافه می کند که زنان و دختران در سراسر جهان، به طور برابر با مردان از امکانات آموزشی و اقتصادی جهت مشارکت قدرت سیاسی و تصمیم گیری به ویژه در پهنه رهبری برخوردار نیستند. ۶۴ درصد از ۷۷۴ میلیون بزرگسالان بیسواد جهان را زنان تشکیل می دهند. دستمزد زنان کارگر، ۷۰ تا ۹۰ درصد دستمزد همکاران مرد ایشان است. اکثریت مدیران و رهبران سیاسی جهان مرد هستند، برای مثال، زنان کمتر از ۲۱ درصد نمایندگان پارلمانهای آفریقا را تشکیل می دهند.

طرح قانونی کردن ازدواج با دختر بچه های ۹ ساله در عراق

خبرگزاری پارالس، ۱۳ می ۲۰۱۴ - در حالی که حداقل سن قانونی ازدواج دختران در کشور عراق، هیجده سال است، ارایه پیش نویس قانونی که اجازه ازدواج با دختران نه ساله را به مردان می دهد، موجبات درگیری نمایندگان مجلس از یکسو و خشم و نفرت فعالان حقوق بشر و حقوق زنان از دیگر سو شده است. مدافعان حقوق زنان و کودکان در عراق به تصویب پیش نویس قانون جدید خانواده این کشور که سن ازدواج دختران را از ۱۸ سال به ۹ سال کاهش می دهد، اعتراض دارند. "حنا ادوار"، رییس انجمن "العمل" که برای بهبود وضعیت اجتماعی اقتصادی مردم عراق تلاش می کند، در این باره می گوید: "یک دختر بچه ۱۲ ساله مادر می شود و در هیچ جا نه بچه و نه مادر ثبت نشده اند. بنابراین نه شناسنامه ای در کار است، نه حقوقی وجود دارد و نه خدمات اجتماعی ارایه می شود. این دخترها از تحصیل هم محروم می شوند."

به گزارش مرکز "تحقیقات جهانی" ادوار اعلام کرد که بر اساس برآوردها هم اکنون نیز نیمی از دختران مناطق روستایی عراق بیسواد هستند. با این همه فعالان زنان بیم آن را می دهند که با قانونی شدن ازدواج با دختر بچه ها، چنین ازدواجهایی که هم اینک نیز در حال افزایش است، در سایه قانون گسترش یابد.

پیش نویس قانون مزبور شامل مواردی می شود که به طور کلی با توجه به قانون کنونی عراق، یک پسرقت و حمله به حقوق بنیادین زنان عراق به شمار می آید. طبق پیش نویس قانون جدید، در صورت طلاق میان زن و شوهر، حق سرپرستی فرزند غیربالغ آنها به ویژه اگر بالای دو سال سن داشته باشد، بدون اما و اگر به پدر تعلق می گیرد. افزون بر این، مرد حق دارد که در همه حالات خواهان رابطه جنسی با زن شود، حتی اگر او مایل نباشد.

قانون جدید موجب کنار گذاشته شدن قانون خانواده ۱۹۵۹ خواهد شد که به خصوص به لحاظ به رسمیت شناختن مسایلی مانند میزان ارث بری زن و حق سرپرستی او یکی از پیشروترین قوانین خانواده در منطقه محسوب می شود. در قانون جدید، ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان ممنوع شده و زنان برای ازدواج در هر سنی باید اجازه قانونی پدر را داشته باشند. همچنین در یکی دیگر از بندهای مورد مناقشه پیش نویس، زنان بدون اجازه شوهران خود حق خروج از خانه را ندارند. این نخستین بار نیست که دولت ارتجاعی نوری مالکی به تصویب قوانینی از این دست، قصد تهاجم و حمله به حقوق زنان عراقی را دارد. تلاش وی برای تصویب قانونی مشابه در سال ۲۰۰۳ و بلافاصله پس از حمله آمریکا به عراق به دلیل مقاومت نیروهای سکولار ناکام ماند. روز جهانی زن امسال نیز، اعتراضاتی در برخی خیابانهای بغداد، پایتخت عراق، علیه پیش نویس قانون جدید خانواده صورت گرفت. براساس گزارش خبرگزاریهای عراقی و بین المللی، شورای وزرای عراق پیش نویس قانون خانواده جدید را تصویب کرده است.

ترکیه و میزان مشارکت زنان در ساختار قدرت

تو- دیز زمان، ۹ مه ۲۰۱۴ - بر پایه گزارش مرکز توسعه و برابری جنسیتی سازمان ملل، ۱۴.۲ درصد از کرسیهای مجلس ترکیه به زنان تعلق دارد. این درصد، پایین تر از متوسط میزان جهانی که برابر با ۲۸.۴ درصد است، می باشد. افزوده بر این، نرخ شرکت زنان بالای سن پانزده سال در نیروی کار کشور مزبور برابر با ۲۸.۱ درصد می باشد. بدین ترتیب، ترکیه در رابطه با مقوله برابری جنسیتی در بین ۱۸۷ کشور جهان، رتبه ۶۸ را به خود اختصاص داده است.

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

"آنکه مبارزه می کند ممکن است شکست بخورد، آنکه مبارزه نمی کند شکست خورده است" (رزا لوکزامبورگ (۱۹۱۹) - (۱۸۷۱)، مارکسیست انقلابی لهستانی و یکی از تاثیر گذارترین رهبران طبقه کارگر آلمان، او به همراه کارل لیبنکشت، جناح چپ و ضد امپریالیست حزب سوسیال دموکرات آلمان را بنیان گذاشت و بعدها گروه "اسپارتاکوس" که از دل حزب کمونیست آلمان زاده شد را تشکیل داد. رزا لوکزامبورگ در ۱۵ ژانویه ۱۹۱۹ در خیابانی در برلین به همراه کارل لیبنکشت توسط آدمکشان حکومت میلیتاریست آلمان به قتل رسید."

فیلم

دومین قسمت فیلم مرد عنکبوتی پرفروش ترین فیلم آمریکا شد

دومین قسمت "مرد عنکبوتی" که در نخستین تعطیلات آخر هفته به روی پرده سینما رفت، در سینماهای آمریکا حدود ۹۲ میلیون دلار فروش داشت. این فیلم ۱۱۶ میلیون دلار هم فروش جهانی داشت. احتمال داده می شود که این فیلم پرفروش ترین فیلم سال گردد. کمپانی سونی، سازنده رشته فیلمهای مرد عنکبوتی، دو قسمت دیگر از این مجموعه را در دست تولید دارد که در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ به نمایش در خواهند آمد.

پخش مسابقات فوتبال جام جهانی برای تماشاچیان مختلط ممنوع شد

در پی اعلام ممنوعیت پخش مسابقات فوتبال جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل در سینما در صورت مختلط بودن تماشاچیان، آقای اشرفی، رییس انجمن سینماداران گفت: "اگر واقعا نظر نیروی انتظامی بر این باشد که خانواده ها نتوانند همراه یکدیگر در سینماها مسابقات را تماشا کنند، ما هم از پخش مسابقات فوتبال صرف نظر می کنیم." پیشتر احمدرضا رادان، جانشین فرمانده نیروی انتظامی رژیم گفته بود: "سینماها می توانند به صورت جداگانه یک سالن را به زنان و دیگری را به مردان اختصاص دهند، اما پخش به صورت مختلط ممنوع است." این در حالیست که رییس انجمن سینماداران گفته بود، هدف از پخش مسابقات فوتبال در سالنهای سینما "گردهم آمدن خانواده ها با هدف فراهم آوردن ساعاتی برای یک تفریح سالم است".

شصت و هفتمین جشنواره فیلم کن با فیلم "ریس موناکو" آغاز شد

شصت و هفتمین جشنواره فیلم کن از چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت، در ساحل دریای مدیترانه در جنوب فرانسه آغاز به کار کرد. آغازگر این جشن سینمایی فیلم گریس موناکو (Grace of Monaco) است که بر اساس داستان زندگی "گریس کلی"، ستاره سابق هالیوود و همسر درگذشته حکمران پیشین موناکو ساخته شده است.

نقش پرنسس گریس را "نیکول کیدمن" بازی می کند و داستان آن درباره روزهای بحرانی دوران زناشویی او با پرنس "راینه" سوم، حکمران موناکو است. داستان در اوایل دهه ۱۹۶۰ و درگیری میان موناکو و فرانسه تحت حکمرانی شارل دوگل می گذرد.

"تیم راث"، "فرانک لانگلا" و "درک جاکوبی" بازیگران دیگر گریس موناکو هستند.



"خداحافظ زبان" اثر "ژان لوک گدار"، "دو روز و یک شب"، از "ژان پیر" و "لوک داردن"، "آقای ترنر" از "مایک لی"، "ابره‌ای سیلس ماریا" از "اولیویر آسایاس"، "خواب زمستانی" از "نوری بیلگه جیلان" و "جیمی هال" از "کن لوچ" برخی از فیلمهای مطرح بخش اصلی جشنواره امسال هستند.

لیلا حاتمی، بازیگر سینمای ایران در هیات داوران بخش مسابقه حضور دارد. این اولین بار پس از سال ۲۰۰۹ است که اکثریت هیات داوران کن را زنان تشکیل می دهند.

فیلم جدید رضا علامه زاده به مادران خاوران تقدیم شد

فیلم داستانی- مستند "با من از دریا بگو" ساخته رضا علامه زاده روز شنبه ۱۷ مه / ۲۷ اردیبهشت در شهر کلن به نمایش درآمد. این فیلم به کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ پرداخته و به مادران خاوران تقدیم شده است.



رضا علامه زاده در گفت و گو با "دویچه وله" در مورد ایده شکل گیری این فیلم می گوید: "این جستجوی تصویری ذهن من برای یافتن پاسخ این پرسش است

که چگونه "رویای" یک ملت به "کابوس" بدل شد. من سالها تصمیم داشتم که درمورد کشتار سال ۱۳۶۷ در ایران فیلمی بسازم و در نهایت با مشکلات بسیار موفق به این کار شدم."

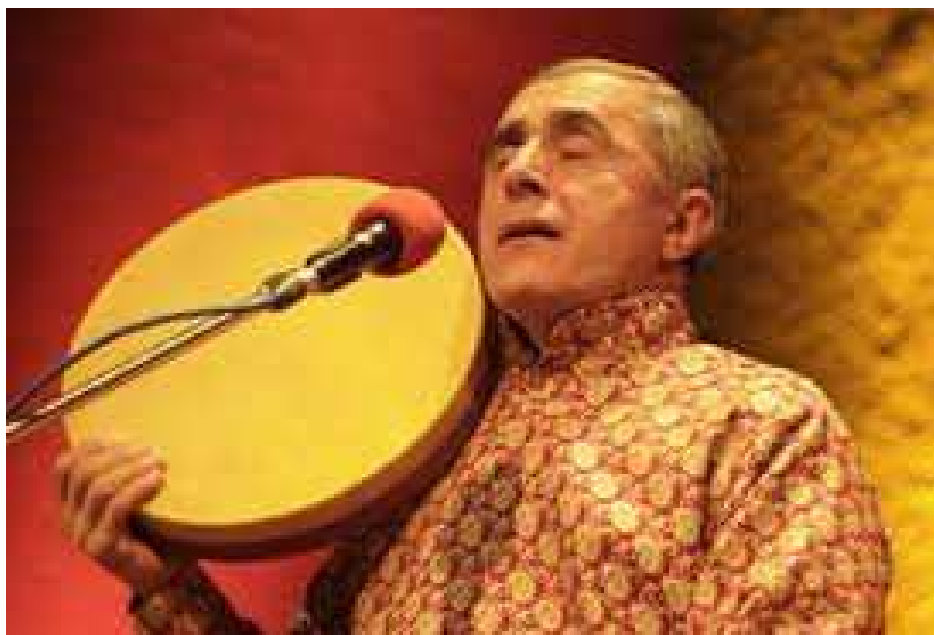
به گفته رضا علامه زاده، مشکل بسیار بزرگی که در ساخت این فیلم وجود داشت، فقدان تصویر و یا صدا از تمامی کشتارهای دهه ۶۰ بود.

موسیقی

لغو کنسرت عالیم قاسم اف در

تبریز

کنسرت هنرمند برجسته آذربایجانی، "عالیم قاسم اف" در تبریز لغو شد. این کنسرت قرار بود روز ۶ خرداد با اجرای قطعه "ساری گلین" برگزار شود، اما سپس اعلام گردید که لغو گردیده است. علت برهم خوردن کنسرت، "پیش آمدن سفری ضروری برای قاسم اف" عنوان شده است.



بعد از اجرای برنامه توسط عالیم قاسیم اف در سالن میلاد نمایشگاه بین المللی تهران که با استقبال بسیاری از مخاطبان نیز همراه شد، مقرر شد وی بار دیگر برای اجرای کنسرت به تبریز سفر کند.

نارضایتی مسکو از پیروزی "خواننده همجنس باز" در یورو ویژن



پس از پیروزی خواننده تراجنسی اتریشی با ترانه "همچون ققنوس برخیز"، "ویتالی میلونف"، نماینده مجلس روسیه، با عصبانیت این خواننده تراجنسی که با لباس زنانه ظاهر می شود را "تبلیغ آشکار همجنس بازی و انحطاط معنوی" خواند.

"کونچیتا ورست"، خواننده اتریشی در مسابقه سالانه خوانندگی اروپا از رقیب روسی خود سبقت گرفت. این مسابقه همه ساله در میان کشورهای اروپایی برای انتخاب خواننده

برتر سال برگزار می شود و طرفداران بیشماری در همه این کشورها دارد.

کشورهای محافظه کار اروپای شرقی همچون روسیه، بلاروس و ارمنستان از برگزار کنندگان "یورو ویژن" خواستند تا ورست را از دور مسابقات حذف و یا پخش زنده برنامه او در سراسر اروپا را سانسور کند. در بعضی از شهرهای روسیه تماشاچیان ورست را هتک کردند.

ناظران سیاسی واکنش روسیه به این رویداد را نشانه شکاف بین آزادیخواهان نواندیش و محافظه کاران سنتی در غرب و شرق اروپا می دانند.

ورست ۲۵ ساله که نام اصلیش "توماس نیوورت" است و به دلیل تفاوتهايش رنج زیادی در کودکی کشیده، پس از بازگشت به کشورش گفت: "پیروزی دیروز تنها متعلق به من نیست، این موفقیت همه کسانی است که به آینده ای بدون تبعیض می اندیشند، آینده ای مبتنی بر مدارا و احترام. چیزی که مرزها را درنوردیده و شرق و غرب نمی شناسد." وی افزود: "آنچه برای من مهم است این است که ۸۰ درصد طرفدارانم از کشور روسیه و اروپای شرقی هستند."

دستگیری رقصنده های کلیبی در ایران

حسین ساجدی نیا، فرمانده نیروی انتظامی می گوید همه کسانی که در نسخه ایرانی موزیک ویدیوی آهنگ خوشحال

(Happy) ساخته "فرل ویلیامز" در ایران نقش آفرینی کردند، شناسایی و بازداشت شده اند.



در این ویدیو کلیپ چند دختر و پسر ایرانی نشان داده می شود که با آهنگ "هیپی" در کوچه های تهران و روی پشت بام در حال رقصیدن هستند. این ویدیو در روزهای اخیر دهها هزار بیننده داشته است.

ساعاتی پس از اعلام خبر بازداشت این عده، "فرل ویلیامز" در صفحه فیس بوک خود

نوشت: "بسیار مایه تاسف است که این بچه ها به خاطر تلاش برای ترویج شادی دستگیر شده اند."

بازسازی ویدیوی "هیپی" که از موفق ترین و پرفروش ترین ترانه های ماه های اخیر بوده است، در سراسر جهان رایج شده است و صداها نمونه از بازسازی این ویدیو و رقصیدن جوانان با این آهنگ در فضای مجازی دیده می شود.



اسنودن به جای جیمز باند

تهیه کنندگان مجموعه فیلمهای "جیمز باند" قصد دارند بر مبنای کتاب تازه انتشاریافته "گلن گرینوالد"، خبرنگار روزنامه بریتانیایی "گاردین" با مضمون افشاگریهای "ادوارد اسنودن" فیلمی بسازند.

"نه جایی برای پنهانکاری"، نوشته گلن گرینوالد که در سه شنبه ۲۳ اردیبهشت (۱۳

مه) انتشار یافت، در این فاصله کوتاه بازتاب رسانه ای گسترده ای داشته است.

گرینوالد در این کتاب در مرزهای بین یک تریلر سیاسی مهیج و کتابی علمی درباره تحلیل داده های اینترنتی، تصویری از چگونگی همکاری اش با ادوارد اسنودن به دست می دهد.

اکنون "مایکل جی ویلسن" و "باربارا بروکلی"، مدیران شرکت "ای او ان" (EON) که فیلمهای جیمز باند را تهیه می کنند، اعلام کرده اند که حقوق این اثر را خریده اند و قصد دارند به جای فیلم تازه ای از جیمز باند، افشاگری اسنودن درباره فعالیت‌های جاسوسی آژانس امنیت ملی آمریکا را روی پرده بیاورند. آنها از افشاگری اسنودن به عنوان "یکی از مهم ترین رویدادهای سیاسی عصر" یاد کرده اند.

طنز

شعر طنزی که روزنامه قانون را توقیف کرد

روزنامه "قانون"، وابسته به طیف حامیان روحانی، پس از انتشار شعر طنز زیر در باره "همایش دلواپسان" توقیف شد. گردهمایی مزبور از سوی مخالفان دولت و نوشیدن "جام زهر" برگزار شده بود.

این چند روز کشمکش و گیر، مد شده

"دلواپسی" به طرز فراگیر، مد شده

گویا "حسن" مزاحم کسب کسی شده

در یک گروه باعث "دلواپسی" شده

دلواپس حساب و کتابند عده ای

دلواپسان پشت نقابند، عده ای

تحریم نیست تا دو قران کاسبی کنند

بایست فکر کاسبی جانبی کنند

ماهی گرفته اند و گل آلود کرده اند

خوب از جدال و ترس و تنش، سود کرده اند

دلواپسند، از تبعات خطایشان

از لوله های نفت سر سفره هایشان

گویند: کاش "باز همافر" برآمدی

وین دوره حساب کشیدن سر آمدی

دلواپسند عقل و درایت اثر کند

آب خوش از گلوی خلاق گذر کند
 مغشوش بر ملا شدن پشت پرده اند
 حتی ز فرط دلهره، "دلپیچه" کرده ایم
 باور کنید "باز همافر" تمام شد
 آن ماجرای دلهره آور تمام شد
 باور کنید (اگرچه که خار و خسیم ما)
 بیش از شما مشوش و دلواپسیم ما
 دلواپس کرامت از دست رفته ایم
 آن عدل و آن صداقت از دست رفته ایم
 دلواپس درآمد ناچیز مردمیم
 دلواپس گران شدن نان گندمیم
 از خفت و مرارت، احوالمان بد است
 از بوی "مهرورزی" تان حالمان بد است
 دلواپسیم، بال و پر خویش برکشید
 وین شاخ خود ز پیش و پس ما به در کشید

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com

شهادت نوزدهمین مجاهد خلق

در اثر محاصره ضد انسانی پزشکی و عدم دسترسی به بیمارستان در لیبرتی



محمد بابایی که نیروهای عراقی بردن او به بیمارستان را عمداً به تأخیر می انداختند در اثر ایست قلبی درگذشت.

بعد از ظهر روز دوشنبه ۸ اردیبهشت (۲۸ آوریل)، مجاهد خلق محمد بابایی که مأموران عراقی بردن او به بیمارستان را به طور عمدی به تأخیر می انداختند، در اثر ایست قلبی در کلینیک عراقی کمپ لیبرتی به شهادت رسید. او نوزدهمین مجاهد خلقی است که به خاطر محاصره ضد انسانی پزشکی اعمال شده توسط دولت عراق و عدم دسترسی آزادانه ساکنان به بیمارستان و خدمات پزشکی جان باخت.

محمد بابایی ۵۵ ساله که از سه دهه پیش در صفوف سازمان مجاهدین خلق ایران به مبارزه علیه فاشیسم دینی حاکم بر ایران مشغول بود، از حدود سه ماه پیش در انتظار انتقال به بیمارستان برای معالجه و مداوا به سر می برد.

او در روز ۱۶ بهمن ۱۳۹۲ (۵ فوریه ۲۰۱۴) به خاطر درد قفسه سینه به کلینیک عراقی مراجعه کرد و پزشک عراقی پس از معاینه و آزمایشهای اولیه تشخیص ایسکمی قلبی داد و بر ضرورت انتقال بیمار به بیمارستان در بغداد و معالجه توسط پزشک متخصص تأکید کرد.

اما به رغم پیگیریهای مستمر ساکنان، او را پس از ۴۲ روز در روز ۱۷ مارس به بیمارستانی در بغداد منتقل کردند و پس از معاینات توسط پزشک متخصص قرار شد برای ادامه معالجات در روزهای ۳۱ مارس و اول آوریل در بیمارستان در بغداد بستری شود. اما در روز ۳۱ مارس مأموران سرکوبگر وابسته به نخست وزیری به این بهانه واهی که تعداد بیماران انتقالی زیاد هستند، از انتقال محمد بابایی به بیمارستان خودداری کردند.

پس از سوختن قرار فوق با پیگیریهای زیاد، قرار بعدی بیمارستان به ۱۲ ماه مه (۲۲ اردیبهشت) موکول شد. اما متأسفانه وی در روز ۲۸ آوریل دچار یک حمله قلبی شد و بلافاصله توسط ساکنان به کلینیک عراقی منتقل شد، اما اقدامات این کلینیک نیز که از امکانات بسیار محدودی برخوردار است مؤثر واقع نشد و در این کلینیک جان داد. به این ترتیب محمد بابایی ۸۴ روز پس از بروز جدی علائم بیماری در اثر عدم دسترسی آزادانه به خدمات پزشکی جان داد.

محاصره جنایتکارانه پزشکی که از ابتدای سال ۲۰۰۹ از سوی دولت عراق بر اشرف اعمال شد با انتقال ساکنان به لیبرتی ابعاد وخیمتری پیدا کرد و ساکنان از حداقل تجهیزات پزشکی خود که در اشرف داشتند نیز محروم شدند. مقاومت ایران پس از انتقال به لیبرتی بارها اعلام کرده است ساکنان لیبرتی از یکسو از حداقلهای پزشکی که در کلینیک داخلی خود در اشرف داشتند، محروم هستند و دولت عراق از انتقال تجهیزات پزشکی ساکنان به لیبرتی جلوگیری می کند، از سوی دیگر کلینیک عراقی لیبرتی از تجهیزات اولیه برای رسیدگی به موارد اورژانس برخوردار نیست و ساکنان دسترسی آزادانه به خدمات پزشکی در عراق ندارند.

دولت عراق با همدستی نماینده ویژه سابق دبیرکل و برخی افرادی که توسط او در یونانی به کار گرفته شده اند تلاش کرده است حقیقت را وارونه جلوه دهد و برخی گزارشها که توسط این افراد به اسم ملل متحد تهیه می شود، به دروغ وانمود می کند ساکنان از همان خدمات پزشکی که در اختیار شهروندان عراقی قرار دارد برخوردارند و این «رهبری کمپ» است که برای ساکنان «محدودیت دسترسی به رسیدگی پزشکی» ایجاد می کند.

مقاومت ایران با تأکید بر اینکه ممانعت از دسترسی یک جمعیت به خدمات پزشکی از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت است و مسئولان و تسهیل کنندگان آن باید مورد تعقیب و مجازات قرار گیرند، دولت آمریکا و ملل متحد را به اقدام فوری برای پایان دادن به محاصره ضد انسانی پزشکی، انتقال تجهیزات پزشکی از اشرف و دسترسی آزادانه ساکنان به خدمات پزشکی در عراق به هزینه خودشان، فرا می خواند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ (۲۹ آوریل ۲۰۱۴)

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

یارانه نقدی؛ سیلی آبدار جامعه به بناگوش حکومت

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۳ اردیبهشت



کارزار تبلیغاتی همه جانبه حکومت برای مُنصرف ساختن مردم از دریافت یارانه نقدی به شکست انجامیده است. با وجود چند ماه تبلیغات و تهدیدهای مُستمر از طریق رادیو و تلویزیون، رسانه ها، وبگاه ها و تریبونهای عمومی، اکنون پایوران حکومت اعتراف می کنند که در دستکاری ذهنی مخاطبان شان ناکام مانده اند و بیش از ۹۰ درصد مردم برای دریافت یارانه نقدی ثبت نام کرده اند.

آقای محمد شریعتمداری، معاون اجرایی حجت الاسلام روحانی با شکایت از این که

"نتایج به دست آمده از ثبت نامها خیلی خوش آیند نیست"، ابراز شگفتی کرده که مردم در قُرْم ثبت نام اعلام می کنند "به سمت حداقل" است. بوروکرات پرور شده که وانمود می کند از وضعیت درآمد و معیشت اکثریت جامعه بی خبر است، خسارت آشکار شدن شرایط وخیم آنها را پنجاه - پنجاه کرده و احتمال می دهد، یا مُتقاضیان دُرُوغ می گویند یا اینکه وضعیت آنها واقعا خوب نیست!

در همین حال، "کارشناسان" اقتصادی و "صاحب نظران" اجتماعی در استخدام حکومت و باندهای آن نیز بنا به سفارش، دلایل رنگارنگ دیگری در توضیح انصراف ندادن مردم از دریافت یارانه نقدی عرضه می کنند که با گذشت هر روز، هم به لحاظ شمار و هم از نظر تنوع، دامنه گسترده تری می یابد. در این بازار از نکوهش اخلاقی مُتقاضیان یارانه تا مُتهم کردن آنها به نداشتن حس مسوولیت جمعی یافت می شود. از سوی دیگر جناحهای رقیب نیز یکدیگر را مسوول ناکام ماندن طرح معرفی می کنند و از آن همچون چُماق دیگری برای کوفتن بر سر رقیب سود می جویند.

علت این دستپاچگی و برآشفتگی آن است که "نظام" نتوانسته همچون چهار سال پیش زیر نام "هدفمند سازی یارانه ها" گُلاه گشاد دیگری بر سر مردم بگذارد، از جیب آنها، هزینه نقشه های نابخردانه اش را پرداخت کند و به قیمت فلاکت جامعه، اشتباهی سیری ناپذیر رهبران و پایوران فاسد خود را فرو بنشانند.

مردم هنوز به یاد دارند که چگونه مسوولین حکومت در باره پیامدهای حذف یارانه ها و خدمات دولتی یکصدا به آنها دُرُوغ گفتند. آنان امروز نیز می بینند که چگونه دولت حجت الاسلام روحانی پیرامون هزینه کرد پول صرفه جویی شده از محل یارانه نقدی به آنها آشکارا دروغ می گوید و در حالی که با پُشتکار بسیار در حال گران کردن دو رقمی آب، برق، گاز، بنزین و هزینه بهداشت، آموزش و پرورش، حمل و نقل و جُز آن است، در باغ سبز پایین آمدن بهای کالاها و خدمات را نشان می دهد.

شکست "نظام" در وادار کردن مردم به ریختن یارانه نقدی به جیب گشاد کارگزارانش و بُشکه بدون ته اقتصاد ورشکسته ولایتی، به مفهوم انصراف آن از هُجوم به سطح زندگی و کار جامعه نیست. سیلی آبدار جامعه به بناگوش حکومت، آن را وادار می کند که ماسک خیراندیشی را کنار زده و با چهره غریبان، چنگال و دندان نشان دهد.

وعده های بی پایه ربیعی به کارگران

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۷ اردیبهشت



با نزدیک شدن به اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران، بر حجم وعده های کارگزاران رژیم به نیروهای کار افزوده شد. در حالی که فعالان سندیکایی زندانی هستند و برگزاری همایش مستقل کارگری در این روز ممنوع است، وزیر کار حسن روحانی وعده هایی از رنگین کردن سفره خالی کارگران تا تشکلهای کارگری را در «هفته بزرگداشت روز کارگر» وعده داد.

رژیم تبلیغات ضد کارگری خود را به بهانه بزرگداشت روز کارگر از یک هفته قبل آغاز کرده است. از بردن عده ای گزینشی به عنوان کارگر بر سر قبر خمینی تا شرکت در نماز جمعه، مجیزگوئیهای سران تشکلهای دولت ساخته شورای عالی کار و مدیر آن محبوب و سناریوی وفادار بودن کارگران به راه امام که از طرف ربیعی وزیر کار روحانی کلید خورد. دفاع ربیعی از کارگران در نماز جمعه بیش از حد شور است.

ربیعی روز آدینه ۵ اردیبهشت سفره کارگران که هنوز در انتظار آوردن پول نفت از طرف احمدی نژاد، خالی مانده است را با شعارهایش پر کرد. وی گفت: «سفره هیچ خانواده ای خالی از مواد غذایی نباشد و هیچ فردی برای تامین معاش خود سرگردان نباشد». او وزیر دولتی است که شیب نرم در بالا بردن قیمت حاملهای انرژی رکورد را شکست. در شیب ملایم حسن روحانی نرخ بنزین و گازوئیل به طور میانگین ۷۰ درصد افزایش پیدا کرد. افزایش چنین میزانی در یک مرحله بنا بر تعبیر برخی می تواند واکنش دولت روحانی به عدم انصراف مردم از یارانه ها باشد.

علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه رژیم، علاوه بر وعده ایجاد اشتغال، حمایت از تشکلهای کارگری را هم مطرح کرد. وی مدعی شد که: «وزارت کار، خانه تشکلهای صنفی کارگری است و خود را موظف می داند تا در این امر نقش تسهیل کننده داشته باشد». این دروغ بزرگ وزیر روحانی است. هر تشکل دولت ساخته ای به شمول شورای اسلامی کار و خانه کارگر در توجیه سیاستهای ضد کارگری نظام و برای حفظ نظام فعالیت خواهند کرد. هر کسی که از تشکل کارگری حمایت کند باید در گام اول از آزادی فعالان سندیکایی کارگری که به خاطر دفاع از حقوقشان در بند هستند دفاع کند.

روز جهانی کارگر در ایران، مقابله خشونت آمیز ستمگر علیه ستمکش

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۳ اردیبهشت

آنچه که در ایران در ۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، روز جهانی همبستگی کارگری رخ داد، آینه تمام نمای وضعیت حکومت ورشکسته جمهوری اسلامی است که بر گستردگی نارضایتی مردم و فقر و مشکلات معیشتی زحمتکشان آگاهی کامل دارد و از توان و نیروی اعتراضی و متشکل آنها هراسناک است. رژیم از روزها و هفته ها پیش تدارک جلوگیری از برگزاری مراسم اول ماه مه و سرکوب آن را دیده بود. این در حالیست که در بیشتر نقاط جهان، کارگران با تجمعات و راهپیماییها از یک سو مطالبات خود را مطرح کردند و از سوی دیگر همبستگی خود را با دیگر کارگران جهان اعلام نمودند .

روحانی در حرکتی کاملاً ریاکارانه و تناقض آمیز، خود را مورد تمسخر خاص و عام قرار داد. وی در حالی بالای منبر رفت و گفت "کارگران باید بتوانند از طریق تشکلهای و جمعیتهای آزادشان صدای خود را به گوش مسولین و وزارت کار راحت تر و شفاف تر برسانند" که در یک تجمع دولت فرموده که برای جلوگیری از برگزاری مستقل روز کارگر ترتیب داده شده بود، حرف می زد. بی محتوایی حرفهای او از آنجا معلوم می شود که حتی حاضرین در سالن نیز از آوردن بنرها و پلاکاردهای خود منع شده بودند. در سرتاسر این محل، پلاکاردهایی از سخنان خمینی و شعارهای فرمایشی و بی ربط به روز کارگر مانند "ما همه روحانی هستیم" دیده می شد .

در همین روز، آقای ابراهیم مددی، نایب رییس سندیکای شرکت واحد در تجمع اعضای سندیکای رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، هنگام تعارف شیرینی به مردم مورد حمله نیروهای امنیتی قرار می گیرد و پس از ضرب و شتم بازداشت و به همراه بیش از ۲۰ نفر دیگر از فعالان کارگری به اوین منتقل می شود.

آقایان جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی، دو عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران روز پیش از این با هجوم ماموران امنیتی به خانه هایشان دستگیر شدند. منزل خانم پروین محمدی نیز روز چهارشنبه مورد حمله نیروهای سرکوبگر قرار گرفته و در منزل او را می شکنند. او در منزل نبود، ولی در تجمع مقابل وزارت کار به همراه شاپور احسانی فرد دستگیر می شود.

از اوایل صبح پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت، ساختمان اداره کار و تمامی محله های منتهی به آن توسط نیروهای امنیتی قرق شده و تحت کنترل شدید قرار گرفته بود. ماموران پلیس و امنیتی و انبوهی از لباس شخصیها مانع حتی توقف رهگذران کنجکاو می شدند. از این رو، کارگران و فعالان کارگری که شامل هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار نفری کارگران می شدند و با حمایت و فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران قصد تجمع برای گرامیداشت روز جهانی کارگر در مقابل وزارت کار را داشتند، مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار گرفتند .

از دیگر نمونه های اعتراض و واکنش رژیم، کارگران اتحادیه کارخانجات پارچه بافی و اتحادیه نانوایان در سنندج است که دست به تجمع اعتراضی زدند و شعارهای ضد حکومت دادند. برخی از نانوایان نیز دست به اعتصاب زدند. شماری از فعالان و سازمان دهندگان در این تجمعات دستگیر شدند .

در اهواز کارگران کارخانه لوله سازی در مقابل استانداری تجمع کردند و همچنانکه به سرعت به تعدادشان افزوده می شد، توسط نیروهای انتظامی محاصره شدند، تظاهرات در خرم آباد نیز تحت کنترل شدید نیروهای سرکوبگر انجام شد. در دیگر شهرهای ایران از جمله قم، ساوه، زنجان و ... به همین صورت جشن روز کارگر زیر سر نیزه برگزار شد.

پس از ۳۵ سال گذشت از قیام ضد دیکتاتوری مردم ایران علیه رژیم شاه، وضعیت کارگران و زحمتکشان ایرانی که آفریننده اصلی ثروت هستند، هر روز بدتر از گذشته شده است. در عین حال کارگران به اعتراضات خود در شرایط سرکوب حکومتی ادامه داده اند. در این رابطه، دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران لیستی از ۵۵۶ حرکت اعتراضی

کارگران و مزدبگیران در سال ۱۳۹۲ را منتشر کرده است. این اعتراضات که تحت سرکوب و تهدید و دستگیری صورت گرفته، نمونه ای از تلاش پیگیر کارگران و فعالان کارگری است. وحدت و همبستگی طبقاتی زحمتکشان از مهمترین ویژگی‌هایی است که توان و نیروی شکست ناپذیر آنان را نشان داده و گسترش می دهد. قدرتی که داری تشکل و توان سازماندهی باشد، بزرگترین خطر برای رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی به حساب می آید. از همین روست که رژیم با ابزارهای گوناگون از جمله خشونت تلاش می کند مانع اقدام مستقل و خودآگاه کارگران گردد. آنها به توان بالقوه طبقه کارگر آگاهند.

نیروی کار بیکار

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲۰ اردیبهشت

شیوه تولید و سازماندهی اقتصادی در روال معمول به گونه ای است که سرمایه داران تنها در شرایطی نیروی کار را به خدمت می گیرند که تولید، حداکثر سود را برای آنها داشته باشد. از آنجایی که در ساختار اقتصادی حکومت جمهوری اسلامی، سودهای کلان از تولید و حتی با استثمار کارگران حاصل نمی شود، آنگاه شرایطی شکل می گیرد که مرکز آمار رژیم جمهوری اسلامی با اعداد و ارقام آن را به تصویر کشیده است: ۴۰ میلیون نفر در ایران نه شاغل هستند نه بیکار. مرکز آمار در گزارش پیرامون جمعیت نیروهای شاغل و غیر شاغل در کشور گزارش می دهد که ۳۹ میلیون و پانصد هزار نفر از جمعیت کشور در برزخ اشتغال بسر می برند، بدین صورت که آنان را نه شاغل و نه بیکار می توان به حساب آورد. این رقم تکان دهنده، یک برابر و نیم کل جمعیت فعال کشور است که همین موسسه دولتی، تعداد آنها را ۲۴ میلیون نفر برآورد کرده است.

مرکز آمار رژیم برای رفع مسوولیت از حکومت بی کفایت و فاسد و مقصر جلوه دادن قربانیان آن، با لحنی تحقیرآمیز از نیم بیشتری از مردم ایران زیر عنوان "مصرف کننده" و "متکی به دیگران" یاد می کند. این در حالی است که یک منبع حکومتی دیگر (مهر) اعتراف می کند، یکی از دلایل کاهش نرخ مشارکت اقتصادی، "ناامیدی و مایوس شدن بخشی از جوانان از یافتن یک شغل مناسب است" و در جای دیگر به "افزایش تعداد زنانی که از یافتن شغل ناامید شده اند"، اشاره کرده.

اما علی ربیعی، وزیر کار رژیم علت را "فرهنگ مدرک گرایی و غفلت از مهارت آموزی" توصیف کرده. وی که به نظر می آید خود مدرک تحصیلی ندارد و یا اگر دارد "کردانی" است، اطلاع ندارد که به روال عادی، رشد صنعت و برنامه ریزیها و مدیریتهای دقیق برای تامین نیروی انسانی آن است که آموزشها و مهارتهای تخصصی در رشته های گوناگون را ایجاد می کند. در بسیاری از کشورها اینگونه است که جوانان در رشته هایی که فرصتهای شغلی وجود دارد تحصیل می کنند. در حکومتی که آقای ربیعی وزیر کار آن است، جوانان ما برای به تاخیر انداختن الحاق به لشکر ۴۰ میلیونی بیکاران وارد دانشگاه می شوند.

حکومتی که تولیدات صنعتی و کشاورزی را کنار گذاشته و از طریق قاچاق و رانت اجناس بنجل وارد کشور می کند، ذخایر مالی و طبیعی کشور را چپاول می کند و یا صرف هزینه های بیهوده هسته ای برای کسب قدرت می کند، کارنامه بهتری از این آمارهای شرم آور نمی تواند داشته باشد.

طبق آمار "گینس" (کتاب رکوردهای جهان GUINNESS که همه ساله منتشر می شود)، کشور ایران بالاترین رتبه در فرار مغزها را دار است. از دیگر دستاوردهای رژیم ولایت فقیه که در این کتاب به آن اشاره شده، مقام اعلا در میزان مصرف تریاک و هرویین است.

راه حلی که خامنه ای برای بهبود این شرایط تجویز می کند، به اندازه مدیریت فلاکت زای کنونی اش فاجعه بار است. او فرمان داده که جمعیت کشور به ۱۵۰ میلیون نفر برسد؛ شرح دیگری ضروری هست؟

اعدامهای جمعی و افزایش زندانیان زیر ۲۰ سال

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر دوشنبه ۲۲ اردیبهشت



اعدامهای گروهی و فله ای جنایت علیه بشریت و وحشیانه ترین نوع مجازات است. نفس اعدام به عنوان یک مجازات عملی غیر انسانی و محکوم است. اعدام دسته جمعی فجیع تر از هر نوع مجازات محسوب می شود. پاسداران جهل و جنایت با مسئولیت مستقیم ولی فقیه

دست به این جنایت ننگین می زنند.

این گونه اعدامها از دوران به کار آمدن حسن روحانی و خوردن جرعه های زهر اتمی توسط ولی فقیه، افزایش پیدا کرده است. کسانی به جوچه های اعدام سپرده می شوند که سالها عمرشان را در سیاهچالهای رژیم بسر برده اند. کسانی که در زندان به مدت ۱۰ سال زیر اعدامی قرار دارند هر روزشان نوعی شکنجه برایشان محسوب می شود. در حالی که دانه درشتها از مجازاتهای ولایت فقیه در امان هستند، دانه ریزها گرفتار مجازاتهای وحشیانه می شوند.

اعدامهای دسته جمعی برای ایجاد رعب و وحشت نه تنها به کاهش جرم کمک نکرده، بلکه به دلیل وجود یک حکومت فاسد و نهادینه کردن روابط غیر انسانی و نابرابری اجتماعی، آسیبهای اجتماعی، قتل و مصرف مواد مخدر را افزایش داده است. حتا می توان گفت افزایش زندانیان غیر سیاسی از جمله سیاست پایوران رژیم در برابر فعال تر شدن در حوزه سیاست است.

صبح روز شنبه ۲۰ اردیبهشت یازده نفر در زندان گوهر دشت کرج به دار آویخته شدند. یک زن و ده مرد فقط در یک روز و در یک زندان. این در حالی است که صدها نفر زیر اعدام قرار دارند.

روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت، معاون برنامه ریزی فرمانداری تهران، از افزایش ۲۰ درصدی زندانیان زیر سن ۲۰ سال خبر داد. وی گفت: «در چند سال اخیر شاهد افزایش تعداد زندانیان بوده ایم. متاسفانه در این مدت زندانیان زیر بیست سال افزایش بیست درصدی را نشان می دهد.» به این رقم باید کودکان خیابانی و فقیر را هم اضافه کرد. روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت، مدیر کل دفتر آسیب دیدگان اجتماعی گفت ۲ میلیون کودک خیابانی وجود دارند. وی گفت از این دو میلیون فقط ۵ هزار تن ساماندهی شده اند. کودکان خیابانی اولین قربانیان بی دفاع در برابر مافیای مواد مخدر هستند.

با توجه به این که بخشی از اعدام شدگان از بین کسانی است که در سن زیر ۱۸ سال مرتکب جرم شده اند و بعد از تحمل سالها حبس و در سن بزرگسالی به چوبه دار سپرده می شوند باید انتظار داشت با وجود این رژیم، تعداد نوجوانانی که به چوبه های بی عدالتی رژیم سپرده خواهند شد، افزایش بیش از بیست درصدی پیدا کند.

شکست دولت روحانی در آزمون اوین

منصور امان

فراسوی خبر... آدینه ۲۶ اردیبهشت

سُخنان ناهمگون پایوران ارشد دولت در مورد روند و چگونگی رسیدگی به حمله خونین به زندانیان سیاسی اوین، نشان از شکست حُجت الاسلام روحانی در یک آزمون مهم پیرامون میزان جدی بودن ادعاهایش برای "تغییر فضای امنیتی" دارد. روز چهارشنبه، سُخنگوی دولت در یک روایت تازه از اقدامات دولت در مورد تاخت و تاز تبهکارانه در اوین اعلام کرد "قرار است" تحقیقات در این باره را دو وزارتخانه اطلاعات و دادگستری انجام دهند. آقای نوبخت به این ترتیب سُخنان حُجت الاسلام پورمحمدی مبنی بر رد ضمنی ادعای قبلی او در مورد تشکیل کمیته ای برای رسیدگی به این موضوع را تایید کرد.

سُخنگوی دولت در اوایل ماه جاری از تشکیل تیمی از سوی دولت برای "ورود به مساله" خبر داده و حتی مُدعی شده بود که "جُزییات این اتفاق هم اکنون توسط این تیم در حال بررسی است". از گفته ها و اقدامات مُتناقض مزبور چنین برمی آید که دولت آقای روحانی در حال بازی در دو نقش است؛ بخشی از دولت به سُخنگویی آقای نوبخت رُل "مدافع رعایت حقوق زندانیان" را بازی می کند و بخش دیگری که حُجت الاسلام پورمحمدی سُخنگوی آن است، با قالبهای معمول امنیتی و سیاست شناخته شده کُشتار و انکار روی صحنه پدیدار می شود.

در مسیر پیچ و تاب داری که "دولت تدبیر و امید" از زمان افشای تبهکاری دژخیمان آیت الله خامنه ای در زندان اوین تا نُقطه کُنونی پیموده و به ویژه با تهدید و دستگیری اعضای خانواده زندانیان می توان نقش پُر رنگ تر بخش مزبور را به خوبی مشاهده کرد. این در خوش بینانه ترین فرض بدان معناست که آقای حسن روحانی حتی در "تغییر فضای امنیتی" جلوی درب ورودی خانه اش هم مُوفق نبوده است. همزمان، هیچ نشانه ای نیز از تلاش وی برای ترسیم نُقاط تمایز رویکرد خود در باره جنایت زندان اوین از آمران و عاملان آن دیده نمی شود.

فُرصت بعدی برای مشاهده درونمایه عملی وعده های دولت جناح میانه رژیم، هنگام انتشار گزارشی است که سُخنگوی دولت می گوید قرار است تهیه و منتشر شود. چه، هر تحقیقاتی که بر تبهکاری صورت گرفته در زندان اوین انگشت نگذارد، آن را به این صفت ارزش گذاری نکند و خواهان اجرای عدالت در مورد تبهکاران و قُربانیان نشود، فقط سوختی است که کوره "فضای امنیتی" را خواهد تاباند.

مرزی که "بدبخت هیژم کش" را از همدست آدمکش جُدا می کند بسیار باریک است، بدون آنکه قرار داشتن در این سوی قلمرو جنایت، وی را از مسوولیت مبرا سازد یا امتیازی قانونی و اخلاقی به حسابش منظور کند.

خامنه ای تحریمها را "کش" می دهد

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت

بی نتیجه ماندن مذاکرات رژیم ولایت فقیه با طرفهای خارجی اش در وین، بیان مادی و نتیجه سیاسی موش و گربه بازی آقای خامنه ای و همدستانش است. آنها تلاش می کنند بخت خویش را برای چانه زنی و گرفتن تخفیف به آزمایش بگذارند.

حاکمان جمهوری اسلامی تاکنون بارها در کشمکش بر سر بُحران هسته ای، قُدرت چانه زنی خود را به گونه مایوس کننده ای آزموده اند. آنها رسیدن به نُقطه کُنونی را از جُمله مدیون ارزیابی نادرست و در مواردی متوهمانه از این توان و اهرمهای باجگیرانه ای که بدانها مُتکی است، هستند. بنابراین به خوبی می توان رویکرد کُنونی حاکمان کشور را تکرار تجربه های

شکست خورده گذشته دانست که تنها تفاوت آن از انواع پیشین اش، نامساعد تر بودن شرایط و تیره تر شدن چشم انداز برای موفقیت آن است.

آقای خامنه ای چونان همیشه دست به قمار زده است که نه پُشتوانه مادی یا اجتماعی آن را دارد و نه بازیگران مُشتاقی برای نشستن گرد میز بازی می یابد. او و شرکایش به روشنی و گستاخانه علیه منافع اکثریت مردم ایران گام برمی دارند، با آگاهی بر اینکه در پس خود ویرانی اقتصادی، سیه روزی معیشتی و انحطاط اجتماعی بر جا می گذارند. کمترین نتیجه مأنور بی خردانه ولی فقیه جمهوری اسلامی و اقمار، طولانی شدن بی دلیل روند ویرانگری است که با تحریمهای فلج کننده بین المللی آغاز گردیده و انتهای آن فقط برای کسانی که بند ناف موجودیت خویش را به بحران خارجی زده اند، مشاهده پذیر نیست.

همزمان ضروری است که یادآوری شود، برخلاف آنچه که آقای روحانی و اعضای دولت او تبلیغ می کنند، علت بازی مُخرب باند ولی فقیه با توافق هسته ای، فقط منافع اقتصادی تحریمها و ثروتی که از این راه به تاراج می برند نیست. پیش از آنکه آنها بتوانند در خزانه ملی به تاخت و تاز و غارت بپردازند، باید کلید و کلیددار خزانه را نیز از آن خود کرده باشند. این موقعیت هیچ چیز کمتر یا بیشتر از قُدرت ناب سیاسی نیست که در اصل به دارندگانش امکان به چنگ آوردن و بهره گیری از ثروت بادآورده را تحت هر شرایطی می دهد.

نگرانی عمده "رهبر" و زیر مجموعه هایش از "توافق جامع" با طرفهای خارجی که موضوعهایی فراتر از ماجراجویی هسته ای آنها را در بر می گیرد، از دست دادن جایگاه "فراگیر" و انحصاری خود در کُنترل قُدرت و اعمال گشاده دستانه آن است. جناح میانه حکومت اگرچه با ادعای مبارزه با "ویژه خواران" و "کاسبان تحریم" نشانه هایی از خیز برای مُتزلزل کردن جایگاه مزبور نشان می دهد، اما مُنصرف کردن باند حاکم از سنگ اندازی و خرابکاری، با گرفتن باج و حق السُکوت امکان پذیر نیست. چند دُزد به دام افتاده، چشم پوشی پذیر هستند، قلعه و جان پناه دُزدان در مُقابل هرگز! تلاش واقعی برای "تدبیر" کلاف بحران هسته ای، در عمل معنایی جُز به دست گرفتن سرخ آن ندارد. جناح میانه حکومت تاکنون از این وظیفه فرار کرده است.

شهدای فدایی در خرداد ماه



رفقا: امیرپرویز پویان - نادر شایگان شام اسبی - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - حبیب برادران خسروشاهی - مریم شاهی - خسرو تره گل - حسین سلاخی - شیرین معاضد (فضیلت کلام) - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسی دوست موچالی - رفعت معماران بناب - نادر شایگان شام اسبی - سلیمان پیوسته حاجی محله - سعید معینی - نعمت با شعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - اسماعیل هادیان - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (در هند) - محمدرضا محمدیان باباعلی (کاک رشید) - حمید امیر میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر ویسی - جعفر قنبرنژاد - مهنوش آذریون - شاپور جلیلی - جواد باقری (مهرداد)، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

رفیق شیرین معاضد (فضیلت کلام)

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

- ۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،
- ۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

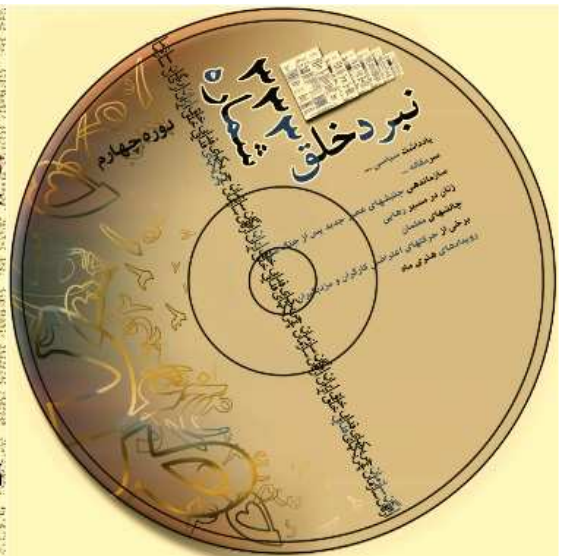
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 347 22 mai. 2014 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 /91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org